



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تفسیر قرآن مجید

ڈاکٹر علی محمد علی ریاضی، اصفہان، مدرسہ اسلامیہ، لاہور

ویسٹ جوائنٹس



جلد ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	تفسیر قرآن مهر جلد پنجم
۷	مشخصات کتاب
۷	یادآوری‌ها
۸	درآمد
۸	محتوای سوره‌ی مائده
۸	سیمای سوره‌ی مائده
۸	شمارگان
۹	نزول
۹	نام‌ها
۹	فضایل
۹	ویژگی‌ها
۹	اهداف
۹	مطالب
۱۰	محتوای سوره‌ی مائده
۱۰	پاک سازی جسم و جان
۱۷	بنی اسرائیل (یهود)
۲۰	مسیحیان و انحرافات آنان
۲۵	داستان آدم و فرزندانش
۲۹	قوانین قضائی
۴۰	سرپرستی و ولایت مسلمانان
۶۳	مسائل مکه
۶۹	شناخت نفس

۷۲ معجزات عیسی (ع)

۷۶ منابع

۸۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تفسیر قرآن مهر جلد پنجم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: ۳۳۰۰۰ ریال (ج. ۵) یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد هجدهم □ ۱۳۸۸. یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: **The mehr commentary on the holy Quran**. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷ □ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۵. سوره‌ی مائده. عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ ای رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

یادآوری‌ها: تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی و ایراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵ بسم الله الرحمن الرحیم وصلى الله على محمد و آله الطاهرين «۱» وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲»؛ و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

درآمد

درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷ است. «۱» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازبینی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۲» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجة ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه الله محمد هادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجة الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت الله صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم- ۳/ ۱۳۸۶ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹

مختوای سوره‌ی مائده

سیمای سوره‌ی مائده

شمارگان

شمارگان: سوره‌ی مائده، پنجمین سوره در ترتیب فعلی قرآن، در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۱۲۰ آیه و ۲۸۰۴ کلمه و ۱۱۹۳۳ حرف است.

نزول

نزول: این سوره صد و دوازدهمین سوره در ترتیب نزول است، یعنی بعد از سوره‌ی فتح و قبل از سوره‌ی توبه فرود آمده است. از آنجا که سوره‌ی فتح بعد از صلح حدیبیه (در سال ششم هجری) نازل شده، به این نتیجه می‌رسیم که نزول سوره‌ی مائده بین سال هفتم تا دهم هجری بوده است. اما در برخی روایات از امام علی علیه السلام حکایت شده که سوره‌ی مائده دو یا سه ماه پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردیده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲ شاید این روایات به قسمت‌هایی از سوره‌ی مائده اشاره دارد.

نام‌ها

نام‌ها: نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مائده»، «عُقُود» و «الْمُنْقَدَةُ». این سوره از آن جهت «مائده» (غذا) نامیده شده که در آیه‌ی صد و چهاردهم این سوره از دعای عیسی علیه السلام برای نزول مائده‌ی آسمانی سخن گفته شده است.

فضایل

فضایل: در مورد فضیلت سوره‌ی مائده از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی مائده را بخواند، به تعداد یهودی‌ها و مسیحی‌ها که نفس می‌کشند، ده حَسَنه و نیکی به او داده می‌شود و ده سِئَه و بدی از او محو، و ده درجه به او افزوده می‌شود. «۱» تذکر: فضایل سوره‌ها با محتوای آنها ارتباط دارد. در سوره‌ی مائده مسأله‌ی ولایت و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روشن شد و کافران از دین اسلام مأیوس شدند؛ پس هر کس این سوره را بخواند و طبق مفاد آن، از ولایت علی علیه السلام پیروی کند، کافران را مأیوس کرده و بدین جهت به تعداد آنها پاداش می‌گیرد.

ویژگی‌ها

ویژگی‌ها: سوره‌ی مائده از سوره‌هایی است که همه‌ی آیات آن در «روز» نازل شده‌اند و از این جهت بدان «نَهاری» می‌گویند «۲» و بیش‌ترین خطاب «یا ایها تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳ الذین آمنوا» (۱۶ بار) در این سوره نازل شده است. از مهم‌ترین آیات این سوره، آیات ۳ و ۶۷ آن، یعنی آیات مربوط به ولایت و امامت علی علیه السلام است که در غدیر خم در حجة الوداع فرود آمد و نیز آیه‌ی ۵۵ این سوره که در مورد بخشش انگشتری علی علیه السلام در حال رکوع است. و در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند: ای مردم، سوره‌ی مائده آخرین سوره‌ای است که نازل شد؛ از این رو حلال آن را حلال، و حرام آن را حرام شمارید. «۱» و در برخی روایات آمده است که این سوره ناسخ است و منسوخ نیست. «۲»

اهداف

اهداف: اهداف و مقاصد عمده‌ی سوره‌ی مائده عبارت‌اند از: ۱. قانون‌گذاری در جهت تنظیم روابط داخلی مسلمانان با هم دیگر؛ ۲. قانون‌گذاری در جهت رفتار و روابط خارجی مسلمانان با یهودیان و مسیحیان اهل کتاب؛ ۳. روشن کردن خط ولایت و رهبری بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. بیان یک سلسله معارف اسلامی؛ ۲. انتصاب امام علی علیه السلام به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۳ و ۶۷)؛ ۳. برخی مطالب مربوط به قیامت (در آیه‌ی ۱۰۹). ۴. اشاره‌ای به تثلیث مسیحیان (در آیه‌ی ۱۱۶). تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴ ب) داستان‌هایی در موضوعات زیر: ۱. فرزندان آدم و قتل هابیل به دست قابیل (در آیات ۲۷-۳۱)؛ ۲. سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان و داستان موسی علیه السلام (در آیات ۲۰-۲۶)؛ ۳. مائده‌ی آسمانی عیسی علیه السلام و سرگذشت او (در آیات ۱۱۰-۱۱۹). ج) احکام و قوانینی راجع به: ۱. شراب و قمار (در آیه‌ی ۹۰). ۲. وضو و تیمم (در آیه‌ی ۶). ۳. غذاهای حلال و حرام (در آیات ۳-۵). ۴. وفای به عهد (در آیه‌ی ۱)؛ ۵. شهادت به عدل (در آیات ۱۰۶-۱۰۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵

محتوای سوره‌ی مائده

پاک سازی جسم و جان

پاک سازی جسم و جان قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی مائده به لزوم وفای به عهد و حلال بودن گوشت چهارپایان و حفظ حرمت احرام حج اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به قراردادهای وفا کنید. (گوشت و جنین) دام‌های زبان بسته برای شما حلال گردیده، مگر آنچه (حکمش) بر شما خوانده می‌شود. در حالی که شما در احرام هستید، شکار کردن را حلال نشمیرید. براستی خدا هر چه را بخواهد، حکم می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی مائده در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و آخرین برنامه‌های اسلامی و به ویژه مسأله‌ی رهبری امت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح کرد؛ از این روست که در ابتدای سوره بر وفای به عهد تأکید شده است. در برخی روایات نیز به ارتباط نصب علی علیه السلام به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله با نزول آیه‌ی فوق تصریح شده است. «۱» ۲. وفاداری به تمام پیمان‌ها لازم است. «۲» در فقه اسلامی استدلال‌های زیادی به این آیه شده و قاعده‌ی مهم «اصل لزوم در عقدها» «۳» از آن گرفته تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶ شده است؛ یعنی هر نوع پیمان و معاهده‌ای که بین دو نفر منعقد شود لازم الاجراست. حتی ممکن است گفته شود که لزوم وفای به عهد در آیه‌ی فوق، شامل انواع معاملات جدید و شرکت‌هایی می‌شود که امروز وجود دارند، یا در آینده پدید می‌آیند. ۳. پیمان بر سه گونه است: الف) پیمان‌های الهی که بین خدا و بندگان بسته شده (مثل پیمان‌های فطری) و یا توسط پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم گرفته شده است (مثل پیمان رهبری و جانشینی پیامبر). ب) پیمان‌هایی که در میان افراد بشر منعقد می‌شود (مثل عقد ازدواج). ج) پیمان‌هایی که بین انسان و خودش بسته می‌شود «۱» که عهد نامیده می‌شود. آیه‌ی فوق معنای وسیعی دارد و شامل تمام پیمان‌های الهی، انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زناشویی و ... می‌شود، همان گونه که تمام اقسام قراردادهای شفاهی، کتبی، عملی، شخصی، منطقه‌ای و بین المللی را در بر می‌گیرد. ۴. وفای به عهد و پیمان، از اساسی‌ترین شرایط زندگی اجتماعی است و بدون آن هیچ گونه هم‌کاری اجتماعی ممکن نیست و هرج و مرج و بی‌اعتمادی بر جامعه حاکم می‌شود، که از بزرگ‌ترین بلاهای اجتماعی است. ۵. حکایت شده که امام علی علیه السلام در فرمان خویش به مالک اشتر نوشتند: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷ در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان- با تمام اختلافی که دارند- مورد اتفاق نیست؛ به همین جهت بت پرستان زمان جاهلیت نیز پیمان‌ها را در میان خود محترم می‌شمردند، زیرا عواقب دردناک پیمان‌شکنی را دریافته بودند. «۱» تذکر: از این روایت استفاده می‌شود که وفای به عهد یک حکم عقلایی است، پس تأکیدات آیه‌ی فوق و روایات در این مورد ارشادی است. ۶. از روایات اسلامی استفاده می‌شود که در لزوم وفای به عهد، تفاوت نمی‌کند که طرف مقابل، نیکوکار

یا بدکار و مسلمان یا غیرمسلمان باشد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که سه چیز است که خدا به هیچ کس اجازه‌ی مخالفت با آن را نداده است: ادای امانت در مورد هر کس، چه نیکوکار باشد و چه بدکار؛ و وفای به عهد دربارهی هر کس، چه نیکوکار باشد و چه بدکار؛ و نیکی به پدر و مادر، چه نیکوکار باشند و چه بدکار. «۲» ۷. وفای به عهد، مقتضای ایمان است؛ از این رو در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که کسی که به عهد خود وفا نکند، دین ندارد. «۳» ۸. لزوم وفای به عهد و پیمان دوجانبه است و اگر پیمان از جانب یک طرف نقض شود، طرف مقابل ملزم به وفاداری نیست؛ یعنی در این صورت ماهیت عقد و پیمان از بین می‌رود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۸ ۹. پس مقصود آیه‌ی فوق، یا حلال بودن تمام چهار پایان است و یا حلال بودن جنینی که در شکم آنهاست. «۱» (یعنی بچه‌هایی که خلقت آنها کامل شده و مو و پشم بر بدنشان روییده است). که در برخی روایات به این معنای دوم اشاره شده است. «۲» اما به نظر می‌رسد که آیه معنای وسیعی دارد و شامل حلال بودن هر دو دسته می‌شود. «۳» ۱۰. حلال بودن گوشت برخی حیوانات یک حکم الهی است که نوعی پیمان خدا با بندگانش است و مشمول اصل کلی وفای به عهد می‌شود؛ البته این حکم موارد استثنایی دارد که در آیات بعد بیان می‌شود. ۱۱. حاجیان در حال احرام قوانین و احکام خاصی دارند، از جمله این که شکار کردن برای آنان حرام است؛ حاجی که مهمان خداست باید حرمت محضر الهی را نگاه دارد و احکام حج را رعایت کند. ۱۲. اراده و قدرت خدا مطلق است و به هر چه بخواهد فرمان می‌دهد، ولی این اراده تابع حکمت الهی است؛ یعنی فرمان‌هایش براساس حکمت و مصلحت است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به پیمان‌های خود وفادار باشید. ۲. اصل، حلال بودن گوشت چهارپایان است (مگر آن که خلاف آن بیان شود). ۳. حرمت احرام حج را نگاه دارید و در آن حال شکار نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی مائده به برخی احکام حج و قوانین تعاون و هم‌کاری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ وَلَا الْقَلْبَدَ وَلَا ءَأَمِينَ النَّبِيِّ الْحَرَامَ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (نه مراسم حج و) نشانه‌های خدا، و نه ماه [های حرام، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نه نشاندار، و نه قصد کنندگان خانه محترم [خدا]، در حالی که بخششی و خشنودی‌ای از پروردگارتان می‌جویند، را (حرمت شکنی نکنید) و حلال ندانید. و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس (می‌توانید) شکار کنید. و البته، کینه‌توزی گروهی، برای اینکه شما را از (آمدن به) مسجد الحرام (در صلح حدیبیه) باز داشتند، شما را وادار نکند که تعدی نمایید. و بر (ای) نیکوکاری و (خود نگهداری و) پارسایی با یکدیگر هم‌کاری کنید؛ و بر (ای) گناه و تعدی با یکدیگر هم‌کاری ننمایید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، [چرا] که خدا سخت کیفر است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق هشت قانون مهم اسلامی در مورد ماه‌های حرام و حج بیان شده است که عبارت‌اند از: الف) شعائر الهی را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمرید. ب) احترام ماه‌های حرام را نگه دارید و از جنگ کردن در این ماه‌ها بپرهیزید. ج) قربانی‌هایی را که برای حج می‌آورند، اعم از بی‌نشان یا نشان‌دار، حلال نشمرید، بلکه بگذارید به قربانگاه برسند و در آنجا قربانی شوند. د) مزاحم زایران خانه‌ی خدا نشوید، چه کسانی که برای خشنودی خدا به زیارت آمده‌اند و چه آنانی که برای به دست آوردن سود تجاری آمده‌اند. تمام مسلمانانی که زایران خانه‌ی خدا هستند، در مصونیت و امنیت به سر می‌برند. ه) ممنوعیت شکار و صید مخصوص زمان احرام است؛ پس هنگامی که از لباس مخصوص حج یا عمره (لباس احرام) بیرون آمدید، شکار کردن برای شما مجاز است. و) ایجاد مزاحمت گروهی از بت‌پرستان در دوران جاهلیت (و یا در جریان صلح حدیبیه) برای شما، نباید سبب شود که بعد از مسلمان شدن آنها، بار دیگر کینه‌های دیرین را زنده کنید و مانع زیارت آنها شوید. ز) در راه انجام نیکی‌ها و پارسایی، با هم دیگر تعاون و هم‌کاری کنید، نه برای انجام گناه و تجاوز. ح) خودتان را (از عذاب) خدا حفظ کنید، که مجازات خدا شدید است. ۲. مفسران قرآن دو تفسیر از «شعائر» ارائه کرده‌اند: الف) مقصود از آن

مناسک و برنامه‌های حج است که مسلمانان موظف‌اند احترام آنها را نگه دارند. شاهد این تفسیر آن است که واژه‌ی شعایر در قرآن تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۱ معمولاً در مورد مراسم حج به کار می‌رود. «۱» ب) مقصود از شعایر هر چیزی است که شعار و علامت دین باشد، که شامل مراسم حج و غیر آن می‌شود. «۲» پس بی‌احترامی به هیچ یک از مظاهر و علامت‌ها و شعارهای راستین دین، صحیح نیست. البته تفسیر دوم با ظاهر آیه‌ی فوق سازگارتر است. ۳. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: «رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و مُحَرَّم» که در اسلام احترام ویژه‌ای دارند و جنگ در این ماه‌ها حرام است؛ یعنی مسلمانان در این ماه‌ها امنیت کامل دارند و کسی حق تجاوزکاری ندارد. ۴. واژه‌ی «هِدْی» جمع هدیه است و در این جا به معنای چهارپایانی است که برای قربانی به مکه می‌برند؛ و «قَلَائِد» جمع «قلايده» به معنای چیزی است که به گردن انسان یا حیوانی می‌اندازند و در این جا مقصود چهارپایانی است که برای قربانی در مراسم حج، نشانه‌گذاری می‌شوند. «۳» ۵. تمام زیران خانه‌ی خدا در انجام مراسم حج از آزادی کامل و امنیت برخوردارند و هیچ امتیازی در این مورد برای قبایل، نژادها و زبان‌های مختلف نیست؛ البته این حکم مخصوص مسلمانان است. «۴» ۶. مراسم حج آن قدر اهمیت و حرمت دارد که حتی حیوانات نشان‌دار و بی‌نشان که برای مراسم قربانی حج برده می‌شوند، محترم هستند و نباید به آنان بی‌حرمتی شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۲. ۷. حج می‌تواند راهی برای تحصیل منافع دنیا و آخرت باشد، پس تجارت همراه سفر حج اشکالی ندارد. ۸. نفی کینه‌توزی «۱» در آیه‌ی فوق در مورد زیارت کعبه است، «۲» اما در حقیقت این قانون کلی از آن استفاده می‌شود که مسلمانان نباید کینه‌توز و در صدد انتقام اعمال گذشته باشند. این دستور اسلامی از شعله‌ور شدن آتش نفاق در میان مسلمانان جلوگیری می‌کند. ۹. دستور به تعاون و هم‌کاری در کارهای نیک و برای حفظ خود و پارسایی، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسایل اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد و می‌تواند پایه‌ی اساسی برای تشکیل انجمن‌های خیریه و امدادسانی به فرد و جامعه باشد. ۱۰. واژه‌ی «تقوا» به معنای حفظ خود از ضرر جسمی و روحی است. این تعبیر آیه به جنبه‌ی کمک کردن به خود و حفظ آن نظر دارد؛ یعنی با هم‌کاری دیگران زمینه‌ی تقوا و حفظ خویشتن را فراهم سازید و جلوی زیان‌های فردی و اجتماعی به خود را بگیرید، ولی واژه‌ی «نیکي» به جنبه‌ی کمک کردن به دیگران نظر دارد، پس انسان‌ها باید در هر دو زمینه با یک دیگر هم‌کاری و تعاون داشته باشند. ۱۱. بر خلاف عقاید دوران جاهلیت، هم‌کاری در مورد اهداف باطل و گناه‌آلود و ستمکاری، مطلقاً ممنوع است. در دوران جاهلیت می‌گفتند: «از برادرت حمایت کن خواه ظالم باشد، خواه مظلوم؛ از این رو افراد بدون تحقیق در جنگ‌های قبیله‌ای وارد می‌شدند و به کشتار هم‌دیگر تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۳ می‌پرداختند. در عصر حاضر نیز به گونه‌ی دیگری همین عقیده‌ی جاهلی بر روابط فردی و بین‌المللی حاکم است و سیاست مداران و یا حکومت‌هایی که منافع مشترک دارند، به حمایت از هم‌دیگر برمی‌خیزند و حتی می‌جنگند، بدون این که ظالم و مظلوم را از هم‌دیگر تفکیک، و عدالت را رعایت کنند. ۱۲. در فقه اسلامی از آیه‌ی فوق استفاده‌های حقوقی شده و برخی از خرید و فروش‌ها و قراردادهای تجاری که کمک به گناه محسوب می‌شود، حرام و ممنوع گردیده است؛ مانند فروختن انگور به کارخانه‌های شراب‌سازی، فروختن اسلحه به دشمنان حق و عدالت و یا اجاره دادن محل برای انجام معاملات نامشروع و اعمال خلاف شرع که احکام آنها در کتاب‌های فقهی بیان شده است. ۱۳. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده: هنگامی که روز قیامت بر پا شود، منادی ندا می‌دهد: کجا هستند ستمکاران و کجا هستند یاوران آنها و کسانی که خود را شبیه آنان ساخته‌اند، حتی کسانی که برایشان قلمی تراشیده و یا دواتی را (با ليقه) آماده کرده‌اند؛ پس همه‌ی آنها را در تابوت آهنی قرار می‌دهند، سپس در میان جهنم پرتاب می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر چه در مسیر الهی قرار می‌گیرد محترم است، اعم از شعارهای الهی، راهیان خانه‌ی خدا، ماه‌های حرام و حتی حیواناتی که در این مسیر قربانی می‌شوند. ۲. برای رشد فضایل و حفظ خودتان از زیان گناه، زمینه‌های تقوا و نیکي تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۴ را با هم‌کاری و تعاون فراهم کنید. ۳. خلافکاری دیگران شما را به خلافکاری و انتقام و کینه‌توزی نکشاند. ۴. تقوا و نیکوکاری، زیرساخت‌های تعاون و

هم کاری است. ۵. به دیگران در گناهکاری و تجاوزگری کمک نکنید که گرفتار عذاب شدید می‌شوید. ۶. جامعه‌ی اسلامی باید طوری ساخته شود که نیکوکار تنها نباشد ولی ستمگران و گناهکاران بی‌یاور بمانند (تا فضایل رشد کند و ریشه‌ی فساد از بُن کنده شود). «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده به برخی احکام و خوردنی‌ها و کامل شدن دین به وسیله‌ی تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳. حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدًا وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمِمَّا أَهْلًا لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمِمَّا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فَنَشِقُّ الْيَوْمَ يَمْسُ الدِّينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَمَّا تَخَشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (خوردن) مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه را که [به هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده، و (حیوانات) خفه شده، و بر اثر زدن، (یا بیماری) مرده، و از بلندی افتاده و جان سپرده و به ضرب شاخ کشته شده، و آنچه در زنده (از آن) خورده- مگر آنچه را تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۵ (زنده در یابید و) سر بُرید- و آنچه بر (آستان) بت‌های سنگی سر بریده شده است، و (نیز) تقسیم کردن (گوشت حیوان) بوسیله چوب‌های شرط بندی؛ این (کارها همگی) نافرمانی است.- امروز، کسانی که کفر ورزیدند، از (زوال) دین شما ناامید شدند؛ پس، از آنها نهراسید؛ و (از مخالفت من) بهراسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را برای شما [بعنوان دین پذیرفتم.- و هر کس به اضطراب افتد، در حالی که گرسنه، [و] غیر متمایل به گناه باشد، پس (مانعی ندارد که از آنها بخورد، چرا) که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به ممنوعیت خوردن یازده چیز اشاره شده که عبارت‌اند از: اول: مردار؛ دوم: خون؛ سوم: گوشت خوک؛ چهارم: گوشت حیواناتی که طبق سنت جاهلیت به نام بت‌ها و یا اصولاً به نام غیر خدا سر بریده می‌شوند «۱»؛ پنجم: گوشت حیواناتی که به هر صورتی خفه شده باشند؛ «۲» ششم: گوشت حیواناتی که با شکنجه و یا در اثر بیماری جان بسپارند؛ «۳» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۶ هفتم: گوشت حیواناتی که بر اثر «پرت شدن از بلندی» بمیرند؛ هشتم: گوشت حیواناتی که بر اثر ضربه‌ی شاخ بمیرند؛ نهم: گوشت حیواناتی که توسط درندگان کشته شوند؛ دهم: گوشت حیواناتی که در مقابل سنگ نُصَب قربانی شوند «۱»؛ یازدهم: گوشت حیواناتی که با چوبه‌های شرطبندی (وقمار) تقسیم شود. «۲» ۲. در یک مورد خوردن گوشت‌های حرام جایز است، و آن هنگامی است که انسان شدیداً گرسنه شود «۳» و از باب اضطراب ناچار شود که از غذای ممنوع تغذیه کند؛ البته به شرطی که برای حفظ جان باشد و در این هنگام هم در خوردن گوشت حرام زیاده‌روی نکند و آن را حلال نشمرد و یا مقدمات اضطراب را خودش فراهم نکند و یا در سفری که برای انجام کار حرامی در پیش گرفته دچار این ضرورت نشود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۷. حکمت و فلسفه‌ی ممنوعیت گوشت‌ها و مواد غذایی فوق چیست؟ پاسخ آن است که ممکن است فلسفه‌ی این ممنوعیت یکی از موارد زیر باشد: الف) جنبه‌ی بهداشتی این امور مهم است؛ برای مثال وقتی حیوانی به صورت صحیح سر بریده نشود و بر اثر عوامل فوق بمیرد، خون‌های زیادی در بدن او باقی می‌ماند و مرکز رشد میکروب‌ها می‌شود و اگر کسی از گوشت این حیوان استفاده کند، معمولاً در معرض بیماری و مسمومیت قرار می‌گیرد، ولی اگر حیوانی با آداب اسلامی سر بریده شود و خون زیادی از بدن او خارج شود، حلال خواهد بود؛ از این روست که در دنباله‌ی آیه می‌فرماید: «مگر آن که آن را سر ببرید.» ب) جنبه‌ی اخلاقی و معنوی این امور مورد توجه بوده و از این رو ذکر نام خدا و رو به قبله بودن در موقع سر بریدن حیوان شرط شده و یا گوشت حیوانی که در شرطبندی «ازلام» کشته شده، حرام گردیده است، چرا که تمام زیان‌های قمار و برنامه‌های خرافی را در بر دارد و به همین دلیل در ادامه‌ی تحریم این امور اشاره شده که «تمام این اعمال فسق و خروج از اطاعت پروردگار است.» «۱» ۴. مفسران در مورد جمله‌ی «مگر آن که حیوان را شما سر ببرید.» دو احتمال داده‌اند: یکی آن که این استثنا مخصوص حیواناتی باشد که درندگان به آنها حمله کرده باشند و قبل از مردن سر آنان را ببرند و حلال شوند، ولی اکثر مفسران معتقدند که این استثنا به تمام اقسام ذکر شده قبل از استثنا برمی‌گردد. «۲» ولی به نظر

می‌رسد که این استثنا برای برخی موارد مناسب است، مثل تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۸ حیوانی که در معرض خفگی قرار گرفته، از بلندی پرت شده، شاخ زده شده و مورد حمله‌ی درندگان قرار گرفته، اما برای برخی موارد، مثل گوشت خوک، مناسب نیست. ۵. قرآن کریم در استفاده‌ی انسان از گوشت روشی اعتدالی در پیش گرفته است؛ و نه مانند برخی هندوها خوردن گوشت را مطلقاً حرام کرده و نه مانند برخی مردم دوران جاهلیت، گوشت مردار «۱» و سوسمار و خون آنها را حلال کرده است. اسلام گوشت حیواناتی را که از تغذیه‌ی پاک استفاده می‌کنند با شرایط زیر حلال کرده است: الف) حیواناتی که علف خوار باشند (حیوانات گوشت‌خوار با استفاده از گوشت‌های آلوده، سبب بیماری می‌شوند). ب) حیواناتی که مورد تنفر انسان نباشند. ج) حیواناتی که ضرری برای جسم و روح انسان نداشته باشند. د) حیواناتی که در مسیر شرک و بت‌پرستی قربانی نشده باشند. ه) طبق دستورات اسلامی سر بریده شده باشند، تا از نظر بهداشتی و معنوی پاک باشند. «۲» ۶. غذا در سلامت جسم و روح انسان تأثیر زیادی دارد و از این رو قرآن بارها بر حرام بودن برخی غذاها یا فشاری کرده است؛ آری، اسلام دینی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۳۹ جامع است و به همه‌ی نیازهای جسمی و روحی انسان توجه کرده است. ۷. در آیه‌ی فوق سخن از روز «اکمال دین و اتمام نعمت» شده که روز ناامیدی کفار است. در مورد مقصود از این روز مهم و سرنوشت ساز اسلام، چند احتمال وجود دارد: الف) همان روزی است که این گوشت‌ها حرام شده است. این احتمال صحیح نیست؛ چون اولاً، مطالب آیه‌ی فوق در آیه‌ی ۱۷۳ سوره‌ی بقره و آیه‌ی ۱۱۵ سوره‌ی نحل نیز آمده و مطالبی تکراری و تأکیدی است. ثانیاً، این احکام آخرین احکامی نیست که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است تا دین اسلام را کامل کند بلکه بعد از آن نیز در همین سوره‌ی مائده احکام دیگری فرود آمد. ثالثاً، نزول این احکام آن قدر در روحیه‌ی کافران مؤثر نبود که آنان را از اسلام مأیوس سازد. ب) روز فتح مکه، یا روز نزول آیات سوره‌ی براءت و یا روز ظهور اسلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. ج) روز عرفه است که در آخرین سفر حج پیامبر صلی الله علیه و آله بود. این احتمال نیز صحیح نیست؛ چون در روز عرفه اتفاق مهمی نیفتاد که کافران مأیوس شوند؛ و انبوه جمعیت آن روز، در مکه و منی نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، مگر آن که گفته شود: آیه‌ی فوق در عرفه نازل گردید ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل هراس از واکنش منافقان نسبت به ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام، آن را در روز غدیر خم به مردم ابلاغ نمود؛ «۱» همان طور که در آیه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۰ ۶۷ سوره‌ی مائده به این مطلب اشاره شده است. این احتمالات نیز، از نظر تاریخی، با زمان نزول آیه‌ی فوق که حدود هشتاد روز قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بود، سازگار نیست. د) تمام مفسران شیعه گفته‌اند و روایات زیادی از شیعه «۱» و اهل سنت «۲» تأیید می‌کند که مقصود از «الیوم» روز غدیر خم است؛ یعنی هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسماً علی علیه السلام را به جانشینی خود تعیین کردند و پشتوانه‌ی محکمی برای آینده‌ی اسلام فراهم ساختند، دین خدا کامل شد و کافران و دشمنان اسلام مأیوس شدند؛ زیرا مشاهده کردند که اسلام قائم به شخص نیست و فردی عالم، عادل، پارسا و قدرتمند جای پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت. این گونه بود که با تکمیل خط رهبری، اسلام کامل شد و با موهبت الهی امامت، نعمت‌های خدا بر بشر تمام شد و در آن روز بود که برنامه‌ی کامل شده‌ی اسلام مورد رضایت الهی قرار گرفت و به عنوان آیین نهایی بشر پذیرفته شد. ۸. در روایات فراوانی از اهل سنت و شیعه، به ارتباط آیه‌ی فوق با غدیر خم و ولایت علی علیه السلام تصریح شده است؛ از جمله دانشمندان و راویان اهل سنت که بدین امر تصریح کرده‌اند عبارت‌اند از: ابن جریر طبری در کتاب ولایت از زید، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایت کرده که آیه‌ی فوق در روز غدیر خم و در باره‌ی علی علیه السلام نازل شد. حافظ ابو نعیم اصفهانی نیز از ابو سعید خدری، صحابی معروف تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۱ پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایت کرده که در روز غدیر خم و پس از نصب علی علیه السلام به ولایت، هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه‌ی فوق نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله صدا به تکبیر بلند کردند. و حتی خطیب بغدادی از ابو هریره حکایت کرده که پس از جریان غدیر، عمر به علی علیه السلام تبریک گفت که مولای او و مولای هر مسلمانی شده است. «۱» از

دانشمندان و راویان شیعه، در کتاب الغدیر، ۱۶ روایت (۲) و در تفسیر صافی، (۳) برهان و نور الثقلین ده روایت از طریق‌های مختلف حکایت شده که آیه‌ی فوق در مورد علی علیه السلام و در روز غدیر بر مردم ابلاغ شده است. (۴) ۹. دو آیه از سوره‌ی مائده در مورد ولایت علی علیه السلام در غدیر خم است، یکی آیه‌ی ۶۷ و دیگری آیه‌ی ۳ این سوره. فاصله‌ی زیاد این دو آیه بدان سبب است که قرآن طبق ترتیب نزول آیات جمع‌آوری و مرتب نشده و گاهی آیات مکی در سوره‌های مدنی آمده و یا به عکس؛ و حکایت شده که جای آیات به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین می‌شد. و نیز احتمال دارد که بخش اول سوره‌ی مائده یکجا نازل شد، سپس این بخش از آیه‌ی سوم در روز غدیر به همراه آیه‌ی ۶۷ خوانده شد (۵) ۱۰. در آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده مطلب مربوط به ولایت علی علیه السلام در روز غدیر، در لابه لای احکام تکراری مربوط به غذاهای حلال و حرام قرار گرفته تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۲ است، تا از دست‌رس تحریف مخالفان در امان بماند. مخالفانی که از هر گونه تهمت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام و مبارزه با ولایت علی علیه السلام کوتاهی نکردند. (۱) ۱۱. از این آیه، با توجه به روایات، استفاده می‌شود که قوام مکتب اسلام به رهبری صحیح است و با وجود او، دین کامل می‌شود و مورد رضایت خدا قرار می‌گیرد و نعمت با او تمام می‌شود و کافران مأیوس می‌گردند. ۱۲. همه‌ی امید کافران به فقدان رهبر اسلام است، پس با وجود رهبری لایق هم‌چون علی علیه السلام در جامعه، مسلمانان نباید از کافران ترسی داشته باشند؛ خطر کافران وقتی زیاد می‌شود که مردم از خط ولایت فاصله بگیرند. (۲) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استفاده از غذاهایی که با خرافات آمیخته شده، کاری فاسقانه است. ۲. از غذاهای ممنوع (و غیربهداشتی) پرهیز کنید. ۳. در حال اضطرار می‌توانید در حد ضرورت از گوشت غیرمجاز استفاده کنید. ۴. دین با وجود رهبر الهی کامل می‌شود. ۵. رهبر الهی از نعمت‌های خداست. ۶. با نهادینه کردن رهبری الهی، دشمنان را مأیوس و دوستان را ایمن سازید.

*** قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی مائده به اصل حلیت غذاهای پاک و حلال بودن گوشت شکار اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۳. ۴. يَسْئَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ از تو می‌پرسند: «چه چیزهایی برای شان حلال شده است؟» بگو: «همه پاکیزه‌ها، برای شما حلال گردیده، و (نیز شکار) حیوانات شکاری که آموزش داده‌اید، در حالی که (شما) مریبان سگ‌های شکاری هستید [و] از آنچه خدا به شما آموخته، به آنها آموزش می‌دهید. (برای شما حلال است)؛ پس، از آنچه برای شما [گرفته و] نگه داشته‌اند، بخورید؛ و (به هنگام فرستادن حیوان شکاری) نام خدا را بر آن ببرید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، که خدا حسابرسی سریع است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قانون کلی آن است که همه‌ی چیزهای پاک و نیکو حلال است. آنچه در اسلام حرام شمرده شده، در زمره‌ی چیزهای خبیث و ناپاک است و هیچ گاه قوانین الهی، موجود پاکیزه‌ای را حرام نمی‌کند؛ یعنی دستگاه تکوین هم‌آهنگ با تشریح است. ۲. آیه‌ی فوق فقط در مورد شکار به وسیله‌ی سگ‌های تعلیم دیده است (۱) و شامل شکار توسط بازها و امثال آنها نمی‌شود (۲) و از این رو در نزد فقهای شیعه فقط شکار با سگ شکاری مجاز است؛ مگر آن که حیوان شکاری دیگری، صیدی را شکار کند ولی قبل از مردن آن را با آداب شرعی سر ببرند تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۴ که در این صورت حلال است. ۳. صید سگ‌های شکاری با چهار شرط حلال است: الف) تربیت این سگ‌ها بر اساس اصول صحیحی باشد. (۱) ب) این تعلیم استمرار داشته باشد، به طوری که سگ به حالت ولگردی برنگردد. (۲) ج) سگ شکاری، صید خود را نگاه دارد تا صیاد بیاید (۳) (و قسمتی از آن را نخورد). د) هنگام رها کردن سگ نام خدا برده شود. البته این احکام دارای فلسفه و حکمت بهداشتی نیز هست؛ یعنی رعایت این شرایط، بهداشت گوشت شکاری را بهتر تأمین می‌کند. ۴. اگر حیوانی که توسط سگ شکاری صید شده زنده به دست صیاد برسد، باید آن را طبق دستورات شرعی سر ببرد و اگر پیش از آن که به صیاد برسد، جان دهد، آن شکار حلال است. ۵. فراگیری مخصوص انسان نیست و حیوانات نیز قابل تربیت هستند و برخی احکام شریعت بر اساس همین تعالیم پایه‌گذاری شده‌اند. آری دانش اگر به حیوانی مثل سگ هم منتقل شود، باارزش است و

کارآیی و احکام جدیدی در پی دارد. ۶. سرچشمه‌ی همه‌ی علوم، خداست و انسان بدون تعلیم الهی (و فراهم شدن استعداد، فهم و مقدمات آن)، دانشی نخواهد داشت. ۷. قرآن کریم با پرسش‌هایی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌کند، به ما می‌آموزد که پرسش‌های مذهبی خود را از فرستادگان خدا (و جانشینان تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۵ آنها) پرسید و پاسخ مناسب دریافت دارید؛ نیز با حکایت این پرسش‌ها و پاسخ‌ها محتوای آنها به مسلمانان آموخته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل حلیت در غذاهای پاک و نیکو جاری است. ۲. مسائل شرعی خود را از رهبران الهی پرسید، تا تکالیف شما روشن شود. ۳. از گوشت شکار، با رعایت شرایط شرعی، استفاده کنید (تا بهداشت غذایی شما تامین شود). ۴. منشأ علوم را الهی بدانید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۶ بهداشت غذایی در قرآن الف) دعوت به خوردن غذاهای پاک و پاکیزه ۱. از غذاهای پاک و پاکیزه بخورید (بقره، ۷۵ و ۱۷۲؛ مائده، ۴-۵ و ...). ۲. از غذاهای حلال بخورید (بقره، ۱۶۸؛ مائده، ۸۸ و ...). ۳. گوشت چهارپایان (مگر در موارد استثنایی که بیان شده) حلال است (مائده، ۱). ۴. گوشت شکار حلال است (مائده، ۴). ۵. غذاهای صید شده از دریا حلال است (مائده، ۹۶). ۶. غذاهای اهل کتاب (یهود و مسیحیان و ...، با شرایطی) بر شما حلال است (مائده، ۵). ۷. در مواقع اضطراری، خوردن غذاهای حرام جایز است (بقره، ۱۷۲ و انعام، ۱۴۵). یادآوری: غذای نجس، پلید، حرام و ممنوع است. ب) ممنوعیت غذاهای غیربهداشتی ۱. غذاهای پلید حرام است (اعراف، ۱۷۵). یادآوری: تغذیه از چیزهای منفور، مثل آب‌بینی و خلط سینه، چیزهای نجس، خاک، چیزهای مضر، گوشت و یا شیر حیوان جلال (حیوانی که از مدفوع انسان تغذیه می‌کند)، برخی اجزای حیوان مثل: نری، فرج، تخم، بول‌دان (مثانه) و نیز خون و فضله حرام است. «۱» ۲. در خوردن و نوشیدن اسراف نکنید (اعراف، ۳۱). تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۷ ۳. خوردن گوشت مردار حرام است (انعام، ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵؛ بقره، ۱۷۳ و مائده، ۳). ۴. خوردن گوشت خوک حرام است (بقره، ۱۷۳؛ مائده، ۳؛ نحل، ۱۱۵ و انعام، ۱۴۵). ۵. خوردن خون حرام است (نحل، ۱۱۵؛ بقره، ۱۷۳ و مائده، ۳). ۶. نوشیدن شراب حرام است (مائده، ۹۰-۹۱). ۷. حیوانی که بدون نام خدا سربریده شود حرام است (مائده، ۳ و انعام، ۱۲۱ و ۱۴۵). ۸. گوشت حیوانات خفه شده یا از بلندی افتاده و جان سپرده و یا به ضرب شاخ کشته شده حرام است (مائده، ۳). ۹. گوشت حیواناتی که بر اثر زدن (یا بیماری) مرده‌اند حرام است (مائده، ۳). ۱۰. گوشت حیواناتی که درنده از آن خورده حرام است (مائده، ۳). ۱۱. گوشت حیواناتی که بر آستان بت‌های سنگی سربریده شده‌اند حرام است. (مائده، ۳). یادآوری: ممنوعیت هر کدام از این غذاها، اسرار بهداشتی یا فلسفه و حکمتی معنوی دارد که در ذیل هر آیه اشاره کردیم و نیز در برخی کتاب‌ها گردآوری شده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۸ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی مائده به حلال بودن غذای اهل کتاب و ازدواج با آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵. الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحِينَ وَلَمَّا تُنكِحُوا الْمُحْصَنَاتِ وَمَنْ يُكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ امروز، (همه) پاکیزه‌ها برای شما حلال شده و غذای کسانی که به آنان کتاب (الهی) داده شده، برای شما حلال، و غذای شما برای آنان حلال است؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مؤمنان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [الهی] داده شده (حلال‌اند)؛ هنگامی که مهرهایشان را به آنان پردازید، در حالی که پاکدامنانی غیر زشت‌کار (غیر زناکار) باشید، و نه اینکه زنان را در پنهانی دوست (خود) بگیرید. و هر کس (ارکان) ایمان را انکار کند، پس قطعاً عملش تباه گشته؛ و او در آخرت از زیانکاران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممکن است مقصود از «اليوم» در آیه‌ی فوق روز عرفه یا روز بعد از فتح خیبر و یا روز غدیر خم باشد و احتمال اخیر قوی‌تر است؛ چرا که اجازه‌ی توسعه‌ی روابط و معاشرت با کافران پس از مایوس شدن آنها موجه بود؛ و کافران در روز غدیر خم، بعد از نصب علی علیه السلام به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله مایوس شدند. ۲. در مورد غذای اهل کتاب که در آیه‌ی فوق بر مسلمانان حلال شمرده شده است دو دیدگاه وجود دارد: الف) هر نوع غذای افراد یهودی و مسیحی و مانند آنها بر مسلمانان حلال است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۴۹

ب) غذاهای آنان بر مسلمانان حلال است، مگر گوشت حیواناتی که به دست آنان سر بریده شوند؛ چون آنان نام خدا را در هنگام سر بریدن حیوان نمی‌برند و شرایط و آداب دیگر آن را نیز رعایت نمی‌کنند. دیدگاه دوم در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است «۱» و مورد قبول بیش‌تر فقهای شیعه است. ۳. در مورد معاشرت با اهل کتاب و خوردن غذای آنها دو دیدگاه در بین فقها وجود دارد: برخی اهل کتاب را پاک نمی‌دانند و از این رو می‌گویند وقتی می‌توان با آنان هم غذا شد، که غذای آنان مرطوب نباشد و یا با بدن مرطوب آنها تماس نگرفته باشد. اما برخی دیگر اهل کتاب را پاک می‌دانند و می‌گویند هم‌غذا شدن با آنان اشکالی ندارد در صورتی که غذایشان از گوشت حیواناتی که خودشان کشته‌اند نباشد و به صورت عارضی نجس نشده باشد. «۲»

۴. در مورد ازدواج با زنان اهل کتاب دو دیدگاه بین فقهای اسلامی وجود دارد: دانشمندان اهل سنت و برخی فقهای شیعه تفاوتی بین ازدواج موقت و دائم نمی‌گذارند و می‌گویند هر دو نوع ازدواج با اهل کتاب جایز است و این دیدگاه با ظاهر آیه نیز سازگار است. اما گروهی از فقهای شیعه معتقدند که آیه فقط بر جواز ازدواج موقت با زنان اهل کتاب دلالت می‌کند؛ و این مطلب را با برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام سازگارتر می‌بینند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۵۵۰. در مورد ازدواج با اهل کتاب، تنها اجازه داده شده که مسلمانان از آنان زن بگیرند، ولی به زنان مسلمان اجازه داده نشده که با مردان یهودی و مسیحی ازدواج کنند؛ چرا که زنان عواطف لطیفی دارند و ممکن است تحت تأثیر افکار شوهران قرار گیرند و عقاید کفرآمیز آنان را بپذیرند. ۶. در مورد قسمت آخر آیه‌ی فوق که می‌فرماید: «هر کس به ایمان خویش کفر ورزد، پس حتماً عملش نابود می‌شود.»، دو تفسیر ارائه شده است: الف) مقصود آن است که اگر کسی تحت تأثیر قرار گیرد و کافر شود، اعمالش نابود می‌شود. ب) مقصود برخی مسلمانان هستند که پس از نزول آیه‌ی فوق و حکم به حلیت غذای اهل کتاب و ازدواج با آنان، از قبول این حکم الهی اکراه داشتند. پس قرآن به آنها هشدار داد که اگر به این حکم الهی اعتراض کنند، اعمالشان نابود می‌شود و زیانکار خواهند شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غذاهای پاک و نیکو بر مسلمانان حلال است اگر چه از غذاهای اهل کتاب باشد. ۲. معاشرت محدود و کنترل شده‌ی مسلمانان با اهل کتاب، در چهارچوب قوانین اسلامی، جایز است. ۳. حقوق زنان را رعایت نمایید، اگر چه زن غیرمسلمان باشد. ۴. با زنان کافر، روابط نامشروع یا پنهانی نداشته باشید. ۵. کفر موجب نابودی اعمال و زیانکاری می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۵۱

بنی اسرائیل (یهود)

بنی اسرائیل (یهود) قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی مائده به رهبران دوازده گانه‌ی بنی اسرائیل و شرایط حمایت الهی از آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ. و بیقین خدا از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) پیمان محکم گرفت. و از میان آنان دوازده سرپرست برانگیختیم. و خدا (به آنان) گفت: «براستی من با شما هستم؛ اگر نماز را بر پا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و به فرستادگان ایمان آورید و آنان را گرامی دارید، و «قرض الحسنه‌ای» به خدا وام دهید، قطعاً بدی‌هایتان را از شما می‌زدایم؛ و حتماً شما را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کنم که از زیر [درختان]ش نهرها روان است؛ و هر کس از شما بعد از آن، کفر ورزد، پس بیقین از راه درست تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۶۷ گمراه شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به پیمان خدا با بنی اسرائیل اشاره شده «۱» و در این سوره (مائده) به صورت مکرر از وفای به عهد یاد شده است؛ شاید فلسفه‌ی این همه تأکید بر مسأله‌ی وفای به عهد و مذمت پیمان‌شکنی، اهمیت دادن به پیمان غدیر خم باشد که در آیه‌ی سوم و شصت و هفتم این سوره بیان شده است. ۲. آیه‌ی فوق نیز نوعی پیمان الهی است که به بنی اسرائیل (بلکه به همه‌ی مردم) ابلاغ شده و آن این که خدا با شماست

و از شما حمایت می‌کند و گناهان شما را می‌آمرزد و شما را داخل بهشت می‌کند، به شرط آن‌که: - نماز به پا دارید و با خدا پیوند برقرار سازید. - به رهبران الهی ایمان آورید و از آنان اطاعت کنید. - از رهبران الهی و برنامه‌های سعادت‌آفرین آنها حمایت کنید. - در راه خدا به دیگران کمک کنید و بخشش نمایید. ۳. از تاریخ و احادیث استفاده می‌شود که نقیب‌های دوازده‌گانه‌ی بنی اسرائیل هر یک رهبر و سرپرست طایفه‌ی خود نیز بودند (۲). از ابن عباس حکایت شده که نقیب‌های بنی اسرائیل، وزیران موسی علیه السلام بودند و بعد به مقام نبوت رسیدند (۳). و شاید مقصود از رسولان نیز همین افراد باشند. (۴) تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۶۸. در روایات متعددی (۱) از اهل سنت حکایت شده که جانشینان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اندازه‌ی تعداد نقیب‌های بنی اسرائیل، یعنی دوازده نفر هستند؛ برای مثال، احمد بن حنبل از عبد الله بن مسعود، صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایت می‌کند که از او پرسیدند چند نفر بر این امت حکومت خواهند کرد؟ او پاسخ داد: ما از پیامبر صلی الله علیه و آله همین پرسش را نمودیم و ایشان در پاسخ فرمودند: دوازده نفر، به تعداد نقیب‌های بنی اسرائیل. (۲) قرآن کریم از «انفاق و بخشش مستحبی» با عنوان «قرض به خدا» یاد می‌کند. (۳) این اوج لطف خداست که خود نعمتی به بنده می‌دهد، سپس هنگامی که بنده در راه خدا آن را می‌بخشد، از آن به عنوان قرض یاد می‌کند و اشاره می‌کند که عوض آن را به او خواهد داد، تا بندگان را به بخشش بیش‌تر تشویق کند. بدین رواق زبرجد نوشته‌اند به زر که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به پیمان خود با خدا عمل کنید تا او نیز به وعده‌های خود عمل کند. ۲. اگر همراهی خدا و حمایت او را می‌خواهید، به نماز، زکات، ایمان به تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۶۹ رهبران الهی و یاری آنان و انفاق اهمیت دهید. ۳. ایمان به فرستادگان خدا، به همراه یاری آنان مفید است. ۴. بخشش و کمک به خلق، قرض به خالق است (و پاداش آن با خداست). ۵. راه دست‌یابی به عفو و بهشت الهی، ایمان و اعمال شایسته است؛ آری، بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی مائده به پیمان شکنی و خیانت پیشه‌گی بنی اسرائیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. فَبِمَا نَقَضْتُمْ لَهُمْ مِيثَقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ پس بخاطر آنکه آنان، پیمانشان را شکستند، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم، در حالی که سخنان (خدا) را از جایگاه‌هایش می‌گردانند؛ و قسمتی از آنچه را که بدان تذکر داده شده بودند، فراموش کردند؛ و همیشه از خیانتی (تازه) از آنان آگاه می‌شوی، مگر اندکی از آنان (که خیانت نکردند) پس آنان را ببخش و درگذر؛ که خدا نیکو کاران را دوست می‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تاریخ نشان داده است که یهودیان افرادی پیمان‌شکن و خیانت‌کار بوده‌اند و ما در عصر حاضر نیز شاهد آن هستیم که چگونه هر روز با فلسطینیان پیمان می‌بندند و سپس دست به پیمان‌شکنی، خیانت و ترور می‌زنند. ۲. واژه‌ی «لعن» در لغت به معنای «طرد کردن و دور ساختن» است و لعن خدا به معنای دور ساختن افراد از رحمت اوست؛ آری، پیمان‌شکنی، انسان تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۰ را از رحمت الهی دور می‌سازد. (۱) «۳. به کسانی که در برابر حقایق هیچ‌گونه انعطافی از خود نشان نمی‌دهند، سنگ‌دل گفته می‌شود. مقصود از سنگ‌دلی آن است که افکار و قلوب آنان متحجر و انعطاف‌ناپذیر است. (۲) «۴. در مورد مطالبی که بنی اسرائیل فراموش کردند، چند احتمال داده شده است: برخی مفسران احتمال داده‌اند که مقصود، فراموشی نشانه‌ها و آثار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد که به آنان گوشزد شده بود. برخی دیگر احتمال داده‌اند که مقصود فراموشی قسمت‌هایی از تورات باشد که پس از مفقود شدن تورات و نوشتن مجدد آن توسط یهودیان، فراموش شد. ۵. تحریف‌هایی که در تورات صورت گرفته به چند صورت است: الف) تحریف لفظی، یعنی برخی عبارات را تغییر دادند. ب) تحریف معنوی، یعنی برخی عبارات تورات را به همان صورت نزول حفظ کردند، اما آن را بر خلاف معنای واقعی‌اش تفسیر کردند. ج) گاهی برخی عبارات تورات را که بر خلاف میل آنان بود، مخفی می‌کردند. (۳) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیمان‌شکنی، عامل محرومیت از لطف الهی و زمینه‌ی پیدایش سنگ‌دلی است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۱. ۲. یهودیان، اهل خیانت،

تحریف‌گری و پیمان‌شکنی هستند (پس مراقب باشید). ۳. خطاکاران را عفو نمایید که این عمل، نوعی احسان و نیکوکاری است. ۴. آیات الهی را فراموش نکنید. ۵. هر گاه دیگران را به خاطر اعمال بدشان سرزنش می‌کنید، اعمال خیر اقلیت نیکوکار را نیز یادآوری کنید تا حق آنان پای مال نشود. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی مائده به پیمان‌شکنی مسیحیان و آثار آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴. وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَضْنَا عَنْهُمْ الْعِدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ و از کسانی که گفتند: «بدرستی ما مسیحی هستیم.» پیمان محکم (ی از) ایشان گرفتیم؛ و [لی قسمتی از آنچه را که بدان تذکر داده شده بودند، فراموش کردند؛ و تا روز رستاخیز در میانشان دشمنی و کینه افکندیم. و خدا در آینده، آنان را از آنچه همواره با زیرکی انجام می‌داده‌اند، آگاه خواهد ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «نصاری جمع» «نصرانی» است که نام دیگر مسیحیان جهان است. در مورد سبب این نام‌گذاری چند احتمال داده شده است: یکی آن‌که عیسی علیه السلام در شهر «ناصیره» پرورش یافت؛ دوم آن‌که نصاری از «نصران» گرفته شده که نام روستایی است که مسیحیان بدان علاقه‌مند هستند؛ و سوم آن‌که حواریون و یاران عیسی در پاسخ یاری‌طلبی او گفتند ما «انصار» خدا تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۲ هستیم. «۱» ۲. برخی از مفسران بر آن‌اند که مسیحیان با خدا پیمان بسته بودند که از حقیقت توحید منحرف نشوند و دستورات الهی را به کار بندند و نشانه‌های آخرین پیامبر خدا را پنهان نسازند، ولی آنان نیز پیمان‌شکنی کردند. «۲» ۳. قرآن کریم در مورد یهودیان می‌گوید: آنان پیمان‌شکنی کردند و ... هموار، خیانت‌پیشه‌اند، مگر اندکی از آنان؛ و در مورد مسیحیان می‌فرماید: گروهی از آنان منحرف شدند. از مقایسه‌ی این دو تعبیر روشن می‌شود که منحرفان یهود بیش‌تر از منحرفان مسیحی هستند. ۴. انجیل‌های چهارگانه‌ی کنونی مسیحیان، یعنی متی، لوقا، یوحنا و مرقس، مظهر اختلافات مذهبی آنهاست. انجیل اصلی که بر عیسی علیه السلام نازل شد، تا سال‌ها نوشته نشد و انجیل‌های کنونی ده‌ها سال پس از عیسی علیه السلام نوشته شدند و به صورت طبیعی، برخی از مطالب آن فراموش و یا تحریف شد. آیه‌ی فوق به این مطلب اشاره دارد و وجود خرافات آشکار در انجیل‌ها نیز آن را تأیید می‌کند. «۳» ۵. پیمان‌شکنی مسیحیان سبب شد تا عوامل دشمنی و کینه و اختلاف در میان آنان رشد کند و از آن‌جا که اسباب تکوینی و طبیعی به خدا نسبت داده می‌شود، در آیه‌ی فوق این عوامل به خدا نسبت داده شد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۳. ۶. براساس این آیه، مسیحیان تا قیامت به کشمکش و دشمنی دچار می‌شوند «۱» و وضع مسیحیان در طول تاریخ و به ویژه قرن حاضر، شاهد این مطلب است. اختلافات و دشمنی‌های فرقه‌های مذهبی کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان و دیگر فرقه‌های مسیحی گاهی به جنگ‌های خونین کشیده شد و اختلافات بین دولت‌های مسیحی در قرن حاضر، سرچشمه‌ی دو جنگ جهانی شد. ۷. براساس آیه‌ی فوق، پیروان مسیحیت، به عنوان یک مذهب، تا رستاخیز، یعنی پایان جهان، وجود خواهند داشت، اما از روایات اسلامی استفاده می‌شود که در زمان ظهور حضرت مهدی «عج»، در سر تا سر جهان یک آیین بیش‌تر نخواهد بود؛ پس ممکن است بگوییم آیین غالب در زمان ظهور امام عصر «عج» اسلام است اما از آن‌جا که اراده و اختیار انسان همیشه وجود دارد و دین اجباری نیست، برخی اقلیت‌های ضعیف، مثل مسیحیان نیز در آن عصر باقی خواهند ماند. «۲» ۸. هشدار آیه‌ی فوق آن است که پیمان‌شکنی و فراموش کردن دستورات الهی، موجب تفرقه و دشمنی بین مسیحیان شد، پس مواظب باشید که اگر شما مسلمانان نیز آن راه را بروید، به همان سرنوشت گرفتار خواهید شد. آری، باید از سرنوشت تلخ دیگران عبرت گرفت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ریشه‌ی اختلافات و دشمنی‌ها، فراموش کردن دستورات الهی است. ۲. پیمان‌ها و آیات الهی را فراموش نکنید تا گرفتار اختلافات اجتماعی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۴ نشوید. ۳. از رسوایی رستاخیز بهراسید و خلافت‌کاری نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی مائده به نقش بیدارگر پیامبر اسلام و نورافشانی قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ای اهل کتاب! در واقع فرستاده ما به سوی شما آمد، در حالی که بسیاری از چیزهایی، از کتاب [الهی را که همواره پنهان می‌داشتید، برای

شما روشن بیان می‌کنند؛ و بسیاری (از خطاهای شما) را می‌بخشد. یقین برای شما از جانب خدا، نور و کتابی روشنگر آمده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از کارهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان حقایق بود که دیگران پنهان کرده بودند. بیان این مطالب نشانه‌ی علم غیب پیامبر و یکی از راه‌های شناخت اوست. ۲. اهل کتاب، یعنی یهودیان و مسیحیان، حقایق زیادی را پنهان کرده بودند، ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آنچه مورد نیاز مردم جهان بود، مانند حقیقت توحید و پاکی پیامبران و حکم ممنوعیت رباخواری و شراب‌خواری را بیان کرد. ۳. پاره‌ای از حقایق مربوط به امت‌های پیشین که اثر قابل ملاحظه‌ای در تربیت ملت‌های کنونی نداشته، در قرآن و بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله نیامده است. ۴. مقصود از واژه‌ی «نور» در این آیه چیست؟ برخی مفسران معتقدند مقصود از نور در این جا وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۵ و برخی دیگر از مفسران نور را به قرآن تفسیر کرده‌اند؛ چرا که در برخی دیگر از آیات نیز، واژه‌ی نور بر قرآن اطلاق شده است. «۱» و در برخی از روایات نیز حکایت شده که مقصود از نور در آیه‌ی فوق، امام علی علیه السلام یا همه‌ی امامان اهل بیت علیهم السلام هستند. «۲» البته مانعی ندارد که مقصود از نور همه‌ی این موارد باشد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و قرآن کریم، همگی از مصادیق نور هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن کریم روشنگر حقایق پوشیده‌ی تاریخ بشریت هستند. ۲. یهودیان و مسیحیان به روشنگری پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن توجه کنند (و حقایق را پنهان نسازند). ***
خدای متعال در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی مائده به آثار پربرکت قرآن کریم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. يَهْدِي بِحِ الْاَللّٰهِ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ بِاِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ خدا کسی را که از خشنودی او پیروی کند، بوسیله آن [کتاب، به راه‌های سلامت، راهنمایی می‌کند. و به رخصت خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد؛ و به سوی راهی راست راهنمایی‌شان می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حق‌پویانی که در راه رضای خدا گام برمی‌دارند، در سایه‌ی قرآن به سه نعمت بزرگ می‌رسند: الف) هدایت به راه سلامت همه‌جانبه؛ ب) نجات از تاریکی‌ها به سوی نور؛ ج) هدایت به کوتاه‌ترین راه که همان راه مستقیم است. ۲. سلام یکی از نام‌های خداست؛ «۱» یکی از نام‌های بهشت نیز «دارالسلام» است؛ پس مقصود از «سلام» در آیه‌ی فوق یا راه خدا و بهشت و یا راه‌های سلامت است، سلامت فرد، سلامت اجتماع، سلامت روح و جان، سلامت خانواده و سلامت اخلاق (که همه‌ی این‌ها جنبه‌ی عملی دارد). ۳. مقصود از تاریکی‌ها در آیه‌ی فوق، تاریکی شرک، کفر، جهل، تفرقه، نفاق و مانند آن، و مقصود از نور، همان نور توحید، ایمان، علم، اتحاد، رهبری حق و مانند آن است. ۴. واژه‌ی «الظلمات» در آیه‌ی فوق جمع، و واژه‌ی «النور» مفرد است. این نشان می‌دهد که در وادی باطل، جهل و گمراهی و شرک، همیشه کثرت، اختلاف و تفرقه و تشتت حاکم است، اما در قلمرو حق، نور توحید حاکم است و نور علم و رهبری حق نیز پرتوی از همان نور توحید است، از این رو در اردوی حق طلبان وحدت حاکم است. ۵. هدایت و نعمت‌های الهی، نصیب کسانی می‌شود که راه تسلیم و حق‌جویی پیش گیرند و شامل حال منافقان و دشمنان نمی‌شود؛ پس مقصود از هدایت در این جا هدایت خاص یا مراتب بالای هدایت است، نه هدایت عام قرآن که شامل همه‌ی افراد می‌شود. ۶. آیه‌ی فوق با تعبیر «با رخصت الهی» که به معنای اجازه‌ی قبلی خداست، بدین نکته اشاره می‌کند که همه‌ی این نعمت‌ها از آثار اراده‌ی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۷ حتمی خدا سرچشمه می‌گیرد؛ آری، نور و کتاب، با لطف و اراده‌ی خدا، هدایت می‌کنند. ۷. حق یکی است اما راه‌های رسیدن به آن متعدد است و همه‌ی راه‌های فرعی (: سُبُل) به بزرگ‌راه «صراط مستقیم» ختم می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بشریت در سایه‌ی قرآن می‌تواند به هدایت، نور، صفا و سلامت همه‌جانبه دست یابد. ۲. قرآن آمده تا سلامت همه‌جانبه‌ی شما را تأمین سازد. ۳. اگر سلامت، نور و طریق مستقیم می‌خواهید، در راه رضای خدا گام بردارید. ۴. با کمک قرآن، از تاریکی‌های متعدد (کفر، شرک، جهل و ...) به سوی نور توحید بروید.

مسیحیان و انحرافات آنان قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی مائده به عقیده‌ی خرافی و اولوهیت عیسی و دلایل بطلان آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَفِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ کسانی که گفتند: «بدرستی خدا، همان مسیح پسر مریم است.» بی‌یقین کفر ورزیدند؛ بگو: «اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و کسانی که در (روی) زمین هستند همگی را هلاک سازد، پس چه کسی از طرف خدا صاحب اختیار چیزی است؟ (تا مانع او شود). فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط از آن خداست؛ هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ و خدا، بر هر چیزی تواناست.»

تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسیحیان ادعای بی‌موردی در مورد خدا دارند که قرآن هر کدام را در آیه‌ای مطرح کرده و پاسخ داده است؛ این ادعاها عبارت‌اند از: الف) آنان به خدایان سه‌گانه اعتقاد دارند، که در آیه‌ی ۱۷۰ سوره‌ی نساء پاسخ داده شد. ب) آنان خدای آفریننده‌ی هستی را یکی از خدایان سه‌گانه می‌شمردند و او را خدای پدر می‌نامند، «۱» که قرآن در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی مائده باطل بودن این عقیده را روشن می‌کند. ج) مسیحیان معتقدند که خدایان سه‌گانه، در عین تعدد، یکی هستند، که از آن به «وحدت در تثلیث» تعبیر می‌کنند؛ یعنی معتقدند که خدا همان مسیح پسر مریم است و مسیح نیز همان خداست و این دو با روح القدس سه ذات متعدد را تشکیل می‌دهند و در عین حال یک واحد حقیقی هستند. «۲» آیه‌ی مورد بحث به این عقیده اشاره کرده و بطلان آن را روشن ساخته است. ۲. قرآن عقیده‌ی خدا بودن مسیح را این‌گونه باطل می‌سازد: مسیح و مادرش، مانند دیگران، انسانی بیش نیستند و از این رو هلاک می‌شوند؛ پس چگونه تصور شود که چنین افرادی خدای ازلی و ابدی باشند. به عبارت دیگر، اگر مسیح خدا باشد، پس آفریدگار جهان نمی‌تواند او را هلاک کند و در این صورت، قدرت خدا محدود می‌شود و چنین شخص محدودی نمی‌تواند خدا باشد. ۳. برخی گمان می‌کردند که تولد مسیح بدون پدر، دلیل بر خدا بودن تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۷۹ اوست و قرآن به این توهم چنین پاسخ داد: خدا فرمانروای آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن دو است و هر گونه مخلوقی را بخواهد می‌آفریند؛ پس آفرینش عیسی بدون پدر دلیل بر الوهیت او نیست. ۴. تکرار عبارت «مسیح پسر مریم» در آیه‌ی فوق اشاره به این است که خود شما هم مسیح را پسر مریم می‌دانید که از مادر متولد شد و پرورش یافت، پس چگونه چنین فردی را خدا می‌دانید! ۵. در آیه‌ی فوق «مادر عیسی» جداگانه یاد شده است، شاید به خاطر آن که مسیحیان به هنگام پرستش، در برابر مجسمه‌ی مریم تعظیم می‌کردند و یا گروهی از مسیحیان، مادرش را نیز می‌پرستیدند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با غلو در دین مخالف است و آن را نوعی کفر می‌شمارد. ۲. پیامبران الهی را به مقام اولوهیت نرسانید که نوعی کفر است. ۳. عقاید خرافی کافران (مسیحی) را با استدلال‌های محکم باطل سازید. * * * قرآن کریم در آیه‌ی هجدهم سوره‌ی مائده به عقیده‌ی خرافی یهودیان و مسیحیان که خود را فرزندان خدا می‌دانند اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ و یهودیان و مسیحیان گفتند: «ما، پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را بخاطر پیامد (گناهان) تان عذاب می‌کند؟! بلکه شما (هم) بشری هستید از (جمله) کسانی که آفریده است؛ هر کس را بخواهد، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۰ می‌آمرزد؛ و هر کس را بخواهد، (و مستحق بداند) عذاب می‌کند؛ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، فقط از آن خداست؛ و فرجام (همه) فقط به سوی اوست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در روایات تاریخی آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گروهی از یهودیان را به دین اسلام فراخواند و آنان را از کیفر الهی بیم داد. آنان گفتند: «چگونه ما را از کیفر خدا می‌ترسانی در حالی که ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم!» آیه‌ی فوق این عقیده‌ی خرافی را مطرح کرده و پاسخ داده است. ۲. عنوان «پسر خدا» در اسلام به کار نمی‌رود؛ زیرا این تعبیر سبب گمراهی و انحراف اهل کتاب شده

است. این عنوان در کتاب مقدس یهودیان به حضرت سلیمان و یعقوب اطلاق شده (۲) و در انجیل هم بارها تکرار شده است و از قول مسیح علیه السلام حکایت شده که «من به شما می‌گویم که به دشمنان خود محبت نمایید، ... تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید.» (۳) آنان عیسی را نیز پسر خدا (۴) و فرزند حقیقی خدا می‌دانند. (۵) «۳. شکی نیست که مسیحیان و یهودیان، حقیقتاً خود را فرزند خدا نمی‌دانند و منظور آنها از انتخاب این عنوان آن است که رابطه‌ی خاصی با خدا دارند؛ و قرآن با این خرافات و امتیازات موهوم مبارزه می‌کند و در مقابل تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۱ آنان استدلال می‌کند که اگر شما فرزندان و دوستان خدا هستید، پس چرا به خاطر گناهانتان عذاب می‌شوید؟! آری، خدا با هیچ ملتی رابطه‌ی خاص ندارد و رابطه‌ی خدا با مردم براساس ایمان و اعمال آنان شکل می‌گیرد. ۴. همه چیز جهان تحت تسلط خداست و اوست که می‌تواند هر کس را پیامرزد یا مجازات کند؛ پس نباید هیچ ملتی، به آمرزش خدا صد در صد مطمئن باشد و یا از رحمت خدا مأیوس شود؛ البته آمرزش و کیفر الهی بی‌حساب نیست و خدا بر اساس ایمان و کردار انسان‌ها پاداش می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا با هیچ ملتی رابطه‌ی خاص فرزندی و دوستی ندارد. ۲. سرنوشت شما با اراده‌ی الهی و براساس کردار شما رقم می‌خورد. ۳. با عقاید خرافی یهود و مسیحیان مبارزه‌ی منطقی کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی مائده به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ای اهل کتاب! یقین فرستاده ما، پس از فاصله‌ای میان فرستادگان، به سوی شما آمد؛ در حالی که (حقایق را) برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا [مبادا در رستخیز] بگویید: «هیچ بشارتگر و هشدارگری به سوی ما نیامد.» و یقین بشارتگر و هشدارگری به سوی شما آمد؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بین فرستادگان قبلی، مثل موسی و عیسی علیهما السلام پیامبرانی وجود داشته‌اند، اما بین حضرت مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، که حدود ششصد سال فاصله بود، پیامبر ظاهر و مشهوری نبود؛ (۱) از این رو قرآن این فاصله را فترت می‌نامد. (۲) ۲. جامعه‌ی انسانی لحظه‌ای از نماینده‌ی خدا خالی نخواهد شد. (۳) در دوره‌ی فترت نیز هر چند پیامبران آشکار نبودند، این بدان معنا نیست که مردم رها شده بودند، بلکه در این فاصله حجت‌های الهی و اوصیای مخفی در میان مردم وجود داشتند. (۴) ۳. رسولان الهی به کسانی گفته می‌شد که دست به تبلیغات وسیع و دامنه داری می‌زدند و مردم را بشارت و هشدار می‌دادند و با شکستن سکوت اجتماع، صدای خود را به گوش همگان می‌رساندند، ولی اوصیای پیامبران این مأموریت را نداشتند، و حتی ممکن بود به خاطر برخی عوامل اجتماعی، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۳ در میان مردم به صورت پنهانی زندگی کنند. ۴. از آنجا که ممکن است برخی از مردم، نبودن پیامبران را دست‌آویزی برای فرار از مسئولیت قرار دهند، خدای متعال با فرستادن پیامبران، راه عذر و بهانه‌ی آنان را قطع می‌کند. آری، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مژده‌ها و هشدارهایش حجت را بر جهانیان، به ویژه اهل کتاب، تمام کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با وجود رهبران الهی، عذر و بهانه از کسی پذیرفته نمی‌شود. ۲. با وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حجت بر یهودیان و مسیحیان تمام شد. ۳. بشارتگری و هشداردهی از وظایف اساسی رهبران الهی و مبلغان دینی است. ۴. با بیان هشدارها و مژده‌های اسلام، حجت را بر مردم تمام کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی مائده به سخنان موسی درباره‌ی یادآوری نعمت‌های الهی بر بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أَدْخَرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَّا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (یاد کن) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم! نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، هنگامی را که در میان شما، پیامبرانی قرار داد، و شما را صاحب اختیار (خود) قرار داد؛ و به شما چیزهایی داد، که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی در موارد متعددی نعمت‌های الهی را به بشر یادآوری می‌کنند؛ تا روح حق‌شناسی در آنها زنده شود و وجدانشان در برابر خطاهای تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۴ گذشته بیدار گردد و به فکر جبران باشند. ۲. در میان بنی‌اسرائیل پیامبران زیادی فرستاده شدند؛ حتی حکایت

شده که در زمان موسی علیه السلام پیامبران دیگری نیز وجود داشتند و با او هم کاری می‌کردند. ۳. وجود پیامبر و رهبران فکری از بزرگ‌ترین نعمت‌های معنوی خداست که انسان را از انحرافات هم‌چون، شرک، بت‌پرستی، خرافات و پلیدی‌ها نجات می‌دهد؛ از این رو یادآوری و سپاس‌گزاری این نعمت‌ها لازم است. ۴. بنی‌اسرائیل سالیان درازی در زنجیر اسارت فرعونیان بودند و به برکت قیام موسی علیه السلام نجات یافتند و صاحب اختیار جان و مال و زندگی خویش شدند. «۱» این از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است؛ زیرا آزادی و اختیار مقدمه‌ی نعمت‌های معنوی نیز به شمار می‌آید. ۵. برخی از نعمت‌ها منحصرراً به بنی اسرائیل داده شده است؛ هم‌چون، نجات معجزه‌آسا از چنگال فرعونیان، شکافته شدن دریا برای آنان و استفاده کردن از غذاهای مخصوص. ۶. واژه‌ی «ای قوم من» نوعی خطاب محبت‌آمیز است و از این تعبیر روشن می‌شود که پیامبران الهی با محبت و عاطفه با مردم سخن می‌گفتند و نکات روان‌شناختی و عاطفی را در تبلیغ خود رعایت می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد نعمت‌های بزرگ خدا باشید (و سپاس آنها را به‌جا آورید). ۲. قدرشناس رهبران الهی و آزادی و اختیار خود باشید (و سپاس آنها را تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۵ به‌جا آورید). ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی، نعمت‌های عام و خاص الهی را به یاد مردم آورند. (تا آنان قدرشناس شوند). ***

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی مائده به سرزمین مقدس یهود و زیان عقب‌گر دو ارتجاع اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. يَقَوْمِ اذْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَزِدُّوا عَلٰی اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوْا خِسْرٰیۙ اٰی قَوْمٍ اَمِنَ ! به سرزمین مقدسی که خدا برای شما مقرر داشته، وارد شوید؛ و به پشت‌سرتان باز نگردید و (مخالفت ننمایید، که) زیانکار خواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سرزمین مقدس» کدام سرزمین است؟ مفسران قرآن چند احتمال را مطرح کرده‌اند: ممکن است مقصود از آن، بیت المقدس یا قسمتی از سرزمین شام (سوریه‌ی فعلی) یا قسمتی از اردن یا فلسطین و یا سرزمین طور باشد. اما بعید نیست که مقصود از سرزمین مقدس، تمام منطقه‌ی شامات (یعنی فلسطین، اردن، سوریه و امثال آن) باشد؛ همان‌طور که در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز این‌گونه حکایت شده است. «۱» البته گاهی به خصوص «بیت المقدس» نیز سرزمین مقدس گفته می‌شود. ۲. منطقه‌ی شامات را سرزمین مقدس خوانده‌اند؛ زیرا این منطقه مهد پیامبران الهی و محل ظهور ادیان بزرگ و مرکز توحید و خداپرستی بود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۶. ۳. خدا مقرر کرده بود که بنی اسرائیل در سرزمین مقدس شامات، با آرامش و رفاه زندگی کنند، اما اولین نسلی که مخاطب این سخن موسی علیه السلام بودند، موفق نشدند به این سرزمین داخل شوند و چهل سال در بیابان سرگردان ماندند. از این‌جا روشن می‌شود که تقدیر الهی در مورد سکونت بنی اسرائیل در سرزمین مقدس، شرایطی داشته است (از جمله آن‌که آن محل را از شرک و بت‌پرستی پاک سازند و به دستورات پیامبران عمل کنند)، ولی در آیات بعدی می‌خوانیم که بنی اسرائیل به این شرایط عمل نکردند و از داخل شدن در سرزمین مقدس محروم ماندند. ۴. بنی اسرائیل روحیه‌ی عصیانگری داشتند و موسی علیه السلام این را می‌دانست و از این رو پیش‌بینی کرد و گفت: «ارتجاع و عقب‌گرد ممنوع است». ۵. سرانجام ارتجاع، عقب‌گرد و پشت‌پازدن به دین، خسارت است؛ خسارتی دنیوی و اخروی و مادی و معنوی که مانع سعادت انسان می‌شود. ۶. همه جای زمین یکسان نیست؛ برخی مناطق، قداست خاصی دارد و گاهی خدا سرزمین‌های مقدس را به برخی بندگان مؤمن خویش اختصاص می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی مناطق زمین (مثل بیت‌المقدس) قداست خاصی دارد. ۲. فرجام ارتجاع و دوری از دین، زیانکاری است. ۳. رهبران الهی مردم را به سرزمین‌های مناسب آنان رهنمون شوند. ۴. اگر می‌خواهید زیان نکنید، از رهبران الهی و دین، روی برنتابید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۷ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی مائده با اشاره به بهانه‌جویی‌های بنی اسرائیل و می‌فرماید: ۲۲. قَالُوا يٰمُوسٰى اِنَّ فِيْهَا قَوْمًا جَبّٰرِيْنَ وَاِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتّٰى يَخْرُجُوْا مِنْهَا اَوْ يَخْرُجُوْا مِنْهَا فَاِنَّا دَجَلُوْنَ (بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! براستی که گروهی زورگو، در آن (سرزمین) هستند؛ و مسلماً ما وارد آن (جا) نمی‌شویم، تا از آن (سرزمین) خارج شوند؛ و اگر آنها از آن (جا) خارج شوند، پس حتماً ما وارد خواهیم شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «عمالقه» «۱» جمعیتی از نژاد سامی بودند که در شمال شبه جزیره‌ی عربستان، نزدیک صحرای سینا، زندگی می‌کردند و اندام‌های درشت و

قد بلندی داشتند. «۲» آنان که بر منطقه‌ی فلسطین حاکم بودند، مانع ورود بنی‌اسرائیل به این سرزمین می‌شدند. البته در باره‌ی این گروه، افسانه‌ها و خرافاتی در تاریخ و تورات و نیز اسرائیلیاتی آمده است که اعتبار ندارد. «۳» «۳». استعمار فرعونیان، در طول سالیان دراز، اثر شومی بر بنی‌اسرائیل تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۸ گذاشته و آنان را به موجوداتی ترسو تبدیل کرده بود که حتی از مبارزه با دشمن، برای پاک‌سازی سرزمین مقدس، وحشت داشتند. به طوری که می‌گفتند: تا دشمن از این سرزمین خارج نشود، ما هرگز داخل آن نمی‌شویم. ۴. از آن‌جا که یهودیان، در مبارزه با فرعون، بارها امدادهای الهی را دیده و معجزه‌وار نجات یافته بودند، اینک نیز انتظار معجزه داشتند و می‌خواستند بدون رنج و زحمت به سرزمین مقدس دست یابند؛ در حالی که معجزات الهی، در موارد استثنایی اجرا می‌شود، و به طور طبیعی پیروزی براساس کوشش و جهاد مردم تحقق می‌یابد و خدا بدون شایستگی، آمادگی و تلاش، به کسی چیزی نمی‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان افرادی بهانه‌جو و ترسو هستند. ۲. مسلمانان از این داستان عبرت بگیرند، و هم‌چون بنی‌اسرائیل بهانه‌جو نباشند. *** قرآن کریم در آیه بیست و سوم سوره‌ی مائده به سخنان رادمردان بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غُلَبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ دو مردی از [میان کسانی که می‌ترسیدند،] و [خدا به آن دو، نعمت داده بود،] گفتند: «از آن دروازه بر ایشان (بتازید و) وارد شوید، و هنگامی که وارد آن شدید پس برآستی شما پیروزمندانید. و اگر مؤمنید، پس فقط بر خدا توکل کنید. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۸۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دو نفر از بنی‌اسرائیل «۱» برای شناسایی دشمن رفته بودند و به خوبی نقاط ضعف آنان را می‌دانستند؛ از این رو پیشنهاد حمله‌ی غافلگیرانه به دروازه‌ی شهر را کردند و از آن‌جا که آنان مؤمن بودند، به وعده‌های موسی علیه السلام و پیروزی او اطمینان داشتند و سفارش به توکل کردند و نوید پیروزی دادند. ۲. مقصود از نعمت الهی عطا شده به این دو نفر، همان نعمت ولایت الهی است؛ از این‌جا روشن می‌شود که این دو نفر از اولیای الهی بودند «۲» که از هیچ کس نمی‌ترسیدند مگر از (مقام) خدا، یعنی در حقیقت از اعمال خویش نگران بودند که در دادگاه الهی مورد رسیدگی قرار گیرد. ۳. خدا ترسی زمینه‌ی الطاف و نعمت‌های الهی را فراهم می‌سازد و ترس انسان را از دشمنان کم می‌کند و به او شهامت می‌بخشد. ۴. رادمردان و اولیای الهی در هنگامه‌ی جنگ و سختی به یاری پیامبران می‌شتابند و با تحلیل‌های صحیح، به دیگران نیز روحیه می‌بخشند و وعده‌ی پیروزی و درس توکل می‌دهند. ۵. ایمان با توکل رابطه دارد و مؤمنان هستند که فقط بر خدا تکیه می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۰. ۶. توکل به معنای ترک تلاش و فراموش کردن اسباب مادی پیروزی نیست بلکه بدین معناست که همراه با استفاده از وسایل مادی، تأثیرات را از خدا بدانیم و از او یاری بخواهیم. ۷. در هنگام مقابله با دشمن برنامه‌ریزی و تلاش و حرکت نمایید و به خدا ایمان داشته باشید و بر او توکل کنید تا پیروز شوید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان، توکل، تلاش و پیروزی هم دوش هم دیگرند. ۲. در هنگام سختی به یاری رهبران الهی بشتابید. ۳. رادمرد ترس باشید تا در میدان نبرد پیش‌تاز شوید. *** قرآن کریم در آیه بیست و چهارم سوره‌ی مائده به بهانه‌تراشی و جنگ‌گریزی یهودیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقِتْلًا إِنَّا هُنَا قَاعِدُونَ (بنی‌اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا (آنان) در آن (سرزمین) هستند، ما هرگز وارد آن (جا) نخواهیم شد؛ پس تو و پروردگارت بروید و (با آنان) پیکار کنید، که ما همین‌جا فرونشستگانیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بنی‌اسرائیل با پیامبران خود، به ویژه موسی علیه السلام، با جسارت رفتار می‌کردند. آنان با جمله‌ی «ما هرگز وارد آن‌جا نمی‌شویم.» مخالفت صریح خود را با دستورات او نشان دادند و با جمله‌ی «تو و پروردگارت بروید بجنگید، ما در این‌جا نشسته‌ایم.» در حقیقت موسی و وعده‌های الهی او را به ریشخند گرفتند. ۲. در تورات کنونی نیز قسمتی از این داستان و برخورد جسارت‌آمیز تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۱ یهودیان با موسی علیه السلام، بیان شده است. آنان به موسی اعتراض و گله کردند و گفتند: ای کاش در مصر مرده بودیم. «۱» «۳». بنی‌اسرائیل با به کار بردن واژه‌ی «پروردگارت تو» به نوعی توهین کردند و در واقع پروردگار جهانیان و خودشان را پروردگار شخص موسی خواندند. ۴. بنی‌اسرائیل

با تعبیر «نشستگانیم» نشان دادند که انسان‌هایی رفاه طلب و جنگ‌گریزند و حاضر نیستند، یک گام بردارند. «۲» ۵. قرآن به ما می‌آموزد که هم‌چون بنی اسرائیل نباشیم که خود نشسته بودند و انتظار داشتند که خدا و رهبران دینی همه چیز را اصلاح کنند. ۶. انسان باید برای رهایی و رسیدن به اهداف عالی، با جهد و تلاش، موانع را از سر راه خود بردارد؛ خدا به مجاهدان یاری می‌رساند و رهبران الهی نیز آنان را راه‌نمایی می‌کنند، اما بنی اسرائیل انتظار داشتند که بدون زحمت به اهداف خود برسند. آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. بنی اسرائیل افرادی جنگ‌گریز و بهانه‌جو هستند (شما این‌گونه نباشید). ۲. در برابر دستورات رهبران الهی بهانه‌تراشی نکنید و از جنگ‌نگریزید. *** قرآن کریم در آیه بیست و پنجم سوره‌ی مائده به مایوس شدن موسی علیه السلام از بنی اسرائیل و نفرین او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. قَالَ رَبِّ إِنِّي لَأَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَالْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (موسی) گفت: «پروردگارا! در واقع من جز صاحب اختیار خودم و برادرم نیستم، پس بین ما و بین گروه نافرمان‌بردار جدایی افکن.» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی هنگامی قوم خویش را نفرین می‌کردند که آنان با اعمال خود تمام راه‌های هدایت را به روی خود می‌بستند و از اطاعت آنان مایوس می‌شدند. ولی در همان حال افراد فرمان‌بردار را استثنا می‌کردند و به آنها نفرین نمی‌نمودند. «۱» ۲. سربچی از دستورات پیامبران الهی، فسق و خروج از فرمان خداست «۲» و انسان را از رهبران الهی جدا می‌سازد و مستحق نفرین آنان (و عذاب الهی) می‌کند. ۳. درخواست فاصله افتادن بین موسی علیه السلام و قوم فاسق، به نوعی مجازات بنی اسرائیل بود که از نعمت رهبر الهی محروم شوند و یا به خاطر آن بود که آتش قهر الهی، یاران مؤمن موسی علیه السلام را نسوزاند، و یا به خاطر آن بود که با مرگ فاسقان، بین آنان و موسی علیه السلام فاصله بیفتد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهانه‌تراشی و جنگ‌گریزی و مخالفت با رهبران الهی، موجب فاسق شدن است. ۲. مخالفت با رهبران الهی انسان را از وجود آنها محروم و گرفتار عذاب تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۳ می‌سازد. ۳. رهبران الهی هنگام سختی و بی‌وفایی مردم به درگاه الهی شکوه کنند. *** قرآن کریم در آیه بیست و ششم سوره‌ی مائده به استجاب دعای موسی علیه السلام و کیفر نافرمانی بنی اسرائیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ [خدا به موسی فرمود: «پس در حقیقت آن (سرزمین)، چهل سال بر آنان ممنوع است، در حالی که در [بیابان آن سر] زمین سرگردان خواهند بود؛ پس بر (سر نوشت) گروه نافرمان‌بردار تأسف مخور.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان تخلف بنی اسرائیل و قهر الهی بر آنان و سرگردانی چهل ساله‌ی آنها، در تورات کنونی نیز آمده است. «۱» این داستان عبرتی است برای همگان و ممکن است این مجازات در مورد ملت‌های دیگر نیز تکرار شود. «۲» ۲. محرومیت و سرگردانی چهل ساله‌ی بنی اسرائیل در بیابان‌ها، جنبه‌ی انتقام‌ناداشت، بلکه نتیجه‌ی مخالفت و جدایی آنان از رهبران الهی بود، البته این محرومیت حکمت و فلسفه داشت؛ یعنی گذشت این مدت طولانی سبب می‌شد تا رسوبات استعمار فرعون‌ی و روحیه‌ی زبونی و ترس از تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۴ روح و جان بنی اسرائیل پاک شود و نسل جدیدی در آغوش تعالیم الهی و در محیط آزاد صحرا پرورش یابند و با افتخار و قدرت، آماده‌ی زندگی نوینی شوند و برای نجات سرزمین مقدس به جهاد برخیزند. ۳. از جمله‌ی آخر آیه استفاده می‌شود که موسی با این که از قوم خود مایوس می‌شود و به آنان نفرین می‌کند، اما باز هم بر حال آنان تأسف می‌خورد و این نشانه‌ی اوج محبت و دل‌سوزی پیامبران الهی نسبت به امت خویش است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنگ‌گریزی و نافرمانی در برابر رهبران الهی، موجب محرومیت و سرگردانی می‌شود. ۲. برای فاسقان تأسف نخورید (که تنبیه مجرمان، هم‌چون داروی تلخ، به نفع سلامت فرد و جامعه است). «۱» ۳. اگر می‌خواهید به اهداف مقدس خود برسید و سرگردان نشوید، از رهبران الهی جدا نشوید

داستان آدم و فرزندانش

داستان آدم و فرزندانش قرآن کریم در آیه بیست و هفتم سوره‌ی مائده داستان حقیقی فرزندان آدم را بیان می‌کند و با اشاره به

شرط قبولی اعمال می‌فرماید: ۲۷. *وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ* و (ای پیامبر!) خبر بزرگ حقیقی دو فرزند آدم را بر آنان بخوان [و پیروی کن، هنگامی که آن دو (کاری) نزدیک کننده برای نزدیکی (به پروردگار) انجام دادند؛ و از یکی از آن دو پذیرفته شد، و از دیگری تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۵ پذیرفته نشد؛ (قابیل) گفت: «حتماً تو را خواهم کشت!» (هابیل) گفت: «خدا، تنها از پارسایان (خودنگهدار) می‌پذیرد؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «آدم» در آیه‌ی فوق همان حضرت آدم علیه السلام است. این واژه بارها در قرآن به این معنا آمده است. «۱» البته در قرآن کریم نامی از فرزندان آدم برده نشده است، اما در روایات اسلامی از آنان به هابیل و قابیل نام برده شده است. «۲» «۳» در روایات اسلامی آمده است «۳» هابیل دام‌دار که بود، بهترین گوسفند خود را برای قربانی آورد و قابیل که کشاورز بود، بدترین قسمت زراعت خود را برای قربانی آورد. «۴» «۳» از برخی روایات اسلامی استفاده می‌شود که ریشه‌ی دشمنی قابیل با هابیل در حسادت او در مورد جانشینی حضرت آدم علیه السلام بود؛ چرا که آدم وصایای نبوت را، طبق دستور الهی، به هابیل سپرد و قابیل که از او بزرگ‌تر بود، ناراحت شد. آدم علیه السلام برای آن که قابیل را متوجه اشتباهش کند، به دو فرزند خود دستور داد که قربانی‌ای انتخاب کنند و هر کدام قربانی‌ای آوردند. قربانی هابیل پذیرفته شد؛ زیرا او فردی پارسا بود؛ و قابیل متوجه شد که سبب تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۶ برتری و وصیت پدر در مورد هابیل تقوا و پارسایی او بود. «۱» «۴» قبولی و عدم قبولی قربانی یا از طریق وحی به آدم علیه السلام رسید «۲» و سپس او به فرزندانش اطلاع داد و یا از طریق نشانه‌ای غیرعادی متوجه این موضوع شدند؛ همان‌طور که در برخی روایات آمده است، آنان فرآورده‌های خود را بالای کوهی بردند و صاعقه‌ای به نشانه‌ی قبولی آمد و به فرآورده‌ی هابیل خورد. «۳» البته به نظر می‌رسد که جمع بین این دو احتمال نیز ممکن است. برخورد صاعقه با یک گوسفند، نیاز به توضیح آدم علیه السلام داشت و بدون توضیح او نمی‌توانست نشانه‌ی قبولی یا عدم قبولی قربانی باشد. ۵. سرگذشت مذکور در مورد هابیل و قابیل، در تورات، آمیخته با خرافاتی آمده است؛ اما قرآن کریم این داستان را به صورت واقعی و بدون پیرایه بیان کرد. ممکن است واژه‌ی «بالحق» در آیه‌ی فوق اشاره به همین مطلب باشد؛ یعنی قرآن مطالب تاریخی را از افسانه‌ها جدا می‌کند و حقایق را می‌گوید؛ و ممکن است واژه‌ی «بالحق» اشاره به این مطلب نیز باشد که داستان فوق غیرواقعی و اسطوره (سمبلیک محض) نیست. ۶. آیه‌ی فوق هر چند در مورد قربانی فرزندان آدم است، این قانون کلی را بیان می‌کند که: «فقط قربانی افراد پارسا در نزد خدا پذیرفته می‌شود.»؛ پس معلوم می‌شود که انگیزه‌ها، روحیه‌ها و خصلت‌های افراد در قبولی یا عدم قبولی اعمال آنها مؤثر است. آری، ملاک قبولی اعمال، تقوا و خویش‌داری است. ۷. حسد نخستین سرچشمه‌ی اختلاف و قتل و تجاوز در جهان انسانیت بوده است و این موضوع می‌تواند اهمیت این صفت زشت اخلاقی و تأثیرات تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۷ آن را در جامعه نشان دهد. ۸. هابیل به قابیل گفت: «فقط خدا از پارسایان خویش‌داری را قبول می‌کند.» این یک پاسخ منطقی بود به قاتلی که او را تهدید می‌کرد و در همان حال، نوعی تواضع و ادب بود، چرا که نگفت «من با تقوا هستم و تو نیستی.» بلکه ملاک و معیار پذیرش اعمال، یعنی «تقوا» را بیان کرد تا ضمن رعایت ادب و تواضع، دشمن خویش را نیز به طرف فضیلت راه‌نمایی نماید. ۹. تاریخ قتل و خون‌ریزی، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ خلقت انسان دارد؛ آری، حق و باطل همواره در طول تاریخ بشر جدال داشته‌اند، ولی داستان هابیل و قابیل در این میان، سرنوشت‌ساز، نقطه‌ی آغاز و مهم بوده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. داستان واقعی آدم و فرزندان او را در قرآن بخوانید. ۲. معیار پذیرش و ارزشمندی اعمال، تقوای شماست. ۳. حسادت انسان را به برادرکشی نیز می‌کشاند (پس مراقب باشید). ۴. اگر می‌خواهید خدا کارهای شما را بپذیرد، انگیزه‌ی تقوا را در خود تقویت کنید. ۵. از سرنوشت فرزندان آدم عبرت بگیرید (و در مورد مقامات معنوی حسادت نورزید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی مائده به قسمتی از گفت و گوی فرزندان آدم و نقش خدا ترسی در جلوگیری از خون‌ریزی اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۸ ۲۸. *لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي*

أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اگر دست را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستانم را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم، [چرا] که من از (عذاب) خدا که پروردگار جهانیان است، می‌ترسم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هابیل در برابر تهدیدهای قابیل، حکیمانه و به آرامی سخن گفت، تا آتش حسد او را با نرمش گفتار خاموش کند. ۲. ترس از عدالت الهی و کيفر او، از قتل و خون‌ریزی جلوگیری می‌کند؛ از این رو هابیل گفت: «من از خدا می‌ترسم؛ بنابراین دست به خون قابیل آلوده نمی‌کنم». ۳. هابیل از بین صفات خدا به «ربوبیت» اشاره کرد تا با جلوگیری از قتل مناسبت داشته باشد؛ چون خدا جهانیان را خلق و زمینه‌ی پرورش و رشد آنان را فراهم می‌کند و این صفت با قتل سازگار نیست؛ زیرا قتل نوعی جلوگیری از رشد و نابود کردن سرمایه‌هاست. ۴. در آیه‌ی فوق هابیل از پروردگار جهانیان سخن می‌گوید. از این مطلب استفاده می‌شود که ایمان به خدا از عقاید اولین انسان‌های روی زمین بوده است و کاوش‌های باستان‌شناسی نیز آن را تأیید می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ترس از (مقام عدالت و کيفر) خدا عامل بازدارنده از گناه است. ۲. در برابر دشمنان حسود، منطقی و نرم‌خو باشید. ۳. در خانواده، خون را با خون نشویید و تهدید را با تهدید پاسخ ندهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۹۹ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی مائده به فرجام عذاب آلود خون‌ریزی و ستمکاری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ [و چرا] که من می‌خواهم، تا با (بار) گناه من و گناه خودت (به سوی خدا) باز گردی، و از اهل آتش شوی؛ و این کيفر ستمکاران است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گناهان شخص کشته شده، به عهده‌ی قاتل گذاشته می‌شود. در روایتی نیز از امام باقر علیه السلام حکایت شده که با اشاره به آیه‌ی فوق فرمودند: هر کس مؤمنی را بکشد، خدا تمام گناهان او را بر عهده‌ی قاتلش می‌گذارد و شخص مقتول از گناهان پاک می‌شود. «۱» ۲. هابیل، عواقب و آثار گناه را به برادرش گوش زد کرد تا او را از گناه بازدارد و این یکی از مؤثرترین روش‌های نهی از منکر است. ۳. هابیل از آتش دوزخ سخن می‌گوید؛ این نشان می‌دهد که ایمان به معاد سابقه‌ای طولانی در زندگی بشر دارد و از عقاید اولین انسان‌ها بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قاتل گناه خود و مقتول را به دوش می‌کشد. ۲. فرجام خون‌ریزی و ستمکاری، عذاب آلود است. ۳. با یادآوری نتایج و پیامدهای گناه، از بزهکاری جلوگیری کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۰ قرآن کریم در آیه‌ی سی ام سوره‌ی مائده به اولین آدم‌کشی تاریخ بشر و نقش هوای نفس در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الخَاسِرِينَ پس نفسش، او را به کشتن برادرش ترغیب کرد، و او را کشت؛ و از زیانکاران گردید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان حکیمانه و آرام‌بخش هابیل، طوفانی در دل قابیل به پا کرده بود؛ یعنی از طرفی عاطفه‌ی برادری و تنفر از گناه و توجه به عواقب شوم آن در ذهنش جولان می‌داد و از طرف دیگر آتش حسد در درونش زبانه می‌کشید، ولی سرانجام نفس سرکش آهسته آهسته بر عوامل بازدارنده چیره شد و او را رام کرد و به زنجیر کشید و برای برادرکشی آماده کرد. «۱» ۲. نتیجه‌ی قتل، زیانکاری و وارد کردن خسارت به خود و دیگران است؛ قاتل، خویش را دچار عذاب وجدان و مجازات الهی و نام‌نگین می‌کند و یک سرمایه‌ی انسانی را در جامعه از بین می‌برد و گاهی خانواده‌ای را بی‌سرپرست می‌نماید. ۳. در این آیه و آیات بعد، از واژه‌ی «برادر» بارها استفاده شده است. این تعبیر عاطفی نشان دهنده‌ی بی‌عاطفه بودن قابیل و عمق جنایت اوست که برادرکشی کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هواپرستی انسان را به برادرکشی می‌کشاند. ۲. هواپرستی و خون‌ریزی، زیانکاری است. ۳. مراقب نفس و سوسه‌گر باشید که شما را برادرکش و زیانکار نسازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۱ قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی مائده به یادگیری انسان از پرنده‌گان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱. فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يُوَيْلَتِي أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّدِمِينَ و خدا زاغی را برانگیخت که در زمین جستجو کند، تا به او نشان دهد، چگونه [جسد] بد [بوی برادرش را پنهان کند. [قابیل گفت: «ای وای بر من! آیا عاجزم از اینکه مثل این زاغ باشم و [جسد] بد [بوی برادرم را پنهان کنم؟! و (سرانجام) از پشیمانان گردید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی روایات اسلامی حکایت شده: هنگامی که قابیل برادر خود را کشت، او را در بیابان

افکند و نمی‌دانست چه کند! چیزی نگذشت که درندگان به سوی جسد هابیل آمدند و او برای نجات جسد برادر، مدتی آن را بر دوش کشید، ولی باز هم پرندگان (گوشت‌خوار) اطراف او را گرفتند و منتظر فرصت برای حمله به او بودند. خدا زاگی را فرستاد تا جسد بی‌جان زاگی دیگر را در زمین پنهان سازد، و بدین وسیله دفن کردن مرده در زمین را به قایل آموزش دهد. «۱» ۲. آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که چگونه انسان می‌تواند از پرندگان آموزش ببیند و برای زندگی خویش از آنها الهام بگیرد. این همان چیزی است که تاریخ و تجربه آن را تأیید می‌کند و می‌توان آن را «آموزش تجربی از طبیعت» نامید؛ آری، انسان همیشه باید به دنبال آموختن باشد؛ حتی از حرکات پرندگان. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۲ ۳. پشیمانی قایل یا به خاطر آن بود که می‌ترسید پدر و مادرش از انتشار بوی بد جسد به کارش پی ببرند و او را سرزنش کنند، یا به خاطر این بود که چرا جسد را مدتی حمل کرد و دفن نمود و یا به خاطر آن بود که اصولاً انسان پس از هر کار زشتی که انجام می‌دهد، ناراحتی و عذاب وجدان در خویش احساس می‌کند؛ اما به هر حال آیه‌ی فوق دلالتی بر توبه‌ی قایل و استغفار و بازگشت او به سوی خدا ندارد. «۱» ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده: خون هیچ انسانی به ناحق ریخته نمی‌شود، مگر این که سهمی از مسئولیت آن به عهده‌ی قایل است، که سنت شوم آدم‌کشی را در دنیا بنا نهاد. «۲» ۵. سرگذشت فرزندان آدم، نمونه‌ای از نزاع و جنگ مستمری است که همیشه در زندگی بشر بوده است. در یک سو مردان پاک و باایمان هستند که خدا اعمال شایسته‌ی آنان را می‌پذیرد و در سوی دیگر افراد آلوده و منحرف با قلبی مملو از کینه و حسادت که به تهدید و زورگویی می‌پردازند، ولی وقتی عاقبت اعمال زشت خود را می‌بینند، اقدام به پرده‌پوشی می‌کنند و زاغ‌صفتان به آنان آموزش می‌دهند که چگونه جنایات خویش را پنهان کنند و سرانجام، جز خسران و حسرت چیزی به آنان نمی‌رسد. آری، در جبهه‌ی حق و باطل این دو گروه صف کشیده‌اند و چه بسیار افراد پاکی که در این راه شهید شده‌اند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام خون‌ریزی و گناه، پشیمانی است. ۲. با الهام از حیوانات (و طبیعت) دانش خود را تکمیل کنید. ۳. مردگان را دفن کنید (تا محیط آلوده نشود). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی مائده به عظمت حیات بخشیدن و بزرگی قتل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُشْرِفُونَ از این روی، بر بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) مقرر داشتیم، که هر کس، شخصی را بدون (ارتکاب قتل) کسی یا فساد در زمین بکشد، پس گویا همه مردم را کشته؛ و هر کس، شخصی را زنده بدارد، پس گویا همه مردم را زنده داشته است. و بیقین فرستادگان ما، دلایل روشن برایشان آوردند، آنگاه، قطعاً بسیاری از آنان، پس از آن، در زمین زیاده‌روی کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در مورد بنی اسرائیل سخن می‌گوید، ولی قانونی که بیان کرده عام است و شامل همه‌ی مردم می‌شود و ذکر نام بنی اسرائیل برای آن است که خون‌ریزی‌ها و به ویژه قتل‌هایی که ریشه در حسد و تفوق‌طلبی دارد، در میان آنان فراوان است و از این جهت به قایل شباهت دارند؛ بنابراین، نخستین بار قانون فوق در برنامه‌ی دینی آنان گنجانده شد. هم اکنون نیز در جهان، صهیونیست‌ها هر روز قربانیان تازه‌ای از تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۴ فلسطینیان می‌گیرند و راه پیشینیان خود را ادامه می‌دهند. ۲. کشتن یک انسان مانند کشتن همه‌ی انسان‌هاست؛ چرا که: اولاً، اگر کسی دست به خون بی‌گناهی آلوده کرد، در حقیقت این آمادگی را دارد که کسان دیگری را نیز بکشد. و ثانیاً، جامعه‌ی انسانی در حقیقت یک واحد است و افراد آن هم‌چون اعضای یک پیکرند، پس چنانچه لطمه‌ای به یکی از اعضا برسد، اثرش در سایر اعضا نیز آشکار می‌گردد و فقدان یک عضو ضربه‌ای به همه‌ی جامعه‌ی انسانی است و جامعه را از یک نسل جدید محروم می‌سازد. ۳. در برخی احادیث آمده است که در قیامت، مجازات کسی که یک انسان را بکشد، مجازات کسی است که همه‌ی انسان‌ها را کشته است و اگر تعداد بیش‌تری را بکشد مجازات او به همان نسبت اضافه می‌شود! «۱» ۴. تجاوز به حقوق یک نفر و کشتن او، تجاوز به حقوق جامعه‌ی بشری و تهدید امنیت اجتماعی به شمار می‌آید. ۵. نجات یک انسان، مانند نجات همه‌ی انسان‌هاست چرا که: اولاً،

کسی که به خاطر نوع دوستی و عاطفه‌ی انسانی، یک نفر را از مرگ نجات بخشد، در حقیقت این آمادگی را دارد که هر بشر دیگری را نجات دهد؛ چون علاقه‌مند به نجات انسان‌های بی‌گناه است. و ثانیاً، نجات یک فرد سبب احیای سایر اعضای پیکر جامعه‌ی انسانی است؛ چون هر کس به اندازه‌ی وجود خود در ساختمان مجتمع بزرگ انسانی اثر دارد. ۶. قرآن کمال اهمیت را برای مرگ و حیات انسان قایل است و با توجه به این که آیه‌ی فوق در محیط جاهلی عرب فرود آمده که برای خون انسان‌ها ارزش قایل نبودند، اهمیت مطلب دو چندان می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۵. ۷. انسان‌هایی که کارشان نجات جسم دیگران است، مثل پزشکان، پرستاران و مأموران آتش‌نشانی، و یا کسانی که روح و جان مردم را نجات می‌دهند، مثل عالمان دین و دانشمندان، کارشان بسیار ارزشمند است و هر گاه یک نفر را نجات دهند، گویا همه‌ی بشریت را نجات داده‌اند. ۸. در احادیث متعددی «۱» از معصومین علیهم السلام حکایت شده که تأویل آیه‌ی فوق در مورد حیات و مرگ معنوی است؛ یعنی زنده کردن افراد به هدایت آنها و مرگ آنان به گمراهی آنان است؛ پس هر کس انسانی را راه‌نمایی کند، همانند آن است که جامعه‌ی بشری را هدایت کرده است و اگر کسی انسانی را گمراه کند همانند آن است که جامعه‌ی بشری را گمراه ساخته است. «۲» البته این گونه احادیث بطن قرآن را بیان می‌کنند؛ «۳» یعنی توسعه در مفهوم «حیات» می‌دهند تا حیات مادی و معنوی را شامل شود؛ سپس یکی از مصادیق آن را بیان می‌کنند. و این مطلب از برخی آیات قرآن هم قابل برداشت است؛ آن‌جا که ارشاد پیامبران را نوعی دعوت به حیات می‌خواند. «۴» ۹. طبق آیه‌ی فوق، کشتن انسان‌ها حداقل در دو مورد جایز است: برای قصاص و برای از بین بردن فساد کنندگان در زمین، که این دو مورد، خود، نوعی مبارزه با خون‌ریزی است و از این روست که قرآن قصاص را نیز حیات و زندگی می‌خواند «۵». «۶» ۱۰. اسراف در آیه‌ی فوق به معنای تعدی از حدود الهی و شکستن تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۶ قوانین، به صورت عام به کار رفته است؛ «۱» یعنی بسیاری از بنی اسرائیل افرادی تجاوزگر و خون‌ریزند و حرمت قوانین الهی را نگاه نمی‌دارند، همان‌طور که در عصر ما نیز صهیونیست‌ها چنین‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر انسانی که کشته شود ضربه به کل بشریت است. ۲. نجات جسم و روح هر فرد، هم‌چون نجات جامعه‌ی بشری است. ۳. برای نجات مردم بکشید، نه کشتن آنها. ۴. با فسادگران و قاتلان برخورد کنید. ۵. اکثر یهودیان پیروان قبیله هستند و تجاوزگری می‌کنند.

قوانین قضائی

قوانین قضائی قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی مائده به کیفر شدید فسادگران در دنیا و آخرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳. إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ کیفر کسانی که با خدا و فرستاده‌اش می‌جنگند و برای فساد در زمین می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست‌هایشان و پاهایشان، بر خلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۷ از چپ)، قطع شود؛ یا از سر زمین (خود) تبعید گردند؛ این، برایشان رسوایی‌ای در دنیا است؛ و در آخرت عذاب بزرگی برایشان است. شأن نزول: داستان نزول این آیه از امام صادق علیه السلام این گونه حکایت شده است: گروهی از مشرکان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و مسلمان شدند، اما در اثر آب و هوای مدینه بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند برای بهبودی به منطقه‌ی خوش آب و هوای صحرا بروند که چراگاه شتران (زکات) بود، اما آنان پس از بهبودی به چوپانان حمله‌ور شدند و ابتدا دست و پای آنان را بردند و چشمانشان را کور کردند، سپس آنان را کشتند و شتران را غارت کردند و از اسلام نیز خارج شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را دست‌گیر، و همان‌طور که با چوپانان عمل کرده بودند، مجازات کردند. آیه فوق در باره‌ی این گونه افراد نازل گردید و قانون اسلام را در این باره توضیح داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اسلام آن‌قدر بر حقوق انسان‌ها و رعایت امنیت آنان تأکید دارد که ستیز متجاوزان با

بندگان خدا را جنگ با خدا معرفی می‌کند؛ آری، جنگ با خلق خدا، جنگ با خداست. ۲. شدت عمل فوق العاده‌ی اسلام در مورد کیفر محاربان برای حفظ امنیت و خون افراد بی‌گناه و جلوگیری از متجاوزان قلدر، جانیان، چاقو‌کشان و آدم‌کشان است که به جان و مال و ناموس مردم بی‌گناه تجاوز می‌کنند. ۳. «مُحارب» در این آیه کسی است که با اسلحه‌ی (سرد یا گرم) جان و مال مردم را مورد تهدید و تجاوز قرار دهد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۸ این مطلب از احادیث اهل بیت علیهم السلام و تا حدودی از شأن نزول آیه استفاده می‌شود. «۱» ۴. کیفر کسانی که با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بجنگند و فسادگری کنند، یکی از این چهار مورد است: کشتن، به دار آویختن، قطع دست و پا به صورت مخالف، یعنی دست راست با پای چپ یا بالعکس و یا تبعید از محل سکونت. ۵. برخی مفسران و فقها معتقدند که منظور از قطع دست و پا، در آیه‌ی فوق، همان مقداری است که در مورد سرقت بیان شده است؛ یعنی تنها بریدن چهار انگشت از دست یا پا. «۲» ۶. طبق روایات اسلامی، مجازات‌های چهارگانه‌ی فوق، تخیری است؛ یعنی حاکم اسلامی هر کدام را که صلاح بداند اجرا می‌کند، اما تناسب حکم با چگونگی جنایت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ «۳» یعنی اگر فرد محارب کسی را کشته است، به قتل می‌رسد و اگر اموال مردم را با تهدید به اسلحه برده است، انگشتان دست و پای او قطع می‌شود و چنانچه هم آدم‌کشی کرده و هم سرقت نموده است، به دار آویخته می‌شود و اگر تنها اسلحه کشیده و کار دیگری نکرده است، تبعید می‌شود. «۴» این مضمون در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام نیز حکایت شده است. «۵» ۷. برخی مفسران نوشته‌اند که کیفرهای چهارگانه‌ی محارب، از نوع «حق تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۰۹ الله» است، پس قابل عفو و تبدیل نیست و حتی پس از بخشش صاحبان خون نیز، یکی از این چهار حکم در مورد محارب اجرا می‌شود. «۱» ۸. از امام رضا علیه السلام حکایت شده که فرمودند: محل تبعید مفسدان، به مردم اعلان شود تا با تبعیدی قطع رابطه کنند. «۲» البته واژه‌ی «رسوایی و خواری دنیوی» که در آیه آمده است به این مطلب اشاره دارد. ۹. فسادگران و محاربان، در دنیا و آخرت مجازات می‌شوند و از این که در پایان آیه‌ی فوق عذاب بزرگی به محاربان وعده داده شده استفاده می‌شود که اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی در مورد محاربان، مانع کیفرهای آخرتی نخواهد شد. ۱۰. اسلام جامعه‌ای امن می‌خواهد و اگر کسانی امنیت اجتماعی مردم را برهم بزنند، با شدیدترین کیفرها روبه‌رو خواهند شد. ۱۱. از آن‌جا که برخورد با محاربان و اجرای مفاد آیه‌ی فوق از وظایف رهبر مسلمانان و حکومت اسلامی است، «۳» می‌توان گفت که این آیه به نوعی دلالت بر لزوم برپایی حکومت اسلامی و پیوستگی دین با سیاست دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنگ با مردم، جنگ با خداست. ۲. فسادگری و جنگ با مردم، کیفر شدید دنیوی و اخروی دارد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۰ ۳. با هر کس که به جنگ خدا و رهبر اسلام (و مسلمانان) برخاست، برخورد شدید کنید. ۴. نگذارید فسادگران زمین را به تباهی بکشند. ۵. برای خلافکاران مجازات‌های متنوع (و متناسب با جرم آنان) در نظر بگیرید. ۶. با مجازات تجاوزگران، امنیت اجتماعی را حفظ کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی مائده راه توبه را برای فسادگران می‌گشاید و می‌فرماید: ۳۴. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ مگر کسانی که پیش از اینکه توانایی (دست یافتن) بر آنان را پیدا کنید، توبه کرده باشند؛ پس بدانید که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. براساس این آیه تنها در صورتی مجازات‌های چهارگانه‌ی تجاوزگران فسادگر برداشته می‌شود که پیش از دست‌گیر شدن، از این جنایت دست بردارند و پشیمان شوند. ۲. راه اثبات توبه‌ی فسادگران، گواهی دو نفر یا تغییر روش زندگی آنان و یا قراین اطمینان‌آور دیگر است. ۳. توبه‌ی فسادگران، تنها باعث سقوط «حق الله» می‌شود؛ یعنی مجازات اخروی آنان برداشته می‌شود، اما «حق الناس» ساقط نمی‌شود؛ یعنی اگر اموال مردم را به سرقت برده یا کسی را کشته‌اند، بدون رضایت صاحب حق، مجازات آنان ساقط نمی‌شود و کیفر قاتل و سارق معمولی را خواهند داشت. ۴. باز بودن راه توبه برای گناهکاران، حتی تجاوزگران و فسادگران، یکی از روش‌های تربیتی قرآن است و اسلام بدین وسیله به همه اعلان می‌کند که تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۱ مجازات‌های اسلامی جنبه‌ی تربیتی دارد، نه انتقامی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه توبه و بازگشت برای

فسادگران و تجاوزگران نیز باز است. ۲. افراد تجاوزگر و فسادگر تا دیر نشده و دستگیر نشده‌اند توبه کنند. ۳. اگر فسادگران و تجاوزگران توبه کردند، مسلمانان آنان را ببخشند که مشمول لطف و آمرزش الهی هستند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی مائده مردم را به راه‌های رستگاری، یعنی تقوا، توسل و جهاد، فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و به او تقرب جوید؛ و در راه او جهاد کنید؛ باشد که شما رستگار شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «وسيله» (۱) معنای وسیعی دارد و هر کار یا چیزی را که سبب نزدیکی به پیشگاه مقدس پروردگار شود، شامل می‌شود؛ مثل ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جهاد، نماز، زکات، روزه، زیارت خانه‌ی خدا، صله‌ی رحم، انفاق، و نیز شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح و پیروی از آنها و حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانه‌ی علاقه به آنهاست، جزء مفهوم وسیع «وسيله» است؛ چرا که همه‌ی این امور باعث تقرب و نزدیکی به خداست. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۲ در کلامی از امام علی علیه السلام نیز به بسیاری از این مصادیق و موارد وسیله و توسل اشاره شده است. (۱) پس اختصاص مفهوم «وسيله» به برخی از این مصادیق، دلیل خاصی ندارد. ۲. مقصود از توسل آن نیست که انسان از شخص پیامبر یا امام، مستقلاً چیزی بخواهد، بلکه منظور آن است که با اعمال شایسته و یا پیروی و شفاعت پیامبر یا امام، از خدا چیزی بخواهد، که این در حقیقت نوعی توجه به خداست؛ نه شرک است و نه بر خلاف آیات قرآن، بلکه از مضمون آیه‌ی فوق هم خارج نیست. ۳. توسل به پیامبران یک شیوه‌ی پسندیده است؛ از این رو در آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی نساء از استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله برای گروهی از مردم و در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی یوسف از استغفار یعقوب برای فرزندان و در آیه‌ی ۱۱۴ سوره‌ی توبه از استغفار ابراهیم در مورد پدرش سخن گفته شده است. ۴. روایات شیعه و اهل سنت در مورد توسل بسیار است و برخی گفته‌اند به حد تواتر رسیده است. (۲) برخی از اهل سنت از عمر حکایت کرده‌اند که آدم علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توسل جست تا توبه‌ی او پذیرفته شود (۳) و نیز برخی دانشمندان معروف اهل سنت حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به مرد نابینایی آموزش داد که چگونه به آن حضرت در دعاها توسل جوید. (۴) ۵. در مورد شفاعت، تفاوتی بین حیات و وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۳ نیست؛ چرا که آنان از حیات برزخی برخوردارند و قرآن در مورد شهدا تصریح می‌کند که آنان را مرده نپندارید که زندگان‌اند. (۱) از آستان پیر مغان سر چرا کشیم دولت در آن سرا و گشایش در آن در است (حافظ) ۶. در برخی از احادیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان از نسل امام حسین علیه السلام عروه‌ی الوثقی (دستگیره‌ی محکم) و وسیله به سوی خدا هستند (۲) و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام حکایت شده که وسیله بالاترین مقام در بهشت است. (۳) روشن است که این گونه روایات مصادیق وسیله را بیان می‌کند و گر نه مفهوم وسیله وسیع است. ۷. پارسایی، شفاعت و جهاد، زمینه‌ساز سعادت و رستگاری است، اما علت کامل آن نیست؛ یعنی باید موانع نیز برطرف شود تا به سعادت نهایی برسیم. (۴) ۸. برخی از مفسران، جهاد در این آیه را اعم از جهاد با دشمنان خارجی و داخلی می‌دانند؛ (۵) یعنی در آیه‌ی فوق جهاد با نفس نیز توصیه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه رستگاری؛ ایمان، پارسایی، شفاعت و جهاد است. ۲. با وسایل (ایمان، جهاد، عبادت، اهل بیت علیهم السلام و ...) به خدا نزدیک شوید. ۳. جهاد شما هدفمند و الهی باشد. *** قرآن کریم در آیات سی و ششم و سی و هفتم سوره‌ی مائده به سرنوشت عذاب آلود و تغییرناپذیر کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶ و ۳۷. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَ مَا مَعَهُ لَيَفْتَرِدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تَقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَرَجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند، اگر (بر فرض) برای شان تمام آنچه در زمین، و همانندش به‌همراه آن باشد، برای آنکه آن را تاوان (نجات) از عذاب روز رستاخیز دهند، از آنان پذیرفته نمی‌شود؛ و برای شان عذابی دردناک است. * (کافران) می‌خواهند که از آتش خارج شوند، و حال آنکه آنان از آن بیرون آمدنی

نیستند؛ و برایشان عذابی پایدار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق تأکید می‌کند «۱» که با هیچ سرمایه و قدرتی نمی‌توان از مجازات‌های الهی رهایی جست. و نجات در پرتو ایمان، پارسایی، جهاد و عمل شایسته است که در آیه‌ی قبل بدان‌ها اشاره شده بود. ۲. دادگاه روز رستاخیز بر اساس عدل است و کسی نمی‌تواند با دادن تاوان و رشوه از چنگ عذاب قیامت رهایی یابد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۵. ۳. در حال کفر، بخشش اموال، ارزشی ندارد و پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا شرط قبولی اعمال شایسته، ایمان و تقواست. «۱» ۴. کافران می‌خواهند از آتش نجات یابند و اگر راهی بیابند می‌گریزند، اما تمام راه‌ها بر آنان بسته است؛ چون عذاب کافران دایمی است و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند. آری، کسی که در دنیا از برهان‌های روشن روی بگرداند و از ظلمت شرک و جهل خارج نشود، در آخرت نیز از دوزخ بیرون نخواهد آمد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت نهایی کافران، دوزخ است و خدا به هیچ قیمتی آنان را نمی‌بخشد. ۲. در رستاخیز رشوه و پارتی کارآیی ندارد. ۳. توشه‌ی معنوی برای آخرت بردارید که در آن روز از اموال شما کاری ساخته نیست. ۴. اگر می‌خواهید اعمال و بخشش‌های شما پذیرفته شود، ایمان آورید. ۵. کافران نمی‌توانند از فرجام عذاب آلود خود بگریزند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی مائده به مجازات خاص سرقت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ و مردِ دزد و زنِ دزد، به کیفر آنچه بدست آورده‌اند [و] بخاطر مجازات [پیشگیرانه الهی، دست‌هایشان را قطع کنید؛ و خدا شکست‌ناپذیری تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۶ فرزانة است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کیفر سخت دزدان، در حقیقت نتیجه‌ی کار خودشان است؛ پس نباید غیر از خودشان کسی را ملامت کنند. ۲. هدف از اجرای حکم سرقت، پیش‌گیری از دزدی، و بازگشت به حق و عدالت است. «۱» ۳. از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که شرایط مجازات دزدان عبارت است از: الف) قیمت کالا یا پول سرقت شده، حداقل معادل یک چهارم مثقال شرعی طلا باشد، که هر مثقال شرعی (۱۸ نخود، یعنی) ۳۴ مثقال معمولی است. ب) سرقت از محل محفوظی مانند خانه و مغازه، یا جیب داخل لباس انسان انجام گیرد. ج) سرقت در سال قحطی، که مردم گرسنه‌اند، اتفاق نیفتاده باشد. د) سرقت توسط فردی بالغ و عاقل و در حال اختیار انجام گرفته باشد. ه) سرقت پدر از مال فرزند، یا شریک از اموال شرکت نباشد. و) سرقت میوه از باغ نباشد. ز) احتمال اشتباه در میان نباشد؛ یعنی کسی مال خود را با دیگری اشتباه نگرفته باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۷ در مواردی که شرایط بالا تحقق یابد، دست دزد به حکم دادگاه اسلامی بریده خواهد شد. ۴. بر اساس روایات اسلامی، تنها چهار انگشت دست راست دزد بریده می‌شود. البته در مرتبه‌ی اول دزدی دست دزد قطع می‌شود و در بار دوم پای چپ او قطع می‌شود و در بار سوم حبس ابد می‌شود و در بار چهارم اعدام می‌گردد. «۱» ۵. آیا بریدن دست دزد، مجازاتی شدید است که اگر اجرا شود، سبب قطع شدن بسیاری از دست‌ها می‌شود؟ پاسخ آن است که: الف) با توجه به شرایط اجرای حکم، که در بالا بیان کردیم، بریدن دست، شامل هر دزدی نمی‌شود، بلکه تعداد اندکی از دزدان خطرناک مشمول این حکم اسلامی هستند؛ از این رو در چهارده قرن گذشته که این حکم اجرا شده، تعداد اندکی مشمول آن شده‌اند و در مقابل، امنیت مسلمانان در چند قرن تضمین شده است. ب) احکام اسلامی یک مجموعه‌ی به‌هم پیوسته است، که با هم‌دیگر اجرا می‌شود؛ یعنی اسلام خواهان اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی و کمک به محرومان و مبارزه با فقر و اجرای تعلیم و تربیت صحیح و تقویت تقوا در میان مردم است؛ و حکومت اسلامی موظف است که این نیازمندی‌ها را فراهم سازد. در چنین جامعه‌ای دزدی‌های خطرناک بسیار نادر است و تنها انسان‌های شرور و مردم آزار دست به دزدی می‌زنند که باید با آنان به سختی مقابله کرد تا امنیت در جامعه برقرار شود. ج) تاریخ نشان داده است که هر گاه این حکم به طور کامل در کشوری اجرا شود، امنیت فوق‌العاده‌ای از نظر مالی در جامعه حاکم می‌شود و تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۸ دزدی‌ها بسیار کم می‌شود، و امروز، فراوان بودن دزدی در برخی جوامع به خاطر عدم اجرای کامل قوانین اسلامی است. «۱» ۶. در قوانین کیفری اسلام، دو جهت مورد توجه است: یکی کیفر مجرم و تنبیه او و دوم عبرت گرفتن مجرم و دیگران، که جهت دوم با مشاهده‌ی مکرر دست بریده شده‌ی دزد تحقق می‌یابد. ۷. نکته‌ی قابل ذکر آن است که

دزد، علاوه بر آن که مجازات سختی می‌شود، ضامن اموال مردم نیز هست و باید آنها را به صاحبانش بازگرداند. ۸. در برخی از روایات از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که بدترین نوع سرقت، دزدی از نماز و ناقص انجام دادن رکوع و سجود آن است. «۲» این گونه روایات مفهوم سرقت را توسعه می‌دهند و مصادیق جدیدی برای آن بیان می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام برای امنیت مالی و اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای قایل است. ۲. مجازات خلافکاران نتیجه‌ی عملکرد خودشان است. ۳. برای تأمین امنیت اجتماع مجازات‌های پیش‌گیرانه بیندیشید. ۴. با پدیده‌ی سرقت برخورد قانونی و شدید کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی مائده راه بازگشت را بر روی دزدان گناهکار می‌گشاید و می‌فرماید: ۳۹. فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۱۹ و [لی هر کس پس از ستم کردنش، توبه کند و اصلاح نماید، پس براستی خدا توبه او را می‌پذیرد؛ [چرا] که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر سارقی قبل از ثبوت سرقت در دادگاه اسلامی توبه کند، حدّ و مجازات سرقت از او برداشته می‌شود، ولی هنگامی که با گواهی دو شاهد عادل، جرم او در دادگاه ثابت شود، مجازات و حد سرقت با توبه از بین نمی‌رود؛ «۱» چرا که توبه‌ی اضطراری ارزش ندارد و مانع اجرای عدالت می‌شود، هر چند این توبه برای رفع مجازات اخروی مؤثر است. ۲. توبه و ندامت درونی سارق کافی نیست، بلکه باید همراه با جبران مفاسد گذشته باشد؛ یعنی سارق باید اموال دزدیده شده را به صاحبانش برگرداند و گذشته‌ی خود را اصلاح کند. ۴. خدای متعال به بندگانش لطف دارد و بعد از توبه‌ی آنان، با رحمت خویش به سوی بنده بازمی‌گردد. ۵. سرقت نوعی ظلم است؛ از طرفی ظلم به خویشتن و هویت انسانی خود است و از طرف دیگر، ستم و تجاوز به امنیت جامعه. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه بازگشت و توبه به روی بندگان گناهکار و پشیمان باز است و خدا آنان را در آغوش مهر و رحمت خویش می‌پذیرد. ۲. سرقت نوعی ستمکاری است (که توبه و جبران لازم دارد). ۳. سارقان (قبل از ثبوت حکم) توبه کنند و گذشته‌ی خود را جبران نمایند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۰ قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی مائده به قدرت بی‌کران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آیا ندانسته‌ای که خدا، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای اوست؟! هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) عذاب می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌آمرزد؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که انسان‌ها را در حالتی بین بیم و امید نگاه می‌دارد تا با بخشش خدا مغرور نشوند و با وعده‌ی عذاب او ناامید نگردند. در آیه‌ی فوق نیز از این روش تربیتی استفاده شده است. ۲. خدا بر هر چیزی تواناست و صاحب اختیار و فرمان‌روای مطلق هستی اوست، اما کارهایش بر اساس حکمت استوار است؛ از این رو بخشش و کفر الهی، بر اساس عقاید و اعمال و شایستگی و استحقاق افراد است. آموزه‌ها و پیام‌ها: آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت الهی بی‌کران است و او صاحب اختیار شاست. ۲. صفات الهی را بشناسید (و به درگاه او روی آورید و توبه کنید) که آمرزش شما به دست اوست. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی مائده به توطئه‌ها و انحرافات یهودیان علیه پیامبر اسلام اشاره می‌کند و با دل‌داری دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۱ ۴۱. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنَكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ سَمْعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْزِفُونَ الْكَلِمَةَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ای فرستاده [خدا]! تو را اندوهگین نسازند کسانی که در کفر ورزیدن [بر همدیگر] پیشی می‌گیرند، (چه) از کسانی که با دهان‌هایشان گفتند: «ایمان آوردیم.» در حالی که دل‌هایشان ایمان نیاورده بود؛ و (چه) از کسانی که یهودی بودند. [آنان شنوای خوبی برای دروغ (گویی) هستند، [و] جاسوسان گروه دیگری هستند، که نزد تو نیامده‌اند؛ [و] سخنان را بعد از [قرار گرفتن در] جایگاه‌هایش دگرگون می‌کنند، (و به یکدیگر) می‌گویند: «اگر این (حکم) به شما داده شد پس آن را بپذیرید؛ و اگر آن به شما داده نشد، پس

بیمناک باشید (و از او دوری کنید.)» و [لی کسی را که خدا بخواهد او را به فتنه درافکند، (و مجازاتش کند). پس، از طرف خدا برای (دفاع) از او، هیچ چیزی را مالک نیستی. آنان کسانی هستند که خدا نخواستہ دل‌هایشان را پاک کند؛ در دنیا برایشان رسوایی، و در آخرت برایشان عذابی بزرگ است. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق به صورت‌های متفاوتی حکایت شده است، ولی آنچه مناسب‌تر به نظر می‌رسد آن است که قبل از اسلام دو گروه یهود، یعنی «بنی نضیر و بنی قریظه»، در مدینه مستقر بودند. گروه بنی نضیر قوی‌تر بودند و برخی احکام را، بر خلاف تورات، بر بنی قریظه تحمیل کرده بودند؛ از جمله آن که اگر کسی از بنی قریظه یک نفر از بنی نظیر را کشت، دیه‌ی قتل را تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۲ پردازد و قصاص شود، اما اگر کسی از بنی نضیر یک نفر از بنی قریظه را کشت، فقط او را بر شتری بگردانند، سپس نصف دیه را بدهد. پس از ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یهودیان مدینه تضعیف شدند و در همان حال یک نفر از بنی نضیر کشته شد و خواستند همین حکم را اجرا کنند، اما بنی قریظه اعتراض کردند که این حکم بر خلاف تورات است و خواستار داوری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بین دو گروه یهودی شدند. بنی نضیر با عبد الله بن ابی که از مسلمانان منافق بود تماس گرفتند تا با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت کند که همان قرارداد تحمیلی سابق را تأیید کند. عبد الله گفت یک نفر را با من خدمت پیامبر اسلام بفرستید تا من از او در باره‌ی حکم فوق پرسش کنم؛ اگر حکم پیامبر صلی الله علیه و آله موافق نظر شما بود، بپذیرید و اگر مخالف نظر شما بود داوری پیامبر اسلام را بپذیرید. هنگامی که آنان خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند، ایشان از سخنان عبد الله بن ابی ناراحت شدند و پاسخی به آنان ندادند. آن‌گاه آیه‌ی فوق و چند آیه‌ی بعد در این باره نازل شد و پرده از اسرار یهودیان توطئه‌گر و منافقان برداشت و وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله را در این مورد روشن ساخت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام نسبت به سرنوشت مردم، دل‌سوز و مهربان بود و از گمراهی افراد و سخنان آنان ناراحت می‌شد؛ از این رو در آیه‌ی فوق به ایشان دل‌داری داده شد. ۳. قرآن کریم در آیه‌ی فوق منافقان را از کافرانی شمرده است که در کفر غوطه‌ورند و در حرکت به سوی مراحل نهایی کفر بر هم‌دیگر سبقت تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۳ می‌گیرند. «۱» و نشانه‌ی نقابشان آن است که اظهار ایمان می‌کنند، ولی ایمان در قلب و دل آنان نفوذ نکرده است. ۴. آیه‌ی فوق به وجود عوامل نفوذی در میان مسلمانان و جاسوسی آنان برای دشمنان اشاره می‌کند و آنان را رسوا می‌نماید. این نوعی هشدار به مسلمانان در همه‌ی اعصار است. ۵. یکی از عذاب‌های الهی آن است که قلب انسان را به حال خود واگذارد و آن را پاک نسازد. آری، کمک به پاکی قلب، لطف و رحمت خداست و واگذاشتن قلب ناپاک به حال خود از عذاب‌های الهی است. ۶. خیانت فرهنگی یهود همان تحریف سخنان خدا در تورات است، که شامل تحریف لفظی و معنوی می‌شود؛ یعنی گاهی الفاظ را تغییر می‌دادند و گاهی معنای آن را توجیه می‌کردند. «۲» ۷. یهودیان به‌جای آن که تابع دین باشند، می‌خواستند دین را تابع خود کنند، به عبارت دیگر، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را هر گاه که مطابق خواستشان بود، می‌پذیرفتند و هر گاه مخالف میلشان بود، ردّ می‌کردند. در حالی که انسان مؤمن کسی است که تابع دین باشد، چه موافق و چه مخالف میلش. ۸. منافقان و یهودیان علیه اسلام با هم هم‌کاری می‌کنند، ولی هم در دنیا خوار می‌گردند و هم در آخرت به کیفر سختی دچار می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی از توطئه‌های منافقان و یهودیان ناراحت تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۴ نباشند (ولی مراقب باشند). ۲. منافقان، جاسوس دشمنان اسلام هستند (مراقب آنها باشید). ۳. نشانه‌ها و توطئه‌های منافقان را بشناسید و افشا کنید. ۴. یهودیان تحریف‌کننده‌ی حقایق و تحریک‌کننده‌ی منافقان هستند. ۵. با حقایق دینی‌گزینشی برخورد نکنید (و دین‌محور باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوم سوره‌ی مائده به داوری رهبر اسلام بین یهودیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲. سَمِعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْلُونَ لَسْتُمْ لَهُمْ أَصْوَاحُ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلن يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَإِن حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (یهودیان) شنوای خوبی برای دروغ (گویی) هستند؛ [و مال حرام، فراوان می‌خورند؛ و اگر نزد تو آیند، پس در بین آنان داوری کن، یا از آنان روی گردان. و اگر از آنان روی گردانی،

پس هیچ چیزی به تو زیان نمی‌رسانند؛ و اگر داوری می‌کنی، پس به دادگری در میانشان حکم کن؛ که خدا دادگران را دوست می‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه برخی از صفات یهودیان بیان شده است؛ از جمله این که آنان شنوندگان خوبی برای دروغ‌های سران خود هستند و مطالب را می‌شنوند تا تکذیب کنند و نیز آنان حرام‌خوارند و به اموال نامشروع و رشوه‌خواری علاقه دارند. ۲. به هر «مال نامشروع» و به ویژه «رشوه» سِیِّحَت گفته شده است؛ زیرا این گونه اموال، صفا و طراوت و برکت را از اجتماع انسانی می‌برد، همان‌طور تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۵ که کندن پوست درخت، باعث پژمردگی یا خشکیدن آن می‌گردد.

«۱» ۳. در برخی احادیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حکایت شده که مقصود از «سِیِّحَت» رشوه یا پول مردار یا پول شراب یا اجرت کاهنان و یا خوردن مال یتیم و ربا است. «۲» تذکر: روشن است که این گونه روایات مصادیق و موارد سِیِّحَت را برمی‌شمارد و گرنه مفهوم سِیِّحَت وسیع است. ۴. مقصود از اختیار داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله در داوری و عدم داوری بین یهودیان، دخالت داشتن تمایلات شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله در این کار نیست، بلکه منظور آن است که شرایط و اوضاع را در نظر بگیرد و اگر مصلحت بود، داوری و حکم نماید، و گر نه صرف نظر کند. ۵. از آیه‌ی فوق «اختیار حکومت و قضات اسلامی در داوری بین غیرمسلمانان» استفاده می‌شود. و برخی مفسران بر آن‌اند که این اختیار هم اکنون نیز برای حکومت اسلامی باقی است. این مطلب در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است. «۳» ۶. در صدر اسلام، مسلمانان با غیرمسلمانان زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند، به طوری که حتی داوری خود را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آوردند. این مطلب نشان می‌دهد که آنان به عدالت و راستگویی پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد داشتند و نیز نشان می‌دهد که یکی از مقامات پیامبر صلی الله علیه و آله مقام قضاوت است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۶. ۷. عدالت در اسلام آن‌قدر مهم و با ارزش است که حتی خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که در بین دشمنان اسلام نیز عادلانه داوری کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان، حرام‌خوار و دوست‌دار دروغ‌اند (پس مراقب باشید). ۲. یهودیان را بشناسید (و مواظب توطئه‌های آنان باشید). ۳. در هر حال براساس عدالت داوری کنید، حتی بین دشمنان اسلام. ۴. رهبران اسلام و قضات مسلمان در مورد قضاوت بین غیرمسلمانان اختیار دارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و سوم سوره‌ی مائده یهودیان را به‌خاطر عمل نکردن به قوانین تورات، سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۴۳. وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ و چگونه تو را به داوری می‌طلبند؟! در حالی که تورات نزد آنان است؛ [و] در آن، حکم خدا هست؛ آنگاه بعد از این (داوری خواستن) روی می‌گردانند، در حالی که آنان مؤمن نیستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بسیاری از قوانین قرآن در تورات نیز آمده است؛ از جمله حکم «قصاص» «۱»، اما یهودیان در مورد آن از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داوری طلبیدند «۲» و به تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۷ حکم خود تورات عمل نمی‌کردند. ۲. برخی از قسمت‌های تورات تحریف شده، اما تمام آن تغییر نیافته است؛ مثل قانون «قصاص» در تورات که همانند این قانون در قرآن است. البته هم‌سانی برخی قوانین تورات و قرآن به خاطر آن است که منشأ ادیان الهی، خدای یکتاست. ۳. سرزنش یهودیان در آیه‌ی فوق برای آن است که آنان با این که تورات را یک کتاب الهی می‌دانند، ولی به آنچه موافق میلشان نیست عمل نمی‌کنند و به سراغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌آیند تا میان آنها داوری کند؛ پیامبری که دین او با آنان متفاوت است. ۴. تعبیر «یهودیان مؤمن نیستند» یا به معنای آن است که آنان به تورات ایمان عملی ندارند، یعنی به احکام آن عمل نمی‌کنند؛ و یا بدان معناست که آنان به داوری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان ندارند و تنها آنچه به نفع آنها باشد می‌پذیرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان حتی به دستورات تورات عمل نمی‌کنند (پس نباید انتظار داشته باشیم که پای‌بند به قوانین الهی یا انسانی دیگری باشند). ۲. مواظب توطئه‌های یهودیان باشید و ببینید با چه انگیزه‌ای شما را داور قرار می‌دهند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی مائده به اهمیت تورات و احکام نورانی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۸. ۴۴. إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبِّيُّونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ

کَتَبَ اللَّهُ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَمَا تَخَشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

براستی که ما تورات را در حالی که در آن، رهنمود و نور بود فرو فرستادیم، [و] پیامبرانی که تسلیم (فرمان خدا) بودند، بوسیله آن برای کسانی که یهودی بودند داوری می‌کردند؛ و (همچنین) علمای ربّانی و دانشمندان (نیکو اثر)، به آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند، (داوری می‌نمودند). پس، از مردم نهراسید، و از (مخالفت من) بهراسید؛ و آیات مرا به بهای اندکی نفروشید. و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری نکرده‌اند، پس تنها آنان، کافراند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کتاب‌های الهی، که از طرف خدا نازل شده‌اند، همگی دارای نور و هدایت‌اند و انسان را از تاریکی‌های جهل و شرک، به طرف نور حق هدایت می‌کنند. در آیه ۱۵ سوره‌ی مائده از قرآن با عنوان «نور» یاد شده است ولی در این آیه در مورد تورات می‌فرماید: «در آن هدایت و نور است.» اختلاف تعبیری که در مورد قرآن و تورات شده نشان می‌دهد که قرآن همه‌ی آیاتش نور است. ۲. سرچشمه‌ی کتمان حق و احکام الهی، یا ترس از مردم و عوام‌زدگی و یا جلب منافع شخصی است، که هر دو نشانه‌ی سستی ایمان و ضعف شخصیت است. در این آیه به هر دو عامل توجه شده و به دانشمندان دینی گفته شده که از مردم نهراسید و آیات خدا را با بهای اندکی نفروشید. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۲۹. ۳. داوری نکردن مطابق حکم خدا، هم به معنای داوری کردن بر خلاف حکم خدا و هم به معنای سکوت و عدم داوری است؛ آری، گاهی سکوت دانشمندان دینی، سبب گمراهی مردم می‌شود. «۱» ۴. آیه‌ی فوق مسئولیت بزرگ دانشمندان نیکو اثر «۲» و مردان ربّانی «۳» هر امت را در برابر حوادث و طوفان‌های اجتماعی محیط، روشن می‌سازد و با بیانی قاطع، آنان را به مبارزه بر ضد کج‌روی‌ها و نهراسیدن از مردم، دعوت می‌کند؛ آری، منطق مردان خدا آن است که «جز از پاک یزدان نترسم ز کس» (فردوسی). ۵. کفر دارای مراتبی است که انکار وجود خدا بالاترین مرتبه است و از مراتب پایین آن «نافرمانی از خدا» است؛ به عبارت دیگر، کفر گاهی نظری و فکری و عقیدتی و گاهی عملی است که در این جا مقصود کفر عملی و مخالفت با فرمان خداست. از این رو در آیه‌ی بعد همین افراد را ستمگر می‌خواند. آری، اگر کسی ایمان کامل داشته باشد، براساس آن نیز عمل می‌کند. ۶. در احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام باقر و امام صادق علیهما السلام حکایت شده که اگر کسی در مورد دو درهم (ناچیز)، به ستم حکم کند و با قدرت آن را اجرا تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۰ کند، مشمول این آیه شده و به قوانین الهی کافر گشته است. «۱» ۷. برخی از کتاب‌های الهی، مثل تورات، برای گروهی از پیامبران حجت بوده است و طبق آن عمل می‌کرده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قضاوت و حکم کردن بر خلاف قوانین الهی نوعی کفر است. ۲. آموزه‌ی هشدارآمیز آیه برای دانشمندان آن است که از چند چیز بر حذر باشید: سکوت و کتمان در برابر طاغوت‌ها، دین‌فروشی در برابر سرمایه‌داران و ترس از مردم. ۳. در بیان حکم حق از (مخالفت و عذاب) خدا بهراسید، اما از مردم نهراسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی مائده به حکم قصاص در تورات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵. وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْمَأْنِفَ بِالْمَأْنِفِ وَالْمَأْذَنَ بِالْمَأْذَنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ و بر آن (یهودی) ان در آن (تورات) مقرّر داشتیم، که: جان عوض جان، و چشم عوض چشم، و بینی عوض بینی، و گوش عوض گوش، و دندان عوض دندان می‌باشد؛ و زخم‌ها (نیز دارای) قصاص است؛ و هر که آن را تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۱ ببخشد، پس آن جریمه‌ای برای (گناهان) اوست؛ و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده، داوری نکرده‌اند، پس تنها آنان، ستمگراند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حکم قصاص در قرآن در آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی بقره آمده است و در تورات نیز این گونه آمده است: «و اگر اذیت دیگر حاصل شود، آن گاه، جان به عوض جان بده، چشم به عوض چشم، دندان به عوض دندان، دست به عوض دست، پا به عوض پا...». «۱» ۲. آیه‌ی فوق به تبعیض‌های جاهلی بین مردم پایان داد؛ مثل قراردادی که بین یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه بود، که بر اساس آن مرتکب قتل اگر از طایفه‌ی بنی نضیر بود، قصاص نمی‌شد ولی اگر از طایفه‌ی بنی قریظه بود قصاص می‌شد. یهودیان داوری در مورد این قرارداد را نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آوردند و

حضرت فرمودند «خون‌ها با هم فرق ندارد.» (۲) و یهودیان حکم پیامبر اسلام را نپذیرفتند، ولی آیات قرآن روشن کرد که این حکم در تورات نیز وجود دارد. ۳. قانون قصاص فراخواندن مردم به آدم‌کشی نیست، بلکه برای ایجاد ترس و وحشت در جانیان و تأمین امنیت مردم است و در عین حال، راه عفو و بخشش باز است. ۴. ذکر چشم و بینی و گوش و دندان در آیه‌ی فوق از باب ذکر نمونه است، و گر نه، آسیب رساندن به هر عضوی از انسان قصاص دارد. (۳) ۵. حکم قصاص یک حکم فرادینی و فراملیتی است که در اسلام و یهود آمده و باید به طور عادلانه و بدون هیچ‌گونه تبعیضی از نظر نژاد و طبقه‌ی اجتماعی اجرا گردد (البته اجرای آن شرایط خاصی دارد که در کتاب‌های فقهی آمده است). ۶. آیه‌ی قبل کسانی را که طبق احکام الهی داوری نمی‌کنند، کافر خواند تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۲ و این آیه آنان را ستمگر می‌خواند. چه ظلمی بالاتر از این که انسان گرفتار احساسات و عواطف شود و با بهانه‌های مختلف حکم قصاص را اجرا نکند و راه جنایت و خون‌ریزی را در جامعه باز بگذارد! آری، اگر احکام الهی اجرا نشود، انصافیت مظلوم واقع می‌شود. ۷. تعبیرات آیه‌ی فوق در مورد عفو جنایتکار و این که «قصاص» را مثل هدیه‌ای قرار داده که به او بخشیده می‌شود و نیز وعده‌ی بخشش الهی، همگی برای تشویق به عفو و گذشت است. ۸. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس عفو کند، خدا به همان اندازه از گناهانش می‌بخشد. (۱) «آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبنای داوری شما وحی الهی باشد. ۲. ترک داوری و حیانی، نوعی ستم (به خویش و جامعه) است. ۳. قانون قصاص معتبر است (بدان عمل کنید). ۴. (صدقه فقط بخشش مالی نیست، بلکه) عفو مجرم هم نوعی صدقه است. ۵. خطاکاران را عفو کنید تا گناهان شما عفو شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی مائده به اهمیت انجیل و رابطه‌ی آن با تورات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۳ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ و عیسی پسر مریم را به دنبال آثار آن (پیامبر) ان فرستادیم، در حالی که مؤید تورات پیش از او بود؛ و انجیل را به او دادیم که در آن، رهنمود و نور بود؛ و مؤید تورات پیش از او بود؛ و رهنمود و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی مائده، از قرآن کریم با عنوان «نور» یاد شده است و در آیه‌ی مورد بحث نیز در مورد انجیل می‌فرماید: «در آن هدایت و نور است». شاید این اختلاف تعبیر برای آن باشد که قرآن همه‌ی آیاتش نور است، اما انجیل برخی مطالبش نور است. ۲. همه‌ی کتاب‌های الهی که پیامبران برای بشر آورده‌اند، نورند و انسان را از تاریکی جهل و شرک به طرف نور خدا می‌برند و اصولاً تمام حرکت‌ها، زیبایی‌ها و نیروها از نور سرچشمه می‌گیرند، و اگر نور نباشد، سکوت و مرگ همه جا را فرا می‌گیرد؛ همان‌طور که اگر آموزه‌های پیامبران نباشد، همه‌ی ارزش‌های انسانی به خاموشی می‌گراید، که نمونه‌های آن را در جوامع مادی گرامی بینیم. ۳. «پارسایان» در این آیه، چه کسانی هستند؟ ممکن است منظور کسانی باشند که در جست و جوی حق و آماده‌ی پذیرش آن هستند؛ زیرا افرادی که لجاجت، دشمنی و تعصب، چشم عقل و دل آنان را کور کرده، نمی‌توانند حق را ببینند و بفهمند و از آن پند بگیرند و بهره ببرند. (۱) ۴. در آیه‌ی فوق آمده است که انجیل مطالب و احکام تورات را تصدیق می‌کند و در آیه‌ی قبل مطالبی درباره‌ی «قصاص» از تورات حکایت شده تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۴ است و در انجیل متی نیز می‌خوانیم: شنیده‌اید که گفته شده است، چشمی به چشمی و دندانی به دندانی. (۱) و در جای دیگر انجیل می‌خوانیم: گمان نکنید که آمده‌ام تا تورات یا صیحه‌ی انبیا را باطل سازم؛ نیامده‌ام تا باطل سازم، بلکه تا تمام کنم. (۲) پس، همان‌طور که قرآن اشاره کرده است، حکم قصاص در تورات و انجیل هر دو آمده است. ۵. پیامبران و کتاب‌های الهی آنان هم‌دیگر را تصدیق می‌کنند؛ زیرا همه از یک منبع سرچشمه‌ی می‌گیرند و هم‌چون برنامه‌ها و کتاب‌های کلاس‌های مختلف بشریت هستند که در اصول با یک‌دیگر اختلاف ندارند، ولی جزئیات آنها متفاوت و روبه تکامل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برنامه‌ها و کتاب‌های پیامبران الهی مؤید و مکمل یک‌دیگرند. ۲. کتاب‌های الهی دارای نور و هدایت هستند. ۳. عیسی را فرزند مریم بدانید و به پندهایش احترام بگذارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی مائده به قوانین انجیل اشاره می‌کند و

می‌فرماید: ۴۷. **وَلِيَحْكَمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۵ و اهل انجیل باید بر طبق آنچه خدا در آن فرو فرستاده، داوری کنند. و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری نمی‌کنند، پس تنها آنان نافرمان‌دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود آیه این نیست که به پیروان مسیح علیه السلام دستور دهد که هم اکنون نیز از احکام انجیل پیروی کنند، زیرا با وجود قرآن و اسلام، مسیحیت و احکام آن نسخ شده است بلکه مقصود آن است که ما پس از نزول انجیل بر عیسی، به پیروان او دستور دادیم که طبق آن داوری کنند. «۱» اما شاید بتوان گفت مقصود آن است که طبق مطالب انجیل، مسیحیان موظف بودند از احکام تورات در مورد قصاص و مانند آن پیروی کنند، «۲» همان‌گونه که اکنون نیز موظف‌اند به مفاد بشارت‌های انجیل در مورد آمدن پیامبر آخرالزمان و ایمان به او عمل نمایند. ۲. در آیات ۴۴، ۴۵ و ۴۷ سوره‌ی مائده سه تعبیر «کافر، ظالم و فاسق» برای کسانی به کار رفته است که براساس قوانین الهی داوری نمی‌کنند؛ زیرا هر حکم سه جنبه دارد: قانون‌گذار (خدا)، شخص محکوم و شخص قاضی یا حاکم؛ پس اگر کسی بر خلاف حکم خدا داوری کند، هم قانون الهی را زیر پا گذاشته و کفر ورزیده، هم به انسان‌های بی‌گناه ستم نموده و ظالم شده و هم از مرز وظیفه‌ی خویش خارج شده و فاسق گردیده است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. داوری نکردن طبق قوانین الهی، نافرمانی حق است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۶. ۲. پیروان هر دین در عصر خویش موظف‌اند طبق قوانین الهی همان دین عمل کنند. «۱» ۳. با مسیحیان براساس محتوای اصیل انجیل استدلال کنید و آنها را بدان الزام کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی مائده به نزول قرآن و لزوم داوری طبق آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸. **وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ** و این کتاب: [قرآن را بحق بر تو فرو فرستادیم، در حالی که مؤید کتاب‌های پیش از آن است، و نگهبان بر آن [ها] است؛ پس بر طبق آنچه که خدا فرو فرستاده، در بین آنان داوری کن؛ و از هوس‌های آنان پیروی نکن، در حالی که (منحرف شده‌ای) از آنچه که از (احکام) حق به سوی تو آمده است. برای هر کدام از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم؛ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً شما را یک امت قرار می‌داد، و لیکن (چنین نکرد) تا [اینکه شما را در مورد آنچه به شما داده، بیازماید. پس در نیکی‌ها [بر یکدیگر] پیشی بگیرید؛ بازگشت همه شما، فقط به سوی خداست؛ و شما را (نسبت) به آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردید، خبر خواهد داد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کتاب‌های پیشین را، هم تأیید و هم تکمیل و محافظت می‌کند؛ «۱» زیرا اساساً تمام کتاب‌های الهی، اصول و هدف مشترک و هماهنگ دارند و به دنبال تربیت و تکامل انسان هستند و تفاوت‌های آنها در مسائل فرعی، به خاطر قانون تکامل تدریجی ادیان است که هر آیین تازه، مرحله‌ی بالاتری را می‌پیماید و برنامه‌ی جامع‌تری دارد. ۲. آیات قبل به پیامبر صلی الله علیه و آله اختیار داد که اگر می‌خواهد بین یهودیان داوری کند و یا روی برتابد «۲» و در این آیه به آن حضرت دستور می‌دهد که طبق احکام الهی بین آنان داوری کند. این دو با هم منافات ندارد؛ در این جا مقصود آن است که اگر خواستی میان اهل کتاب داوری کنی، طبق احکام قرآن داوری کن. ۳. در اصطلاح رایج عصر ما، به اصول مشترک ادیان الهی (مثل توحید، نبوت و معاد) دین می‌گویند و به قوانین و احکام ادیان که در ادیان و مذاهب مختلف با هم تفاوت دارند، شریعت گفته می‌شوند. «۳» ۴. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که «شرع و منهاج» اشاره به «سنت و راه پیامبران» است. «۴» و از ابن عباس، شاگرد کلاس تفسیر امام علی علیه السلام، حکایت شده که «شریعت» اشاره به اموری است که در قرآن وارد شده و «منهاج» اشاره به تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۸ اموری است که در سنت وارد گردیده است. «۱» ۵. خدا استعدادهایی در وجود بشر آفریده و در سایه‌ی امتحان و در پرتو آموزه‌های پیامبران، آنها را پرورش می‌دهد و پس از پیمودن یک مرحله، آنها را در مرحله‌ی بالاتری قرار می‌دهد و توسط پیامبران جدید، در کلاس تربیتی عالی‌تری آموزش می‌دهد. ۶. تفاوت‌های ادیان، مذاهب و شریعت‌ها، یکی از

راه‌های امتحان بشر است تا روشن شود که چه کسی به دین حق ایمان می‌آورد و چه کسی کفر و تعصب می‌ورزد و ادیان و مذاهب باطل و منسوخ شده را برمی‌گزینند. ۷. قرآن کریم در آیات متعددی اسلام را دین الهی معرفی کرده «۲» و پیروزی دین حق را پیش‌گویی نموده است؛ «۳» بنابراین قرآن همه‌ی ادیان را بر حق نمی‌داند و پلورالیسم را نمی‌پذیرد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. می‌توان بین اهل کتاب (مانند یهودیان و مسیحیان)، طبق قوانین قرآن داوری نمود. ۲. مبنای داوری شما حق باشد، نه هوای نفس و خواست کافران. ۳. اختلافات ادیان را امتحان الهی بدانید (و به دنبال دین حق باشید). ۴. محور مسابقات شما کارهای نیک باشد. ۵. در نیکوکاری پیش‌تاز باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۳۹ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی مائده در مورد فتنه‌گری گروهی از یهودیان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۹. وَ أَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفِسِقُونَ وَ در میان آنان، بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری کن؛ و از هوس‌های آنان پیروی مکن؛ و از آنان بیمناک باش، [مبادا] تو را در بخشی از آنچه خدا به سوی تو فرو فرستاده، به فتنه در اندازند. (و منحرف سازند). و اگر آنان (از حکم تو) روی برتابند، پس بدان که خدا می‌خواهد آنان را به (سزای) برخی پیامدهای (گناهان) شان برساند؛ و قطعاً بسیاری از مردم نافرمان‌دارند. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی مورد نظر این‌گونه حکایت شده که گروهی از بزرگان یهود توطئه کردند و با هم‌دیگر هم‌داستان شدند، تا شاید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را منحرف سازند. آنان نزد آن حضرت آمدند و گفتند: ما بزرگان یهود هستیم. اگر ما از تو پیروی کنیم، سایر یهودیان نیز به ما می‌پیوندند؛ اگر تو در نزاعی که میان ما و گروهی در گرفته است، به نفع ما داوری کنی، ما به تو ایمان می‌آوریم. اما پیامبر صلی الله علیه و آله از چنین قضاوتی خودداری کرد؛ و آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرو فرستاده شد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پیشین به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شده که «طبق قوانین الهی قرآن، داوری کن.» و در این آیه نیز همان مطلب تکرار شده است. این تکرار یا به تناسب مطالبی است که ذیل آیه‌ی فوق آمده، یا به خاطر تأکید مطلب و یا به خاطر تغییر موضوع این آیه با آیات دیگر است؛ همانطور که در شأن نزول و در برخی احادیث بدان اشاره شده است. «۱» ۲. برخی از گناهان آثار وضعی در دنیا دارند؛ یعنی توفیق هدایت را از انسان می‌گیرند و یا او را گرفتار عذاب می‌کنند و برخی دیگر از گناهان دنیا فقط مجازات اخروی دارند. ۳. در آیه‌ی فوق صریحاً مشخص نشده که چه کیفی به یهودیان خواهد رسید، ولی ممکن است مقصود همان سلب توفیق هدایت و یا سرگردانی و آوارگی باشد که نوعی مجازات برای گناهان است. «۲» ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معصوم از گناه بود، اما گناه کردن برای آن حضرت محال نبود؛ زیرا اگر این‌گونه بود معصوم بودن ایشان جبری محسوب می‌شد و فضیلتی به شمار نمی‌آمد. پس معنای عصمت آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آن‌که توانایی انجام گناه را داشت مرتکب گناه نمی‌شد؛ بنابراین یادآوری‌های خدا و هشدار آیه‌ی فوق، از عوامل مصونیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از گناه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبری (و همه‌ی مسلمانان) مراقب نفوذ فرهنگی دشمن باشند. ۲. بسیاری از مردم نافرمان‌بردارند (پس به حق و ناحق بودن آنان توجه تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۱ کنید نه به کثرت جمعیت نافرمان‌برداران). ۳. مبنای قضاوت شما، وحی الهی باشد، نه میل ارباب رجوع. ۴. برخی از گناهان توفیق استفاده از محضر رهبران الهی و هدایت را سلب می‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی مائده قوانین الهی را با قوانین جاهلیت مقایسه می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْتَعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ وَ آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟! و برای گروهی که یقین دارند، حکم چه کسی از خدا بهتر است؟ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همان‌طور که عرب‌های جاهلی گرفتار خرافات و عادات زشت بودند، برخی طایفه‌های یهود نیز گرفتار تبعیض‌های عجیب جاهلی بودند؛ برای مثال، اگر کسی از طایفه‌ی بنی‌نضیر کشته می‌شد، قاتل قصاص می‌شد ولی اگر کسی از طایفه‌ی بنی‌قریظه کشته می‌شد، قاتل قصاص نمی‌شد؛ و در مورد دیه و خون‌بها نیز تبعیضاتی وجود داشت. آیه‌ی فوق بیان می‌کند که این تبعیضات نشانه‌ی جاهلیت است و در احکام الهی هیچ‌گونه تبعیضی در

میان مردم روا نیست. ۲. مقصود از جاهلیت دوره‌ای است که انسان از دانش و دین جدا شود؛ پس جاهلیت مخصوص عرب قبل از اسلام نیست بلکه ممکن است در جوامع امروز جهان نیز جاهلیت جدیدی رخ نماید. ۳. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند: حکم دو گونه است: حکم خدا و حکم جاهلیت؛ پس هر کس حکم تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۲ خدا را رها کند، به حکم جاهلیت تن در داده است. «۱» ۴. بهترین قانون آن است که قانون‌گذار دارای شرایط زیر باشد: الف) از تمام اسرار هستی و انسان، در حال و آینده آگاه باشد؛ ب) اهداف انتفاعی نداشته باشد؛ ج) هیچ لغزش عمدی یا سهوی نداشته باشد؛ د) از هیچ قدرتی نهراسد؛ ه) خیرخواه همگان باشد. این شرایط قانون‌گذاری فقط در خدای متعال وجود دارد؛ پس قانون الهی بهترین قانون است. «۲» ۵. قوانین بشری معمولاً تحت تأثیر هوس، ترس، طمع، جهل، خطا و خیال انسان‌هاست؛ از این رو نمی‌تواند انسان را به سعادت ابدی رهنمون شود، مگر آن‌که در چهارچوب قوانین کلی الهی وضع شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کسانی که با داشتن احکام و قوانین الهی، به سراغ قوانین بشری می‌روند، در مسیر جاهلیت گام برمی‌دارند. ۲. به دنبال قوانین الهی باشید که بهترین قوانین است. ۳. شرط استفاده از قوانین سعادت بخش الهی، یقین (و باور و عمل) به آنهاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۳

سرپرستی و ولایت مسلمانان

سرپرستی و ولایت مسلمانان قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی مائده در مورد دوستی و هم‌پیمانی با یهودیان و مسیحیان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهودیان و مسیحیان را هم‌پیمانان [و دوستان خود] مگیرید، برخی آنان هم‌پیمانان [و دوستان برخی] دیگر] ند. و هر که از شما با آنان هم‌پیمان [و دوست شود، پس در حقیقت او از آنان است؛ براستی که خدا، گروه ستمکاران را رهنمایی نمی‌کند. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده که بعد از جنگ بدر، یکی از اصحاب به نام عبادة، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کرد: من هم‌پیمانی از یهود دارم که نیرومندند، ولی اکنون که آنان در مقابل مسلمانان صف می‌کشند، من دوستی و هم‌پیمانی با آنان را قطع می‌کنم و تنها با خدا و پیامبرش هم‌پیمان هستم. ولی «عبد الله بن ابی»، منافق مشهور، گفت: من از هم‌پیمانی با یهود دوری نمی‌جویم؛ زیرا به آنان نیازمندم و از حوادث مشکل می‌ترسم. سپس بر اثر اظهار نگرانی و نصیحت پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهراً با یهود قطع رابطه کرد و آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد در این مورد فرود آمد و دو خط فکری و بینش اجتماعی را مطرح و سرانجام هر کدام را گوش زد کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جامعه‌ی عرب صدر اسلام، هم‌پیمانی رواج داشت و از آن با عنوان «ولاء» یاد می‌شد. «۲» در این آیه اشاره شده که مسلمانان با یهودیان و مسیحیان هم‌پیمان تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۴ نگردند و بر دوستی آنها تکیه نکنند و هر کس چنین کند از یهودیان و مسیحیان به شمار می‌آید؛ زیرا لازمه‌ی هم‌پیمانی با آنان، عمل به پیمان و هم‌دست شدن با آنها بر ضد اسلام و مسلمانان است. ۲. ایمان به خدا ایجاب می‌کند که با یهودیان و مسیحیان هم‌پیمان و دوست نشوید و به عبارت دیگر، تبری از دشمنان، لازمه‌ی ایمان است. این یکی از ارکان سیاست خارجی اسلام و مسلمانان است. ۳. مقصود آیه‌ی فوق آن نیست که کلیه‌ی روابط تجاری و اجتماعی مسلمانان با کفار قطع شود، بلکه مراد آن است که مثل دوستان و مسلمانان دیگر، با آنان رابطه‌ی دوستانه نداشته باشید و هم‌پیمان نشوید که هم‌پیمانی با آنان مستلزم کمک به آنان و خیانت و ظلم به جامعه‌ی اسلامی و مسلمانان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در روابط سیاسی با کافران تجدید نظر کنید و بر ولایت، هم‌پیمانی و دوستی آنان تکیه نکنید. ۲. هر شخص یا دولتی که ولایت کافران را بپذیرد، جزئی از آنان به شمار می‌آید. ۳. کافران حامی یک‌دیگر و به فکر خویش هستند (و تا زمانی که پای منافع خودشان در میان باشد، هرگز به شما کمک نخواهند کرد). ۴. هر کس ولایت کافران را بپذیرد، بر خویش و جامعه و نظام

اسلامی ستم روا داشته است. (۱) *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی مائده به بهانه‌تراشی منافقان برای دوستی و هم‌پیمانی با کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۵ ۵۲. فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْنُ سَيِّئَاتٌ لِّئَلَّا نُكَلِّمَهُم بِأَلْسِنَتِنَا أَوْ أُمَّرٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَصَبِّحُوا عَلٰى مَا أَسْرَأُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدِمِينَ وَ مِ بِنِي، کسانی را که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، در (هم‌پیمانی و دوستی با) آنان، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، در حالی که می‌گویند: «هراس داریم حادثه‌ای به ما در رسد.» و امید است خدا پیروزی یا چیزی از نزدش (به نفع مسلمانان پیش) آورد، تا (آنان) از آنچه در دل‌هایشان پنهان داشتند، پشیمان گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در شأن نزول آیه «۱» سخن از دو نفر به نام‌های «عباده» و «عبدالله بن ابی» بود. این دو نفر به عنوان دو شخصیت تاریخی مطرح نیستند، بلکه نماینده‌ی دو مکتب فکری و بینش اجتماعی هستند که هم اکنون نیز در جوامع اسلامی وجود دارند. یک دیدگاه می‌گوید: باید از قدرت‌های استکباری برید و نباید زمام کار مسلمانان را به دست آنان داد و به کمک‌ها و دوستی آنها اطمینان کرد. و دیدگاه دوم می‌گوید: در این دنیای پرغوغا، هر شخص و ملتی تکیه گاهی می‌خواهد و مصلحت اقتضا می‌کند که با یهودیان و مسیحیان هم‌پیمان باشیم؛ چرا که این دوستی با ارزش است، و در گرفتاری‌ها ثمربخش است. قرآن دیدگاه دوم را به شدت می‌کوبد و به مسلمانان هشدار می‌دهد که از این مکتب فکری و بینش اجتماعی پیروی نکنند. تاریخ نیز نشان داده است که بسیاری از بدبختی‌های مسلمانان از همین نقطه سرچشمه می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۶ تابلوی آندلس، امپراطوری عثمانی، ایران قبل از انقلاب اسلامی، فلسطین، افغانستان و عراق جلوی چشمان ما و مایه‌ی عبرت همه‌ی نسل‌هاست و نشان می‌دهد که چگونه بیگانگان، با مسلمانان طرح دوستی و یاری انداختند ولی دیری نپایید که راه خود را جدا کردند و ضربه‌های کاری بر پیکر مسلمانان زدند. آری، امروز بیش از هر زمان دیگر لازم است که مسلمانان به ندای آزادی بخش قرآن در این آیات توجه کنند و دست دوستی و هم‌پیمانی به کافران و ابرقدرت‌های مستکبر ندهند که سرانجام آن پشیمانی است. ۲. منافقان بیماردل به سرعت به سوی دوستی با کافران می‌روند و می‌گویند ما از حوادث «۱» آینده می‌هراسیم؛ ولی قرآن از دو راه به منافقان پاسخ می‌دهد: نخست آن‌که، این‌گونه سخنان از قلب‌های بیمار و ایمان‌های متزلزل کسانی برمی‌خیزد که نسبت به خدا سوء ظن دارند. و دیگر آن‌که آیا در نظر شما احتمال پیروزی فقط برای کفار وجود دارد و برای مسلمانان وجود ندارد؟! یا مسلمان باش یا کافر، دورویی تا به کی یا مقیم کعبه شو یا ساکن بت‌خانه باش ۳. در آیه‌ی فوق یکی از این دو وعده به مسلمانان داده شده است: یا مسلمانان بر دشمنان خود از طریق جنگ پیروز می‌شوند و یا بدون جنگ آن قدر قدرت می‌یابند که دشمن تسلیم می‌شود؛ یعنی واژه‌ی «فتح» به پیروزی نظامی و واژه‌ی «امر» به پیروزی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۷ اشاره دارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انگیزه‌ی هم‌پیمانی ذلت‌بار با کافران، بیماردلی و وحشت از غیر خداست. ۲. مسلمانان به پیروزی و گسترش اسلام امیدوار باشند. «۲» «۳». از حرکت شتاب‌آلود منافقان به سوی کفار نگران نباشید که سرانجام پشیمان می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی مائده به نشانه‌های منافقان و فرجام زیانبار آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳. وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَ هُوَ لَمْ آءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فَأَصْبَحُوا خُسِرِينَ وَ کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: «آیا این (منافق) ان کسانی هستند که با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند: که قطعاً آنان با شما هستند؟! اعمالشان تباه گردید، و زیانکار شدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که منافقان بیماردل، با شتاب به سوی کافران می‌روند و با آنان هم‌پیمان می‌شوند، مؤمنان چهره‌ی واقعی آنان را می‌شناسند؛ کسانی که تا دیروز سوگند یاد می‌کردند که ما با شما مسلمانان هستیم، اکنون هم‌پیمان کفر شده‌اند؛ آنان اعمال گذشته‌ی خود را نابود کرده «۳» و زیانکار شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۸ ۲. منافقان قسم می‌خورند که با مؤمنان هستند ولی به سوگند خود پای‌بند نیستند و همین یکی از نشانه‌های نفاق آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نابودی اعمال و زیانکاری، از ثمرات نفاق است. ۲. مواظب باشید، فریب سوگندهای منافقان را نخورید. ۳. منافقان را از سوگندهای دروغین (و هم‌پیمانی با کافران) بشناسید. ***

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی مائده به دو گروه مرتدان و دوستان خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَأَائِمٍّ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ آي کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دین خود باز گردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند)؛ و در آینده خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن، و در برابر کافران شکست‌ناپذیرند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند، و از هیچ سرزنش ملامتگری ترس ندارند؛ این، بخشش خداست آن را به هر کس بخواهد (و شایسته بدانند) می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق سخن از دو گروه مرتدان و دوستان خداست؛ نخست به مرتدانی که از آیین اسلام رو برمی‌گردانند، اشاره می‌کند و با بیان یک قانون کلی، به همه‌ی مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر کسانی از شما، از دین خود بیرون روند، (زیانی به خدا و آیین او و جامعه‌ی مسلمانان و آهنگ سریع پیش رفت آن نمی‌رسانند) خدا، در آینده، گروهی را برای حمایت از این تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۴۹ آیین برمی‌انگیزد. ۲. در بخش دوم آیه، به دوستان خدا که باید رسالت حمایت از اسلام را بر دوش گیرند، اشاره می‌کند و ویژگی‌ها و صفات این گروه را این گونه برمی‌شمارد: الف) آنان به خدا عشق می‌ورزند و جز به خشنودی او نمی‌اندیشند. ب) خدا نیز آنان را دوست دارد. ج) در برابر مؤمنان خاضع و مهربان هستند. د) در برابر دشمنان ستمکار، سرسخت و پر قدرت‌اند. ه) به صورت مستمر در راه خدا جهاد می‌کنند. و) در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق، از سرزنش هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند (یعنی عوام‌زده و محیط زده نمی‌شوند). آن نه عشق است که از دل به دهان می‌آید و آن نه عاشق که ز معشوق به جان می‌آید گو برو در پس زانوی سلامت بنشین آن که از دست ملامت به فغان می‌آید (سعدی) ۳. در مورد مقصود از گروه دوم، یعنی محبوبان خدا که دارای صفات فوق هستند، سه دیدگاه وجود دارد. الف) در احادیث زیادی از شیعه و اهل سنت آمده است که مقصود آیه، امام علی علیه السلام در فتح خیبر است؛ از همین روست که در جنگ خیبر هنگامی که سپاه اسلام نتوانست بر دشمن پیروز شود، شبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رو به سپاهیان کردند و گفتند: «فردا پرچم را به دست کسی می‌سپارم که خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند، پی‌درپی بر دشمن حمله می‌کند و هیچ‌گاه از برابر آنان نمی‌گریزد و از این میدان بر نمی‌گردد، تا تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۰ این که خدا به دست او پیروزی را نصیب مسلمانان کند.» (ب) در برخی احادیث آمده است که مقصود این آیه امام علی علیه السلام در مبارزه با ناکثین، قاسطین و مارقین (آتش‌افروزان جنگ جمل، صفین و خوارج) است؛ یعنی مقصود از مرتدان، غاصبین حق آل محمد صلی الله علیه و آله و مخالفان آنها باشد. (۲) ج) در برخی احادیث آمده است که آیه‌ی فوق در مورد یاران مهدی علیه السلام است که با تمام قدرت در برابر مخالفان حق می‌ایستند و جهان را پر از ایمان و عدل و داد می‌کنند. (۳) د) در برخی از احادیث حکایت شده که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد آیه‌ی فوق سؤال کردند و ایشان دست بر کتف سلمان فارسی زدند و فرمودند: «این و یارانش و هم‌وطنانش هستند.» (اگر دین (یا علم) به ستاره‌ی ثریا بسته باشد، (و در آسمان‌ها قرار گیرد)، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت.» (۴) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، با این عبارت، در مورد اسلام آوردن ایرانیان و تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۱ کوشش‌های پرثمر آنها برای پیشرفت اسلام، پیش‌گویی کردند. تذکر: به نظر می‌رسد که چهار تفسیر فوق تضادی با یک‌دیگر ندارند؛ یعنی قرآن یک مفهوم کلی و جامع را بیان کرده و در احادیث به مهم‌ترین مصادیق و موارد آن اشاره شده است؛ پس آیه‌ی فوق ملت‌ها و افراد دیگری را نیز شامل می‌شود که شش صفت مذکور در این آیه را داشته باشند و برنامه‌های آن را دنبال کنند. ۴. دوستان خدا، با برادران دینی نرم‌خو هستند و در برابر دشمنان خدا سرسخت‌اند، پس نرمش و خشونت هر کدام در جای خود مناسب‌اند و اسلام هیچ‌کدام را به صورت مطلق نمی‌پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محبت خدا و توفیق جهاد در راه او و قاطعیت در دین، همه از مظاهر لطف و فضل الهی است. ۲. دوستی دوطرفه با خدا، مطلوب حق است (که این نوع دوستی با لطف و توفیق الهی حاصل می‌شود). ۳. احتمال

ارتداد و بازگشت از دین برای مؤمنان نیز وجود دارد (پس هر کس باید به فکر حسن عاقبت خویش باشد). ۴. در آینده، ملت‌ها و افرادی خواهند آمد که دین خدا را یاری می‌کنند (پس بکوشید که از آنان باشید). ۵. دوستان حق‌مدار خدا، در راه ایمان و شکستن سنت‌ها و عادات جاهلی، از سرزنش‌ها و تبلیغات سوء دشمنان هراسی نداشته باشند (و دچار عوام زدگی و جوّزدگی نشوند). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی مائده به ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام بر مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رِكَعُونَ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۲ سرپرست شما، تنها خدا و فرستاده او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ می‌باشند (همان) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند، و در حالی که آنان در رکوعند، زکات می‌دهند. شأن نزول: در احادیث متعدد شیعه و اهل سنت این گونه حکایت شده که روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اصحاب در مسجد نماز می‌خواندند و نیازمندی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد. او رو به سوی آسمان کرد و شکایت نمود. در همین حال علی علیه السلام که در حال رکوع بود، با انگشت دست راست اشاره کرد و شخص نیازمند نزدیک آمد و انگشت علی علیه السلام را بیرون آورد. پس از این جریان و بعد از اتمام نماز، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حق علی علیه السلام دعا کردند و از خدا خواستند تا او را وزیر آن حضرت گرداند. هنوز دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که فرشته‌ی وحی فرود آمد و آیه‌ی فوق را بر حضرت نازل کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان نزول آیه‌ی فوق در مورد امام علی علیه السلام و زکات دادن یا انفاق کردن ایشان در حال رکوع، از بیش از ده نفر از صحابه‌ی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، مثل عمار یاسر، جابر بن عبد الله انصاری و ابوذر غفاری حکایت شده است؛ «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۳ همان‌طور که از خود امام علی علیه السلام نیز نقل شده است. «۱» و حتی حضرت در روز صفین به این آیه استدلال کردند. «۲» از ابوذر حکایت شده که امام علی در روز «شوری» نیز به این آیه استدلال کردند؛ «۳» و حتی حسان بن ثابت، شاعر معروف عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، مطلب فوق را به صورت شعر در آورد. «۴» ۲. امام علی علیه السلام در حال نماز به غیر خدا توجه نمی‌کرد، اما همان امام، در حال رکوع، در حالی که به خدا توجه دارد، به یک نیازمند نیز توجه دارد؛ این دو توجه در یک راستاست؛ یعنی توجه به فقیر، توجه به خود نیست، بلکه در طول توجه به خدا و در راستای آن است؛ آری، توجه به خلق خدا، ضروری به اخلاص برای خدا نمی‌زند. ۳. واژه‌ی «وَلِيٌّ» در اصل به معنای نزدیکی و توالی دو چیز است و به معنای سرپرست، صاحب اختیار و متصرف، رهبری مادی و معنوی، دوست و یاور می‌آید. در این جا مقصود دوستی و یآوری نیست؛ چون دوستی و یاری مؤمنان یک حکم کلی است که شامل همه‌ی مؤمنان می‌شود و نه فقط مؤمنانی که در حال نماز زکات می‌دهند. از این جا روشن می‌شود که واژه‌ی «وَلِيٌّ» در این آیه به معنای سرپرست و تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۴ صاحب اختیار بودن و رهبری مادی و معنوی است که در ردیف ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد. «۱» ۴. ولایت مخصوص خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است؛ «۲» و نوع ولایت آنها هم‌سان، و روح ولایت آنها یکی است. «۳» ۵. آیه‌ی فوق ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام را اثبات می‌کند، اما با الغای خصوصیت، و وجود صفات امامت در بقیه‌ی امامان، شامل آنان نیز می‌شود؛ همان‌طور که در برخی روایات به این مطلب اشاره شده «۴» و برخی از مفسران نیز این مطلب را از مضارع بودن برخی افعال آیه استفاده کرده‌اند که دلالت بر استمرار دارد. «۵» ۶. آیه‌ی فوق به نصب رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام (و امامان بعد از او) به ولایت و امامت اشاره دارد؛ همان‌گونه که در زمان غیبت امام، این ولایت و رهبری با ولایت فقیه استمرار می‌یابد. ۷. واژه‌ی «رُكُوعٌ» در اصل لغت به معنای خضوع است، اما در بین مسلمانان و در بسیاری از آیات قرآن، «رُكُوعٌ» به معنای خم شدن (در حال نماز) است که در این جا نیز معنای دوم مراد است و در هیچ جای قرآن از ما خواسته نشده که زکات را همراه با خضوع بپردازیم. ۸. واژه‌ی «زکات» به معنای مالیات واجب اسلامی می‌آید و نیز به معنای هر گونه انفاق مستحبی، در سوره‌های مکی قرآن آمده است. «۶» در آیه‌ی فوق می‌تواند یکی از دو معنا مقصود باشد، چرا

که امام علی علیه السلام تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۵ در جنگ‌های اسلامی یک سرباز فعال بود و غنایمی به دست می‌آورد و در مدینه نیز کشاورزی می‌کرد و بعید نیست که به اموال ایشان زکات تعلق گرفته باشد. و از طرف دیگر دادن انگشتی ارزان قیمت «۱»، به عنوان انفاق و بخشش به فقیر، در شأن امام علی علیه السلام بود. ۹. واژه‌ی «الْمَدِين» در آیه‌ی فوق جمع است، ولی در مورد امام علی علیه السلام به کار رفته است که یک نفر است. این نوع کاربرد واژه‌ها در ادبیات عرب رایج است و در خود قرآن نیز در موارد مکرر دیده می‌شود. «۲» ۱۰. انجام کارهای جزئی، نماز را باطل نمی‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ولایت و سرپرستی امت اسلام، با خدا و رهبران الهی است. ۲. ولایت مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله با مؤمنی مشخص (به نام علی علیه السلام) است. ۳. (در همه حال)، حتی در حال نماز، به یاری نیازمندان بشتابید. ۴. پیوند با خدا و خلق را همراه سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی مائده به پیروان ولایت و حزب الله وعده‌ی پیروزی می‌دهد و می‌فرماید: ۵۶. وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ و هر کس که ولایت خدا و فرستاده او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، بپذیرد، پس (از حزب خداست و) برآستی که تنها، حزب خدا پیروزمند است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه نیز، هم چون آیه‌ی قبل، «ولایت» به معنای سرپرستی و رهبری و حق تصرف در امور است؛ چرا که تعبیر «حزب الله» و پیروزی آن به کار رفته است. در معنای «حزب» یک نوع تشکل، هم‌بستگی و اجتماع برای تأمین اهداف مشترک وجود دارد؛ از این رو این واژه به حکومت اسلامی مربوط می‌شود. ۲. مقصود از پیروزی «حزب الله» که در آیه‌ی فوق بدان اشاره شده، هر گونه پیروزی مادی و معنوی است؛ یعنی اگر افرادی جزء حزب خدا قرار گیرند، بدون تردید، در تمام زمینه‌ها پیروز می‌شوند. ۳. حزب الله به کسانی گفته می‌شود که دارای ایمان محکم، پارسایی و اعمال شایسته، اتحاد و همبستگی، آگاهی و آمادگی کافی باشند «۱» و تنها ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته باشند. اگر مسلمانان همگی چنین صفاتی داشته باشند، پیروزند و اگر برخی از مسلمانان پیروز نمی‌شوند، به خاطر آن است که شرایط عضویت در حزب الله را پیدا نکرده‌اند و به جای اتحاد و مقابله با دشمن به تضعیف نیروهای یک‌دیگر می‌پردازند. ۴. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که ما و شیعیان ما حزب الله هستیم، که پیروزند. «۲» روشن است که این گونه احادیث مصادیق حزب الله را مشخص می‌کند و دلالت دارد که پیروزی نهایی از آن پیروان اهل بیت علیهم السلام است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی نهایی تنها برای پیروان ولایت است. ۲. پیروان ولایت، حزب الله هستند. ۳. پیروان ولایت به صورت تشکیلاتی عمل کنند و حزب الهی تشکیل دهند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی مائده در مورد دوستی با کافران به مؤمنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (افرادی) از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده، که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند، و کافران را، دوستان [خود] مگیرید؛ و اگر مؤمنید، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کیفر کسی که دین و مقدسات را مسخره نماید و آنها را به بازی بگیرد، آن است که مسلمانان با او قطع رابطه کنند و دوستی ننمایند. ۲. واژه‌ی «هُزُو» به معنای سخنان یا حرکات مسخره‌آمیزی است که برای بی‌ارزش نشان دادن موضوعی انجام می‌شود و بیش‌تر به شوخی یا مسخره کردن دیگران در غیاب آنها گفته می‌شود «۱». ۳. واژه‌ی «لَعِب» معمولاً به کارهایی گفته می‌شود که هدف صحیحی در انجام آن نیست و یا اصلاً بدون هدف انجام می‌گیرد؛ از این رو بازی کودکان را تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۸ «لَعِب» گویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معیار و زیربنای دوستی‌های شما مکتب و احترام به آن باشد. ۲. لازمه‌ی داشتن ایمان، پارسایی و تقوایم است. ۳. لازمه‌ی ایمان‌داری، دوری جستن از توهین‌کنندگان به دین است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی مائده به ریشخند مقدسات دینی و عوامل آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸. وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّمْ يَْعْقِلُونَ و هنگامی که (مردم را با اذان) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این بخاطر آن

است که آنان گروهی هستند، که خردورزی نمی‌کنند. شأن نزول: حکایت شده که برخی از مسیحیان مدینه، هنگامی که صدای اذان مسلمانان را می‌شنیدند، آن را مسخره می‌کردند؛ و قرآن کریم با نزول آیه‌ی فوق این عمل را سرزنش کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق به «اذان» یا شعار امت اسلام اشاره شده است. هر ملت و مذهبی برای فراخوان به سوی وظایف فردی و اجتماعی خویش، شعاری دارند. مسیحیان از ناقوس کلیسا استفاده می‌کنند، که مفهوم چندانی ندارد، اما مسلمانان از سرود پر محتوا و جذاب اذان استفاده می‌کنند؛ شعاری که با نام خدا آغاز می‌گردد و با یادآوری یگانگی او و گواهی به رسالت پیامبر اوج تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۵۹ می‌گیرد «۱» و با دعوت مردم به رستگاری و فلاح و عمل نیک ادامه می‌یابد، آن‌گاه همگان را به سوی نماز فرا می‌خواند و با یاد خدا پایان می‌پذیرد. همه‌ی جمله‌های اذان، کوتاه، موزون، روشن، سازنده و آگاهی‌بخش است. ۲. در احادیث اسلامی بر «اذان گفتن» تأکید زیادی شده است. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که اذان‌گویان، در روز رستاخیز، به اندازه‌ی یک سر و گردن از دیگران بلندترند. «۲» که این بلندی قد، نمودی از پیش‌تازی و فراخوانی آنان به سوی یاد خدا و نماز است. ۳. در برخی از احادیث، از امام صادق علیه السلام حکایت شده که اذان از طریق وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله تعلیم داده شد و سپس علی علیه السلام آن را به بلال آموزش دادند. «۳» ۴. ندا کردن برای نماز و علنی کردن آن مطلوب است؛ پس در جامعه‌ی اسلامی می‌توان برای نماز تبلیغ کرد و کسی هم نباید مزاحم این کار شود. ۵. کسانی که مسخره می‌کنند و با اذان و نماز سبک‌سرانه مخالفت می‌ورزند، در حقیقت تفکر نمی‌کنند و انسان‌هایی بی‌خردند؛ زیرا اگر تعقل تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۰ می‌کردند به اهمیت شعار اذان و پیوند با خدا از طریق نماز، پی می‌بردند و با آن مخالفت نمی‌کردند؛ و ریشخند کردن کارها نیز نشانه‌ی سبک‌سری و کم‌خردی است. ۶. مؤمنان نباید با کسانی که اذان و نماز را مسخره می‌کنند، دوستی داشته باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ریشخند کردن و به بازی گرفتن نماز، نشانه‌ی کم‌خردی است. ۲. با توهین کنندگان به نماز، دوستی خود را قطع کنید. ۳. برای فراخواندن به سوی نماز، ندا دهید (و اذان بگویید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی مائده به خرده‌گیری و نافرمانی اهل کتاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَأْمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَسِقُونَ بگو: «ای اهل کتاب! آیا از ما انتقام می‌گیرید، جز بخاطر اینکه به خدا، و آنچه به سوی ما فرود آمده، و آنچه پیش (از این) فرو فرستاده شده، ایمان آورده‌ایم؟! و اینکه اکثر شما نافرمان‌نارید.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از یهودیان نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و درخواست کردند تا عقاید پیامبر را بدانند و حضرت ایمان به خدا و آنچه بر ابراهیم، اسماعیل و اسحاق و یعقوب و موسی و عیسی و همه‌ی پیامبران - علی نبینا و آله و علیهم السلام - نازل شده را مطرح کردند، اما یهودیان گفتند: ما عیسی را نمی‌شناسیم و به پیامبری نمی‌پذیریم و هیچ آیینی بدتر از آیین شما سراغ نداریم. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۱ آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق در حقیقت به گوشه‌ای از لجاجت‌ها و تعصب‌های بی‌مورد یهودیان (و مسیحیان) اشاره می‌کند که برای غیر آیین خود ارزشی قایل نبودند و به خاطر تعصب شدید، حق را باطل می‌پنداشتند. آری، در محیط‌های آلوده، که اکثر افراد فاسق‌اند، گاهی مقیاس حق و باطل دگرگون می‌شود و اعمال و عقاید نادرست، زیبا و حق جلوه می‌کند و ایمان به خدا و وحی جرم به شمار می‌آید و این همان مسخ فکری است. ۲. در آیه‌ی فوق همه‌ی یهودیان و مسیحیان مورد انتقاد و سرزنش قرار نمی‌گیرند، بلکه با لفظ «اکثر»، حساب اقلیت صالح و نیکوکار از آنان جدا می‌شود؛ و این نوعی رعایت عدالت و انصاف در برخورد با دشمن است. ۳. واژه‌ی «تَنْقُمُونَ» در اصل به معنای انکار چیزی با زبان یا عمل و یا مجازات کردن کسی است؛ و در این جا نوعی خرده‌گیری و انتقاد و انکار مورد نظر است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشمنی کفار با مسلمانان به خاطر ایمان آنهاست. «۳» ۲. برخوردهای نامناسب کافران با مسلمانان، ریشه در فسق و نافرمانی آنها دارد. ۳. از فسق و کفر بپرهیزید که انسان را به مقابله با ایمان و وحی می‌کشاند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی مائده سرنوشت افراد با ایمان را با کافران مقایسه

می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. قُلْ هَيْلًا أَتَيْتُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مُتَوَيَّةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْ لَعْنَةِ اللَّهِ وَعَظَبِ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَءَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطُّغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ بگو: «آیا شما را به کیفری بدتر از این در نزد خدا خبر دهم؟ کسی که خدا او را از رحمت خود دور ساخته، و بر او خشم گرفته، و از آنان میمون‌ها و خوک‌هایی قرار داده، و معبود (ان طغیانگر و بت‌ها) را پرستش کرده‌اند، منزلت آنان بدتر؛ و از راه راست، گمراه‌ترند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق «ایمان به خدا» را با اعمال و عقاید انحرافی اهل کتاب مقایسه، و اشاره می‌کند که «کیفر (۱)» کدام یک بدتر است! ۱. این در حقیقت نوعی کنایه است؛ همان‌طور که گاهی در پاسخ افراد ناپاک می‌گوییم: «آیا پاک‌دامنان بدترند یا آلودگان!»؛ و گرنه ایمان و پاکدامنی چیز بدی نیست. ۲. در این آیه به چند ویژگی اهل کتاب (به ویژه یهودیان) اشاره شده است: الف) مورد لعنت خدا قرار گرفتند و از رحمت الهی دور شدند. «۲» ب) مورد خشم الهی قرار گرفتند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۳ ج) به خاطر اعمالشان، به صورت میمون و خوک مسخ شدند. د) طاغوت پرست شدند. از این رو یهودیان به دو کیفر الهی گرفتار شدند: منزلت بد و گمراهی از راه راست. «۱» ۳. در آیه‌ی فوق به طاغوت پرستی اهل کتاب اشاره شده است. این مطلب، یا اشاره به گوساله‌پرستی یهود است و یا اشاره به تسلیم بی‌قید و شرط آنها در برابر رهبران منحرف. و در مورد «طاغوت»، قبلاً ذیل آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره و ۵۱ سوره‌ی نساء بیان کردیم که مقصود شیطان یا هر معبودی غیر از خداست. ۴. در مورد مسخ برخی از یهودیان به صورت میمون و خوک، و این که آیا این مسخ دگرگون شدن چهره‌ی جسمانی بوده، یا دگرگونی چهره‌ی فکری و اخلاقی و روحی، در ذیل آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی بقره مطالبی گذشت و ذیل آیه‌ی ۱۶۳ سوره‌ی اعراف نیز مطالبی بیان خواهیم کرد. ۵. خدای متعال در مقابل خرده‌گیری و مسخره کردن دین به شدت واکنش نشان می‌دهد و افشاگری می‌کند. آری، ریشه‌ی مسخره کردن دیگران، غرور و خودبرتربینی است، که این توهم با ذکر سوابق ننگین افراد، ریشه‌کن می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (از تبلیغات سوء یهودیان و توهین و استهزای آنان نهراسید، که یهودیان، تاریخ رسوایی دارند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۴ ۲. برخی از اهل کتاب مورد لعنت و خشم الهی قرار گرفته و گمراه گشته‌اند. ۳. با مقایسه‌ی سرنوشت اهل کتاب با مؤمنان، به حقایق مؤمنان پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی مائده به سخنان ریاکارانه‌ی منافقان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. وَإِذَا جَاءَ وَكُم قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ و هنگامی که نزد شما می‌آیند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» و [لی بیقین با کفر وارد شدند، و بیقین آنان با آن [کفر] خارج گردیدند؛ و خدا، به آنچه همواره پنهان می‌کردند، داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دوچهرگی منافقان اهل کتاب اشاره کرده که به ظاهر ایمان می‌آورند و داخل اسلام می‌شوند، ولی در حقیقت کافرند. ۲. اسلام منافقان دوام ندارد و استدلال و منطق و معجزات و آیات الهی بر آنان اثر نمی‌کند و به زودی به حالت کفر بازمی‌گردند؛ پس برای ایمان آنان حساب باز نکنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب ایمان ظاهری و چهره‌ی حق به جانب منافقان را نخورید، که آنان در حقیقت کافرند. ۲. خدا از خود انسان‌ها به کارهای پنهان‌شان آگاه‌تر است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۵ ۳. به ایمان منافقان دل نبندید که پایدار نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی مائده به کردار گناه‌آلود و نشانه‌های نفاق اهل کتاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكَلِهِمُ الشُّحْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و می‌بینی که بسیاری از آنان در گناه و تجاوز و حرام‌خواریشان، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ واقعاً چه بد است آنچه همواره انجام می‌دادند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نشانه‌های منافقان کفرپیشه آن است که در گناه و ستم و حرام‌خواری مسابقه می‌گذارند. آنان هیچ شرم و حیایی ندارند و با افتخار به طرف گناه پیش می‌روند و بر آن اصرار دارند؛ یعنی سبقت گرفتن در گناه روش و عادت آنها شده و اتفاقی نیست. «۱» ۲. در آیه‌ی فوق به نمادهای فساد، یعنی «گناه، ظلم و ثروت حرام» اشاره شده است، یعنی به فساد معنوی و اخلاقی افراد با عنوان «اثم» و به فساد اقتصادی با عنوان «سُحْت» و به فساد اجتماعی و ستم به دیگران با عنوان «عُدْوَان» اشاره گردیده است. «۲» ۳. قرآن کریم بار دیگر، با واژه‌ی «کثیر» به این نکته اشاره می‌کند که برخی از اهل کتاب به طرف کردار

گناه‌آلود سبقت نمی‌گیرند؛ و بدین ترتیب، آن اقلیت را سرزنش نمی‌کند و این نوعی رعایت انصاف در انتقاد از دشمنان است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۶. ۴. سیمای غالب جامعه‌ی کفرآمیز و نفاق‌آلود، سبقت در فساد و گناه است؛ همان‌طور که از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که سیمای جامعه‌ی ایمانی و اسلامی، سبقت در نیکی‌هاست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان اهل کتاب را از اعمال گناه‌آلود، ستم‌کاری و حرام‌خواری آنان بشناسید. ۲. مسابقات گناه‌آلود، خلافکاری است (که شیوه‌ی اهل کتاب است). ۳. به سوی گناه، ستم‌کاری و حرام‌خواری نشتابید (که این‌ها شیوه‌ی منافقان است). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی مائده دانشمندان اهل کتاب را به شدت سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. لَوْ لَمَّا يَهْتُمُّمُ الرَّبِّيُّونَ وَالْأَخْيَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْبِائِسُ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْرَتِ لَمِيسَسَ مَيَا كَانُوا يَصْنَعُونَ نَعُونَ چرا (علمای) ربّیانی و دانشمندان (نیکو اثر)، آنان را از سخنان گناه (آلود) شان و حرام‌خواریشان، منع نمی‌کنند؟! واقعاً چه بد است، آنچه را که همواره با زیرکی انجام می‌دادند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دانشمندان موظف‌اند مردم را هم از سخنان گناه‌آلود باز دارند و هم از اعمال گناه‌آلود نهی کنند؛ آنان برای اصلاح یک جامعه، نخست باید افکار و اعتقادات نادرست مردم را تغییر دهند؛ زیرا تا در افکار مردم انقلاب پیدا تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۷ نشود، نمی‌توان انتظار اصلاح اعمال آنان را داشت. «۱» ۲. دانشمندان آگاهانه و با مهارت از وظیفه‌ی خود سرباز می‌زنند، پس در خور سرزنش بیش‌تری هستند. ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که اقوام گذشته به این جهت هلاک شدند که مرتکب گناهان می‌شدند و دانشمندانشان سکوت می‌کردند و نهی از منکر نمی‌کردند؛ در این هنگام بلاها و کيفرهای الهی بر آنان فرود می‌آمد؛ پس شما ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید، تا به سرنوشت آنان دچار نشوید. «۲» ۴. از ابن عباس، شاگرد تفسیری امام علی علیه السلام، حکایت شده که این آیه شدیدترین آیه‌ای است که دانشمندان وظیفه‌نشناس و ساکت را توبیخ می‌کند. «۳» ۵. سرزنش این آیه، اختصاص به عالمان یهودی و مسیحی ندارد «۴» و تمام رهبران فکری و دانشمندی را که به هنگام گناه و ظلم و فساد، خاموش می‌نشینند، شامل می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دانشمندان، با زیرکی و ظرافت، از زیر بار مسئولیت‌های اجتماعی شان خالی نکنند. ۲. مسئولیت نهی از منکر، در درجه‌ی اول، متوجه‌ی دانشمندان است (چرا که سکوت آنان زمینه‌ی ترویج فساد است). ۳. دانشمندان، مردم را از گناه و حرام‌خواری منع کنند. ۴. دانشمندان جامعه را پالایش کنند و با آلودگی‌های صوتی، عقیدتی و اقتصادی مبارزه نمایند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی مائده به سخنان گناه‌آلود و فسادانگیز یهودیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴. وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا لِيلَ يَدَاہُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَّةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَلِمًا أَوْ قَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَالَهَا اللَّهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَأِيْحِبُّ الْمُفْسِدِينَ و یهودیان گفتند: «دست خدا بسته است». دست‌هایشان بسته باد! و بخاطر آنچه که گفتند، از رحمت (الهی) دور شدند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هر گونه بخواهد، (و شایسته بداند) مصرف می‌کند. و [لی آنچه از طرف پروردگارت، به سوی تو فرود آمده، حتماً بر طغیان و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید؛ و ما در میان آنان تا روز رستاخیز، دشمنی و کینه افکنیم. هر گاه آتشی برای جنگ بر افروختند، خدا آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، می‌کوشند؛ و خدا، فسادگران را دوست ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۶۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تاریخ نشان می‌دهد که یهودیان در برخی دوره‌ها در اوج قدرت بودند و بر قسمت مهمی از دنیا حاکم شدند؛ مثل زمان داود و سلیمان؛ و در اطراف مدینه قبل از ظهور اسلام نیز دارای قدرت بودند، ولی با ظهور اسلام، ستاره‌ی قدرت آنان افول کرد و در این موقع بود که برخی یهودیان با تمسخر گفتند: «دست خدا به زنجیر بسته شده و به ما بخششی نمی‌کند.» «۱» و از آن‌جا که بقیه‌ی یهودیان نیز به این سخن راضی بودند، خدا آن را به همه‌ی یهودیان نسبت داد. ۲. از آن‌جا که خدای متعال جسم نیست، پس «دست» ندارد. «۲» این مطلب با برهان عقلی ثابت می‌شود و برخی آیات نیز بدان اشاره دارد؛ پس مقصود از «دست خدا» در این‌جا معنای کنایی آن، یعنی «قدرت» اوست. «۳» ۳. در مورد عبارت «بسته بودن دست خدا»،

مفسران دو احتمال ذکر کرده‌اند: نخست آن که کنایه از عدم بخشش خدا باشد؛ یعنی خدا دست‌بسته و بخیل است. و دوم آن که اشاره به اعتقاد یهودیان در مورد «قضا و قدر» و سرنوشت باشد، که به نوعی جبر معتقدند، به طوری که می‌گویند: خدا در آغاز خلقت همه چیز را عملاً معین کرده و حتی خودش هم عملاً نمی‌تواند در آن تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۰ تغییری ایجاد کند. در برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام به معنای دوم اشاره شده «۱» و معنای اول موافق با ظاهر ادامه‌ی آیه است، ولی در آیه‌ی فوق هر دو معنا قابل جمع است و ممکن است اشاره به هر دو معنا باشد. ۴. یهودیان در سخن خود، واژه‌ی «ید» را مفرد آوردند، ولی خدا، در پاسخ، این واژه را به صورت تشبیه آورد و فرمود: «دو دست خدا گشاده است». این نکته علاوه بر تأکید مطلب، کنایه‌ی لطیفی از بخشش زیاد خداست؛ زیرا افراد بسیار سخاوتمند، با هر دو دست به دیگران می‌بخشند. همان‌طور که ممکن است تعبیر «دو دست» اشاره به قدرت کامل یا نعمت‌های مادی و معنوی و یا نعمت‌های دنیوی و اخروی باشد. ۵. در مورد عداوت و دشمنی «۲» و کینه‌ورزی بین یهودیان، کافی است که به تاریخ یا پراکندگی فعلی آنان در جهان توجه کنیم، که عامل مهم این وضعیت، نبود اتحاد و صمیمیت بین آنان، در سطح جهانی بوده است؛ همان‌طور که امروز نیز اختلافات در داخل اسرائیل و جمعیت‌های یهودی کاملاً آشکار است. ۶. یهودیان که در تمام حجاز، از نیروی نظامی و امکانات مالی بیش‌تری برخوردار بودند، با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درگیر شدند، ولی طومار قدرت آنان درهم پیچیده شد و هر گروه از آنان به گوشه‌ای کوچ کردند، یا تسلیم شدند. و این یکی از جنبه‌های اعجاز‌آمیز زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله است که جنگ‌افروزی یهودیان را در حجاز به کنترل در آورد. آیه‌ی فوق می‌گوید: «هرگاه آتشی برای جنگ برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت». البته آتش‌افروزی یهود هنوز هم به پایان نرسیده و هر روز در فلسطین و مناطق تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۱ دیگر شاهد آن هستیم و لازم است مسلمانان با یاری الهی آتش‌افروزی آنان را سرکوب کنند. ۷. برخورد قرآن با یهودیان رنگ نژادی ندارد، بلکه علت سرزنش‌های قرآن، عقاید انحرافی یا گفتار و کردار نادرست آنان است. ۸. برخی از یهودیان تا قیامت می‌مانند و همواره به فساد و اختلاف می‌پردازند. ۹. قرآن کریم برای مؤمنان، نور و هدایت به ارمغان می‌آورد، ولی کافران لجوج، نه تنها از این نور و هدایت استفاده نمی‌کنند بلکه بر کفر و سرکشی خود می‌افزایند. آری هر غذای مطبوع و لذیذی می‌تواند برای بیماران، سمی کشنده باشد. باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره‌زار خَس آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان لجوج، در برابر وحی الهی، بر سرکشی و کفرشان می‌افزایند. ۲. یهودیان افرادی تهمت‌زن، آتش‌افروز و فسادگرند. ۳. قدرت خدا را محدود نشمارید که از رحمت الهی دور می‌شوید. ۴. فسادگری نکنید که خدا دوست ندارد. ۵. با آتش‌افروزی و فسادگری یهودیان مبارزه کنید. ***

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی مائده راه بازگشت و ایمان را برای اهل کتاب می‌گشاید و می‌فرماید: ۶۵. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَآ دَخَلْنَاهُمْ جَنَّةَ النَّعِيمِ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۲ و اگر (بر فرض) اهل کتاب ایمان آورده و خود نگهداری کرده بودند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زدودیم؛ و حتماً آنان را در بوستان‌های پر نعمت (بهشت) وارد می‌ساختیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که پس از انتقادات تند از افراد و گروه‌ها، راه بازگشت و ایمان و توبه را به روی آنان می‌گشاید، تا مأیوس نشوند. در این آیات نیز پس از انتقادات شدید از اهل کتاب (به ویژه یهود) راه ایمان و توبه را به سوی آنان می‌گشاید. ۲. ایمان و پارسایی، کفاره‌ی گناهان است و گذشته‌ی بد انسان را جبران می‌کند و راه بهشت را هموار می‌سازد؛ یعنی خدا پس از توبه و بازگشت گناهکاران، علاوه بر آن که به لطف خویش بدی‌های آنان را می‌بخشد، به ایشان پاداش بهشتی می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه توبه و بازگشت حتی به روی کافران باز است. ۲. ایمان و تقوا، سوء سابقه‌های انسان را پاک می‌کند. ۳. ایمان آورید و پارسا شوید تا از آمرزش و بهشت الهی بهره ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی مائده با اشاره به میانه‌روان اهل کتاب، آنان را به راه سعادت راه‌نمایی می‌کند و می‌فرماید: ۶۶. وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ وَمِآ أَنزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَمَا كَلُوا مِّن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سِيَءٌ مَا

يَعْمَلُونَ و اگر (بر فرض) آنان، تورات و انجیل و آنچه را که از جانب پروردگارش بر آنان فرود آمده، به پا می‌داشتند، حتماً از بالایی (سر) شان (نعمت‌های آسمانی) و از زیر پاهایشان (نعمت‌های زمینی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۳ روزی) می‌خوردند؛ گروهی از آنان معتدل هستند، و [لی بسیاری از آنان بد رفتاری می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق یک بار دیگر بر این اصل اساسی تأکید می‌کند که پیروی از تعلیمات آسمانی پیامبران، تنها برای سروسامان دادن به زندگی پس از مرگ نیست، بلکه بازتاب گسترده‌ای در سراسر زندگی مادی انسان‌ها دارد، و نعمت‌ها را پربرکت و زندگی را مرفه و امن می‌سازد؛ آری، دین، انسان‌ها را در زندگی دنیا و آخرت به سعادت می‌رساند. ۲. ممکن است مقصود از تعبیر «بالای سرشان و زیر پایشان» آن باشد که نعمت‌های آسمان و زمین، انسان‌های با ایمان و نیکوکار را فرا خواهد گرفت و ممکن است مقصود عمومیت نعمت‌ها در تمام جنبه‌ها باشد؛ همان‌طور که در فارسی می‌گوییم: «او از فرق سر تا قدمش غرق نعمت شد.» ۳. مقصود از «برپاداشتن تورات و انجیل» چیست؟ عمل کردن به تورات و انجیل واقعی مراد است، نه قسمت‌های تحریف شده که اکنون در دست ماست و نیز مراد، عمل به اصول اساسی آن کتاب‌هاست، که در ادیان بعدی کامل‌تر شده است. ۴. یکی از مراحل خدمت به کتاب‌های الهی و استفاده از آنها، آن است که آنها را برپاداریم و به آنها عمل کنیم و به خواندن، تدبر و تفکر و تفسیر اکتفا نکنیم. آری، کتاب‌های الهی هم‌چون پرچم و قانون اساسی است که باید برافراشته باشد و بر زندگی ما حاکم شود. ۵. مقصود از جمله‌ی «آنچه بر آنان از طرف پروردگارش نازل شده است» چیست؟ منظور همه‌ی کتاب‌های الهی، از جمله قرآن است. در حقیقت این جمله اشاره دارد که نباید تعصب‌های قومی را با مسائل دینی در هم آمیخت؛ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۴ و در پیروی از کتاب‌های الهی، عرب و یهود مطرح نیست. ۶. در برخی از احادیث آمده است که مقصود از «آنچه از طرف پروردگارش نازل شده» ولایت است. روشن است که این‌گونه روایات از باب تعیین مصداق است. «۱» ۷. روش قرآن آن است که به کتاب‌های الهی ادیان دیگر و عقاید صحیح پیروان آنها و افراد معتدل احترام می‌گذارد و به مقدسات صحیح دیگران لطمه نمی‌زند؛ از این رو آنان را دعوت می‌کند که به محتوای حقیقی تورات و انجیل عمل کنند. ۸. یهودیان گفتند: «دست خدا بسته است و به ما چیزی نمی‌بخشد.» آیه‌ی فوق در حقیقت به آنان پاسخ می‌دهد و اشاره می‌کند که اگر نعمت‌های الهی از شما قطع شده، به خاطر اعمال خود شماست، نه به خاطر آن که خدا از دادن نعمت خودداری می‌کند؛ پس اگر کردار خود را تغییر دهید و به تورات و انجیل و دستورات الهی عمل کنید، باز هم نعمت‌های الهی شامل حال شما می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و عمل به دستورات الهی در زندگی مادی نیز تأثیر سازنده دارد (پس به آنها عمل کنید تا به رفاه و سعادت برسید). ۲. وظیفه‌ی اهل کتاب عمل به دستورات واقعی تورات، انجیل و قرآن است. ۳. همه‌ی اهل کتاب را یکسان ندانید؛ چون برخی از آنها افرادی معتدل هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۵ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی مائده به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که رسالت (تعیین جانشین) را به انجام رساند و از مردم نهراسد و می‌فرماید: ۶۷. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ای فرستاده [خدا]! آنچه را از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، برسان؛ و اگر انجام ندهی، پس پیام او را نرسانده‌ای؛ و خدا تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند؛ براستی که خدا گروه کافران (منکر) را راهنمایی نمی‌کند. شأن نزول: در بسیاری از احادیث و کتاب‌های شیعه و اهل سنت با تعبیرات گوناگون حکایت شده که آیه‌ی فوق در مورد ابلاغ جانشینی امام علی علیه السلام در روز غدیر خم است که قبل از آن، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که ولایت علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کند. داستان این‌گونه حکایت شده که در آخرین سال عمر پیامبر صلی الله علیه و آله مراسم حجّه الوداع با حضور آن حضرت برگزار شد و بعد از حج، همگان از مکه خارج شدند تا به بیابان خشک غدیر خم رسیدند، که چهار راه جدا شدن افراد و کاروان‌ها از هم‌دیگر بود. در روز پنج‌شنبه سال دهم هجری بود که ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله دستور توقف داد و افرادی را که جلو رفته بودند به عقب فراخواند و صبر کردند تا بقیه‌ی مردم هم از راه رسیدند و نماز ظهر به امامت

پیامبر صلی الله علیه و آله برگزار شد و منبری از جهاز شتران برافراشتند و پیامبر سخن‌رانی طولانی ایراد کردند و در ضمن آن از مردم گواهی بر یگانگی خدا و رسالت خویش و معاد گرفتند؛ سپس به کتاب خدا و عترت خویش، به عنوان دو گوهر گران‌بهای امت، اشاره کردند و پس از آن دست علی علیه السلام را گرفتند و بلند کردند و با صدای بلند گفتند: «هر کس من مولای تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۶ اویم، این علی مولای اوست.» و این سخن را چند بار تکرار کردند و سرانجام به دوستان علی صلی الله علیه و آله دعا و در حق دشمنانش نفرین کردند و به مردم سفارش کردند که حاضران این مطلب را به اطلاع غایبان برسانند. پس از این واقعه، هنوز مردم متفرق نشده بودند که فرشته‌ی وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و قسمتی از آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده را نازل کرد که می‌فرمود: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام نمودم و...» و پیامبر تکبیر گفتند و شور و غوغایی در مردم به پاشد و مردم گروه گروه نزد علی علیه السلام آمدند و به او تبریک گفتند؛ از جمله، عمر و ابو بکر بر علی علیه السلام «آفرین باد» گفتند که رهبر و مولای مؤمنان شده است؛ و حسان، شاعر بزرگ اسلامی، در همان صحنه شعری زیبا سرود. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق چند ویژگی دارد: الف) در دو آیه‌ی قرآن خطاب «یا ایها الرسول» هست که یکی همین آیه است؛ و روشن می‌کند که مطلب آیه با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ارتباط دارد. ب) تنها آیه‌ای از قرآن که به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد کوتاهی کردن در تبلیغ هشدار می‌دهد همین آیه است؛ و مطلب آن قدر مهم است که آن را معادل همه‌ی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارد. ج) در آیه‌ی فوق سخن از حفظ پیامبر صلی الله علیه و آله (از دشمنان) است و به ایشان وعده‌ی محافظت می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۷ مجموع این مطالب نشان می‌دهد که مطلب مهمی باید ابلاغ می‌شد که تبلیغ آن با سرنوشت رسالت گره خورده بود و دشمنان زیادی داشت؛ به طوری که ابلاغ آن برای پیامبر صلی الله علیه و آله خطرناک بود. پس مسائلی مثل مبارزه با شرک، ابلاغ قوانین اسلامی و مبارزه با اهل کتاب و منافقان نمی‌توانست موضوع آیه باشد؛ زیرا این امور قبل از نزول این آیه هم مطرح بوده‌اند. پس با توجه به آیه‌ی فوق که در سوره‌ی مائده است و در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، روشن می‌شود که مسأله‌ی مهم جانشینی آن حضرت مطرح است که رقیبانی دارد و دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را برمی‌انگیزد. ۲. واژه‌ی «مولی در لغت به معنای «سرپرست، رهبر، دوست، یار و یاور» می‌آید، و در حدیث غدیر «۱» به معنای سرپرستی است؛ چرا که: اولاً، اعلام دوستی علی علیه السلام این همه مقدمات و سخن‌رانی نمی‌خواهد. و ثانیاً، اعلام دوستی علی علیه السلام چیزی نبود که باعث مخالفت شود و پیامبر صلی الله علیه و آله از اعلام آن بهراسند و دل‌داری خدا را بطلبند. و ثالثاً، در خطبه‌ی غدیر، قراین و شواهدی است که مولی به معنای اولویت در تصرف و سرپرستی و رهبری است؛ از جمله آن که پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه، از مردم بر «اولویت خودش بر جان آنان» اقرار گرفتند. و رابعاً، در شعر حسان که در همان روز گفته شده، تعبیر «امام» و «هادی» برای علی علیه السلام به کار رفته است «۲» که جمعی از بزرگان اهل سنت آنها را حکایت کرده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۸ ۳. امام علی علیه السلام در موارد متعددی به حدیث غدیر استناد کرده است؛ از جمله، در روز شوری و در برابر عثمان در مسجد و در جنگ جمل و صفین در برابر مخالفان. «۱» ۴. آیات قبل و بعد این آیه در مورد کافران است، ولی این ضروری به مطلب نمی‌زند؛ چون قرآن یک کتاب تربیتی است و گاهی آیات مختلف را در کنار هم می‌آورد و لحن این آیه نیز نشان می‌دهد که با آیات دیگر متفاوت است. ۵. در آیه‌ی فوق، «کافرین»، به معنای لغوی‌اش، یعنی «منکران و حق‌پوشان» «۲» آمده است و اشاره به منکران جانشینی علی علیه السلام دارد که خدا آنان را هدایت نخواهد کرد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انتخاب رهبر مسلمانان با خدا و ابلاغ آن با رسول است. ۲. خدا از رهبران و مبلغان دینی در برابر خطر آنها، حمایت می‌کند. ۳. رهبران و مبلغان دینی از خطرهای نهراسند و به وظیفه‌ی خود عمل کنند. ۴. کفر و انکار مانع استفاده از هدایت الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی مائده بار دیگر بر عمل به تورات، انجیل و قرآن تأکید می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۷۹ ۶۸. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرِيَةَ

وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ بگو: «ای اهل کتاب! بر هیچ چیز (از آیین حق) نیستید، تا اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان به سوی شما فرود آمده، به پا دارید.» و [لی قطعاً آنچه از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید؛ پس بر گروه کافران اندوهگین مباش. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از یهودیان خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و پرسیدند: آیا تورات را از طرف خدا می‌دانی؟ حضرت جواب مثبت دادند؛ سپس یهودیان گفتند: ما هم تورات را قبول داریم، ولی به غیر از آن ایمان نداریم. (یعنی تورات متفق بین ما و شماست، ولی انجیل و قرآن مورد اختلاف است). آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به سخن آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق بر عمل کردن به تمام کتاب‌های الهی و بر پاداشتن آنها تأکید می‌ورزد؛ زیرا همه‌ی آنها از یک مبدأ صادر شده و اصول اساسی‌شان یکی است، اگر چه قرآن به عنوان آخرین کتاب الهی، جامع‌ترین و کامل‌ترین آنهاست. ۲. لازمه‌ی اعتقاد به تورات و انجیل و عمل به آنها، تسلیم در برابر قرآن کریم است؛ چرا که در تورات و انجیل بشارت‌هایی در مورد قرآن و پیامبر تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۰ اسلام صلی الله علیه و آله آمده است «۱» و هر کس آنها را قبول دارد، باید این بشارت‌ها را بپذیرد. ۳. افراد کافر و سرکش به خودشان ضرر می‌زنند نه به نظام و مکتب اسلام؛ از این رو قرآن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از مخالفت و کفر آنان غمگین مباش.» ۴. آیه‌ی فوق خطاب به اهل کتاب است، اما محتوای آن مخصوص آنان نیست؛ مسلمانان نیز اگر فقط ادعای اسلام کنند و آموزه‌های کتاب‌های الهی را بر پا ندارند، هیچ‌گونه موقعیت و ارزشی در پیشگاه خدا و در زندگی فردی و اجتماعی نخواهند داشت و خوار و سرشکسته خواهند شد. ۵. حق‌طلبان از نور و هدایت قرآن استفاده می‌کنند، اما لجوجان، متعصبان و جاهلان، نه تنها از قرآن استفاده نمی‌کنند، بلکه با لجاجت در برابر قرآن بر سرکشی و کفر خود می‌افزایند، آری: باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس به محتوای کتاب‌های الهی عمل نکند در نزد خدا ارزشی ندارد. ۲. موقعیت و شخصیت افراد را با معیار پای‌بندی آنان به وحی بسنجید. ۳. اهل کتاب باید به محتوای تورات، انجیل و قرآن عمل کنند. ۴. اگر تلاش رهبران الهی و مبلغان دینی در کافران اثر نکرد ناراحت نشوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۱ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی مائده به معیارهای اساسی نجات، یعنی ایمان و عمل، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۹. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِئُونَ وَالنَّصِرَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ در حقیقت کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به (آیین) یهود گرویدند، و صابئان (پیرو یحیای پیامبر) و مسیحیان، کسانی (از آنان) که به خدا و روز بازپسین ایمان آوردند، و [کار] شایسته انجام دادند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات ۶۲ و ۱۱۲ سوره‌ی بقره و آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی حج شبیه این آیه‌اند. مطالب و نکات مهم آیه، ذیل آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی بقره بیان شد و رابطه‌ی آن با تکثرگرایی (پلورالیسم) «۱» روشن گشت. ۲. تکرار برخی مطالب در قرآن، یا به خاطر اهمیت آنها و تأکید بر آنهاست و یا به خاطر مناسبت آیات قبل و بعد و تذکر برخی مطالب اضافی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ملاک سعادت در همه‌ی ادیان الهی، ایمان و کردار شایسته است. ۲. آرامش و بهداشت روانی در سایه‌ی ایمان و عمل شایسته تحقق می‌یابد. ۳. ایمان را با عمل همراه سازید تا به نجات و آرامش دست یابید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۲ قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی مائده به پیمان‌شکنی یهودیان و پیامبرستیزی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۰. لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كَلَّمْنَا بِمَا أَنزَلْنَا مِنْ رَبِّهِمْ لِيُذَكِّرُوا أَنفُسَهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يُقْتُلُونَ بَاقِيَ الَّذِينَ أُقْتِلُوا فِي يَوْمِ إِسْرَائِيلَ (فرزندان یعقوب) پیمان محکم گرفتیم، و فرستادگانی را به سوی آنان فرستادیم؛ هر گاه فرستاده‌ای چیزی را که خوشایند (هوای) نفس (شان) نبود، برای‌شان آورد، دسته‌ای را دروغگو خواندند، و دسته‌ای را می‌کشتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ظاهراً مقصود از «پیمان فرزندان اسرائیل» در آیه‌ی فوق، همان پیمانی است که در آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی بقره از آن نام برده شده است؛ یعنی پیمان عمل به

آنچه خدا بر آنان نازل کرده است. ۲. تعبیرات این آیه اشاره دارد که پیامبرگشی در یهودیان یک حادثه‌ی اتفاقی نبود بلکه به صورت یک برنامه و عادت در آمده بود. «۱» آنان رهبران الهی را ترور می‌کردند؛ همان‌طور که در عصر ما صهیونیست‌ها رهبران مذهبی فلسطین را ترور می‌کنند. «۲» ۳. قرآن کریم بارها از پیامبرگشی یهودیان سخن گفته است؛ «۳» و قبلاً بیان کردیم که طبق برخی احادیث، یهودیان اسرار پیامبران را فاش می‌کردند، که این مطلب سبب قتل آنها می‌شد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ریشه‌ی مخالفت با رهبران الهی، هواپرستی است. ۲. پیمان‌شکنی، تکذیب و ترور رهبران الهی، از ویژگی‌های یهود است. ۳. هم‌چون یهود، پیمان‌شکن، تکذیب‌گر و رهبرکش نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی مائده به غفلت و توبه‌شکنی مکرر یهودیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱. وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ و پنداشتند، که کیفری نخواهد بود، پس نابینا و ناشنوا شدند؛ سپس (به سوی خدا بازگشتند و) خدا توبه آنان را پذیرفت؛ دیگر بار بسیاری از آنان نابینا و ناشنوا شدند؛ و خدا، به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بنی‌اسرائیل بارها گرفتار غرور و غفلت شدند و نتایج شوم کارهای خویش را در شکست از دشمنان دیدند و توبه کردند و باز هم توبه را شکستند. ۲. تکرار تعبیر «نابینا و ناشنوا» در آیه‌ی فوق، ممکن است جنبه‌ی تأکیدی داشته و یا اشاره به دو واقعه‌ی مختلف و یا وقایع مکرر باشد، که برخی از مفسران این وقایع را «حمله‌ی بابلیان و ایرانیان و رومیان» به یهودیان دانسته‌اند. ۳. تعبیر «کثیر» در آیه‌ی فوق، می‌رساند که حالت غفلت و بی‌خبری و نابینایی و ناشنوایی نسبت به حقایق، جنبه‌ی عمومی نداشته، بلکه همواره تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۴ اقلیت صالح و شایسته‌ای در میان یهودیان وجود داشته‌اند. این تعبیر قرآن نشان می‌دهد که برخورد اسلام با یهودیان جنبه‌ی نژادی ندارد، بلکه به خاطر اعمال آنان است. ۴. شاید تقدّم جمله‌ی «نابینا شدند» بر جمله‌ی «ناشنوا شدند» اشاره به این باشد که نخست باید آیات خدا و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله را دید سپس به دستورات ایشان گوش فراداد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توبه‌شکنی یکی از ویژگی‌های یهود است. ۲. غفلت، انسان را نسبت به حقایق نابینا و ناشنوا می‌سازد. ۳. هرگز از اندیشه‌ی فتنه، آزمایش و مجازات الهی غافل نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی مائده به انحرافات عقیدتی مسیحیان و خداانگاری مسیح علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ کسانی که گفتند: «در واقع خدا همان مسیح پسر مریم است»، بی‌یقین کفر ورزیدند؛ در حالی که مسیح گفت: «ای بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب)! خدا را، که پروردگار من و پروردگار شماست، پرستش کنید؛ [چرا] که هر کس به خدا شرک ورزد، پس حتماً خدا بهشت را بر او ممنوع ساخته، و مقصدش آتش است؛ و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همان‌گونه که قرآن کریم در آیه‌ی فوق بیان کرده است، عیسی علیه السلام مردم را به خدای یکتا دعوت می‌کرد و حتی در انجیل می‌خوانیم که عیسی گفت: «اول همه‌ی احکام این است: بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۵ خداوند واحد است.» «۱» اما با این حال می‌بینیم که در جای دیگر عیسی را خدا می‌خواند و می‌گوید: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.» «۲» ۲. خداانگاری مسیح علیه السلام، کفر، شرک و ستم است؛ چه کفری بالاتر از این که انسانی محدود و مخلوق را خدای یگانه‌ی نامحدود بدانند و چه شرکی از این بالاتر که برای خدا شریکی از جنس بشر فانی قرار دهند و چه ظلمی از این بالاتر که انسان خود را به عذاب خدا گرفتار کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس برای خدا شریک قائل شود، بهشت را بر خود حرام و جهنم را برای خویش آماده کرده است. ۲. از پیامبران الهی پیشی نگیرید و در حالی که خود مسیح مردم را به خدای واحد دعوت می‌کرد، شما او را خدا نخوانید. ۳. در مورد پیامبران الهی غلو نکنید که به ستم، کفر و عذاب منتهی می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی مائده به عقیده‌ی انحرافی تثلیث و فرجام عذاب آلود آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۳. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثٍ وَمِمَّا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَحَدُّ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۶ کسانی که گفتند: «در واقع خدا، سومین [خدا از] سه [خدا] است». بیقین کفر ورزیدند؛ و هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر به آنچه می‌گویند، پایان ندهند، حتماً به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همان‌طور که در توضیح آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی مائده گذشت، عقیده‌ی تثلیث و سه‌گانگی خدا، در عصر مسیح علیه السلام و دوران اولیه‌ی مسیحیت وجود نداشت و حتی در انجیل‌های کنونی سخنی از تثلیث دیده نمی‌شود، بلکه ده‌ها سال بعد از تولد مسیح پیدا شد. پس این مطلب که مسیح به توحید دعوت می‌کرد (۱) و قرآن کریم بر آن با فشاری دارد، با منابع اصلی مسیحیت نیز هماهنگ است. ۲. اعتقاد به تثلیث، آن است که بسیاری از مسیحیان به «خدایان سه‌گانه» یعنی «خدای پدر، خدای پسر (مسیح) و روح القدس» معتقدند، و در همان حال به خدای یگانه نیز معتقدند؛ یعنی به عقیده‌ی آنان، سه واحد حقیقی، یک واحد حقیقی را تشکیل می‌دهند؛ و هر کدام را یک اقنوم (یعنی اصل و ذات خاص) می‌دانند. روشن است که این مطلب با دلایل عقلی و ریاضی ناسازگار است. «۲» ۳. قرآن کریم خود را مسئول همه‌ی بشریت می‌داند؛ از این رو در صدد اصلاح عقاید انحرافی پیروان ادیان دیگر برمی‌آید و عقیده‌ی تثلیث را باطل می‌نماید و توحید و دلایل آن را اعلام می‌کند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عقیده به تثلیث و سه‌گانگی خدا، کفر است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۷ ۲. فرجام ابراز عقاید کفرآمیز، عذاب آلود است. ۳. از خط توحید خارج نشوید که گرفتار کفر و عذاب می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی مائده راه بازگشت و توبه را برای مسیحیان می‌گشاید و می‌فرماید: ۷۴. أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ پس چرا به سوی خدا توبه (و بازگشت) نمی‌کنند، و از او آموزش نمی‌طلبند؟! و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا آن‌قدر کریم است که به لطف خود، نخست گناهکاران را می‌آمرزد سپس آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد. ۲. خدا راه بازگشت را برای گناهکاران باز گذاشته است و حتی کفر و شرک نیز با توبه و استغفار و بازگشت به توحید، بخشیده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (تا دیر نشده، از شرک) بازگردید و استغفار کنید. ۲. در توبه و آموزش به روی شما باز است و خدا با لطف خود از شما استقبال می‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی مائده، به ویژگی‌های انسانی مسیح علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵. مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ بُيِّنَ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ مسیح پسر مریم، جز فرستاده‌ای نیست، که بیقین پیش از وی (نیز)، فرستادگان (دیگری) بودند؛ و مادرش، بسیار راستگو بود؛ هر دو، همواره تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۸ غذا می‌خوردند؛ بنگر چگونه نشانه‌ها را برایشان روشن می‌سازیم، سپس بنگر چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق با چند دلیل الوهیت مسیح را رد می‌کند: اولاً، او پسر مریم است نه فرزند خدا یا خود خدا. ثانیاً، پیامبر خداست و اگر رسالت و پیامبری مسیح، دلیل بر خدا بودن اوست، پس چرا سایر پیامبران را خدا نمی‌دانید؟ ثالثاً، کسی که مادر دارد، نیازمند است و نمی‌تواند خدا باشد. و رابعاً، مسیح غذا می‌خورد و اگر چند روزی غذا به او نرسد، از پای در می‌آید، پس چگونه می‌تواند خدا باشد. ۲. تعبیر «بنگر» در آیه‌ی فوق دو بار تکرار شده است، تا هم اشاره به دلایل روشنی باشد که برای هر کس کافی است و هم به عکس‌العمل‌های منفی و حیرت‌انگیز مسیحیان اشاره کند که برای هر کس تعجب‌آور است. «۱» ۳. از منظر قرآن کریم، انسانیت انسان و صفات عالی و کمالات او مهم است، چه زن باشد و چه مرد؛ از این رو مادر عیسی علیه السلام یعنی مریم را می‌ستاید و او را «صدیقه»، یعنی «بسیار راست‌گو» معرفی می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان دارای صفات محدود است و نمی‌تواند خدا باشد. ۲. مسیح علیه السلام انسانی هم‌چون انسان‌های دیگر و پیامبر بود، نه خدا. ۳. مسیحیان به صفات انسانی مسیح توجه کنند و او را خدا نخوانند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۸۹ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و ششم سوره‌ی مائده به محدودیت بشری عیسی علیه السلام اشاره می‌کند و با سرزنش پرستش او می‌فرماید: ۷۶. قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ بگو: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید، که مالک هیچ سود و زیانی برای شما نیست؟! در حالی که تنها خدا، شنوا [و]

دانا است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر پرستش مخلوقی جایز باشد، باید بت پرستی نیز مجاز شمرده شود؛ زیرا هر دو در مخلوق بودن و مالک نبودن نفع و ضرر مساوی هستند؛ پس ایمان به الوهیت مسیح، در حقیقت یک نوع بت پرستی است. «۱» ۲. یکی از ریشه‌های پرستش، رفع نیاز و جلب منفعت و دفع ضرر است. آیه‌ی فوق اشاره می‌کند که پرستش غیر خدا نمی‌تواند این خواسته‌های شما را بر آورد. ۳. آیه‌ی فوق برای بطلان شرک و الوهیت مسیح، انسان را به عقل و وجدان خویش رجوع می‌دهد، تا با تفکر بفهمد که عبادت غیر خدا روا نیست؛ زیرا سودی به حال انسان ندارد و ضرری را از او دفع نمی‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غیر از خدا کسی مالک سود و زیان شما نیست تا سزاوار پرستش باشد. ۲. خدایی را پرستید که برای شما سودمند است و می‌تواند زیان‌های شما را دفع کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۰ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی مائده به اهل کتاب هشدار می‌دهد که دست از بزرگ‌نمایی و غلو در دین بردارند و می‌فرماید: ۷۷. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، بناحق بزرگ‌نمایی نکنید؛ و از هوس‌های گروهی که پیش از [این] گمراه گشتند و بسیاری را گمراه کردند، و از راه درست گم شدند، پیروی ننمایید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. غلو و بزرگ‌نمایی مسیحیان، در مورد تثلیث و خدا انگاری مسیح علیه السلام بود، اما غلو و زیاده‌نمایی یهودیان، شاید همان باشد که عزیر را فرزند خدا می‌دانستند. «۱» ۲. برخی معتقدند که ریشه‌ی تثلیث از بت پرستان هندی است که از نظر تاریخی، اعتقاد به خدایان سه‌گانه در میان آنان، قبل از مسیحیت سابقه داشته است؛ سپس همین عقیده در میان مسیحیان منعکس شده و با تغییر شکلی در مورد عیسی علیه السلام پذیرفته شده است. «۲» در آیه‌ی فوق نیز به اهل کتاب دستور داده شده که از گمراهان قبلی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۱ پیروی نکنید و در برخی دیگر از آیات نیز به این مطلب اشاره شده است. «۱» ۳. تکرار تعبیر «گمراه شدند»، یا به خاطر تأکید است و یا به خاطر این که آنان قبلاً گمراه بودند و بعد با تبلیغات خود، دیگران را نیز گمراه کردند و به گمراهی جدیدی افتادند؛ زیرا آنان نیروهای خود را در مسیر بدبختی خود و دیگران تلف کردند و بار مسئولیت گناهان دیگران را نیز به دوش کشیدند. ۴. ممنوعیت غلو در دین، مخصوص اهل کتاب نیست؛ در اسلام هم بزرگ‌نمایی و غلو کردن در مورد مسائل دینی و شخصیت‌ها ممنوع است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بزرگ‌نمایی در دین و تقلید کورکورانه از پیشینیان ممنوع است. ۲. غلو در دین، ریشه در هواپرستی و تقلید دارد. ۳. به دنبال حق (و تحقیق) باشید، نه غلو و تقلید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی مائده به انحرافات عملی بنی اسرائیل و لعنت کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۸. لِعَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ کسانی از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)، که کفر ورزیدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم، لعنت شدند؛ این بدان سبب بود، که نافرمانی کردند، و همواره تعدی می‌نمودند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. چرا از میان پیامبران نام داود و عیسی برده شده است؟ برخی از مفسران قرآن برآن‌اند که چون این دو پیامبر از مشهورترین پیامبران بعد از موسی بودند، نام آنان برده شد؛ و برخی دیگر می‌گویند از آن‌جا که بسیاری از اهل کتاب افتخار می‌کردند که فرزندان داود هستند، در این‌جا نام این پیامبر برده شد. و برخی دیگر از مفسران برآن‌اند که آیه‌ی فوق اشاره به دو حادثه‌ی تاریخی دارد که خشم این دو پیامبر را برانگیخت و گروهی را لعنت کردند؛ یعنی داود گروهی از بنی اسرائیل را به خاطر جریان تعطیلی روز شنبه (اصحاب السبت «۱») نفرین کرد و عیسی گروهی از پیروان متهم خود را پس از نزول غذای آسمانی، نفرین نمود. «۲» ولی ممکن است آیه به هر دو تفسیر اشاره داشته باشد. ۲. پیامبران، همان‌گونه که مظهر لطف و رحمت خدا هستند، گاهی نیز، مظهر خشم خدا می‌شوند و افراد عصیان‌پیشه را لعنت می‌کنند. ۳. تجاوز و قانون‌شکنی، شیوه و عادت بنی اسرائیل بوده است «۳»؛ از این رو لعنت شدند و از رحمت الهی دور گشتند. ۴. معیار نجات انسان از عذاب، این نیست که شخص از نژاد بنی اسرائیل یا از پیروان مسیح باشد، بلکه معیار آن است که از برنامه‌های آنان پیروی کرده باشد؛ زیرا خود این پیامبران عصیان‌گران را نفرین کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناهکاری و تجاوزپیشگی، سبب لعنت و دوری از رحمت الهی می‌شود. تفسیر

قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۳ ۲. رهبران الهی، کافران عصیانگر و تجاوزپیشه را لعنت کنند. ۳. برخی از بنی اسرائیل، خلافکار و مورد لعنت پیامبرانشان بوده‌اند (پس نژاد برتر نیستند). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی مائده به لزوم جلوگیری از منکرات و کوتاهی کردن بنی اسرائیل در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۹. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ همواره از [کارهای ناپسندی که آن را انجام می‌دادند، یکدیگر را منع نمی‌کردند؛ واقعاً، همواره کار بدی انجام می‌دادند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نهی از منکر در ادیان سابق نیز وجود داشت و هر کس آن را ترک می‌کرد مورد سرزنش قرار می‌گرفت؛ چون ترک نهی از منکر، عملی ناشایست بود. ۲. از تعبیر «یکدیگر را منع نمی‌کردند» استفاده می‌شود که نهی از منکر یک وظیفه‌ی متقابل اجتماعی است (چون باب تفاعل در مورد کارهایی به کار می‌رود که هر دو طرف موظف‌اند انجام دهند). ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌ی فوق حکایت شده که این گروه (بنی اسرائیل) که خدا آنان را سرزنش کرده، هرگز در کارها و جلسات گناهکاران شرکت نمی‌کردند، بلکه فقط هنگامی که آنان را ملاقات می‌کردند، در مقابل (کارهای خلاف) آنان می‌خندیدند و با ایشان رفاقت داشتند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۴ و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که حتماً باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست افراد نادان را بگیرید و آنان را به سوی حق دعوت نمایید، و گرنه خدا دل‌های شما را همانند یکدیگر می‌کند و شما را از رحمت خود دور می‌سازد و لعنت می‌کند، همان‌طور که آنان را لعنت کرد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس نسبت به منکرات بی‌تفاوت باشد، از رحمت خدا دور می‌شود. «۲» ۲. همه‌ی افراد اجتماع یکدیگر را از کارهای ناپسند بازدارند. ۳. از سرنوشت یهود عبرت بگیرید و با ترک نهی از منکر، خودتان را گرفتار لعنت رهبران الهی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی مائده به دوستی اهل کتاب با کافران (بت پرست) اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۰. تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خِلَافٌ بَسِيرًا از آنان را می‌بینی، با کسانی که کفر ورزیده‌اند، دوستی می‌کنند؛ واقعاً بد بود آنچه خودشان از قبل برای خویش فرستادند؛ که (در نتیجه) خدا بر آنان خشم گرفت، و آنان در عذاب ماندگارند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۵

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بنی اسرائیل با چه کسانی طرح دوستی می‌افکنند؟ مفسران قرآن در این مورد دو احتمال داده‌اند: نخست آن که یهودیان با مشرکان مکه علیه السلام علیه اسلام هم‌داستان شدند. و دوم آن که آنان در اعصار گذشته با حاکمان ستمگر طرح دوستی می‌ریختند تا از ثروت آنان بهره‌مند شوند. این مطلب در حدیثی از امام باقر علیه السلام نیز حکایت شده است. «۱» ولی مانعی ندارد که آیه به هر دو مطلب اشاره داشته باشد. «۲» ۲. پذیرش دوستی و ولایت کافران، موجب انحراف برخی مؤمنان می‌شود و کم‌کم آنان را از راه خدا جدا می‌سازد و گرفتار خشم و عذاب الهی می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان (مدعی توحید) با کافران (دشمن خدا) رابطه‌ی دوستانه دارند. ۲. دوستی و ولایت کافران را نپذیرید که زمینه‌ساز خشم و عذاب الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی مائده به تنافی ایمان با دوستی کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۱. وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۶ و اگر (بر فرض) به خدا و پیامبر و آنچه به سوی او فرود آمده، همواره ایمان می‌آوردند، آن [کافر]ان را دوستان (خویش) نمی‌گرفتند؛ و لیکن بسیاری از آنان نافرمان‌دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایمان به خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «۱» و قرآن، با دوستی و ولایت کافران ناسازگار است؛ چون کافران، افراد را از راه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن جدا می‌سازند و به انحراف و کفر می‌کشانند. ۲. مقصود از «دوستی کافران» روابط عادی و سالم اقتصادی و سیاسی با آنها نیست؛ منظور آن است که مسلمانان نباید ولایت کافران را بپذیرند؛ و دوستی و روابط آنها با کافران منتهی به پذیرش سلطه‌ی آنها نشود؛ البته کافران مستکبر معمولاً سلطه‌ی خود را گام به گام و از طریق دوستی اعمال می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان واقعی به خدا، پیامبر و کتابش، با پذیرش دوستی و ولایت غیر الهی سازگار نیست. ۲. پذیرش دوستی و ولایت کافران، نشانه‌ی فسق و نافرمانی است. ۳. مؤمنان کافران را به دوستی و

ولایت خویش انتخاب نکنند.*** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و دوم سوره‌ی مائده به دشمنی سرسختانه‌ی یهودیان و مشرکان با مسلمانان و دوستی برخی مسیحیان با مؤمنان تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۷ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۲. لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدُوًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ ذَٰلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند: «براستی ما مسیحی هستیم»، نزدیک‌ترین آن (مردم) ان در دوستی با مؤمنان خواهی یافت؛ این بدان سبب است که در میان آنان، کشیشان و راهبانی هستند؛ و براستی که آنان (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند. شأن نزول: بسیاری از مفسران داستان نزول آیه‌ی فوق را این‌گونه حکایت کرده‌اند که هنگامی که در مکه کار بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان مشکل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند که گروهی از مسلمانان به حبشه مهاجرت کنند، که در آن‌جا نجاشی مسیحی (۱) حاکم بود. چند گروه از مسلمانان به آنجا هجرت کردند که در مجموع ۸۲ مرد و تعدادی زن و کودک بودند. بت پرستان مکه دو نفر را به همراه هدایایی به حبشه نزد نجاشی فرستادند تا مسلمانان را باز گردانند؛ سپس در حضور نجاشی، بین جعفر بن ابی طالب مسلمان و عمرو بن عاص بت پرست مناظره‌ای در گرفت و نجاشی سخنان آنان را شنید و هنگامی که به آیات سوره‌ی مریم گوش داد، قطره‌های اشک از چشمانش سرازیر شد و به نفع مسلمانان حکم کرد. سال‌ها از این ماجرا گذشت و پس از هجرت مسلمانان به مدینه و تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۸ جنگ‌های متعدد، وضعیت اسلام تثبیت شد و مسلمانان حبشه پس از فتح خیبر به سرزمین حجاز بازگشتند و عده‌ای نیز که متمایل به اسلام شده بودند، به همراه مسلمانان به مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و وقتی آیات سوره‌ی «یس» را شنیدند به گریه افتادند و مسلمان شدند. آیه‌ی فوق و چند آیه‌ی بعد به مناسبت رفتار نیکوی نجاشی فرود آمده (۱) و به رفتار محبت‌آمیز برخی مسیحیان با مسلمانان اشاره دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه سه ویژگی مسیحیان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را برمی‌شمارد که درست در مقابل خصوصیات یهودیان قرار دارد و همین ویژگی‌ها تفاوت اساسی آن دو گروه است: الف) دانشمندان کشیش مسیحی (۲) حق را نمی‌پوشانند ولی عالمان یهود حقایق را کتمان می‌کردند. ب) راهبان مسیحی نسبت به دنیا بی‌اعتنا بودند، در حالی که یهودیان حریص و دنیاطلب بودند. ج) مسیحیان فروتن بودند، اما یهودیان خود را نژاد برتر می‌دانستند و از این رو دچار تکبر شدند. ۲. تاریخ اسلام به خوبی نشان داده است که یهودیان بیش‌ترین دخالت را در نبردها، بر ضد اسلام دارند و مستقیم و غیر مستقیم نسبت به مسلمانان دشمنی می‌ورزند و تعداد کمی از آنان به اسلام گرویدند و هنوز هم چنین است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۱۹۹. ۳. براساس این آیه، مسیحیان اصیل آمادگی بیش‌تری برای پذیرش حق دارند و تاریخ نیز این را اثبات کرده است و این حقیقت مسیر تبلیغی آینده‌ی اسلام را نیز روشن می‌کند. ۴. مقایسه‌ی بین یهودیان و مسیحیان در آیه‌ی فوق و صفاتی که برای مسیحیان ذکر شده، بیش‌تر در مورد مسیحیان صدر اسلام است، (۱) اما در اعصار بعدی، به ویژه چند قرن اخیر، مسیحیان غربی، در مورد مسلمانان دست به جنایاتی زدند که کم‌تر از کارهای یهودیان نبود؛ جنگ‌های خونین و طولانی صلیبی به راه انداختند، کشورهای اسلامی را متلاشی و استعمار و استثمار کردند و اخیراً نیز کشورهای عراق و افغانستان را اشغال نظامی کردند و دست به کشتار و شکنجه‌ی مسلمانان زدند؛ البته بسیاری از این اعمال توسط افراد به ظاهر مسیحی صورت می‌گیرد که پیروان واقعی مسیح نیستند و تحت نظر یهودیان و صهیونیست‌ها عمل می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روحانی بودن، زهدگرایی و فروتنی، زمینه‌ساز هم‌گرایی پیروان ادیان الهی است. ۲. دشمنان اسلام یک‌سان نیستند، بلکه (در هر عصری) لازم است میزان دشمنی آنها رده‌بندی شود (و برخورد مناسب با آنان صورت گیرد). ۳. یهودیان و مشرکان سرسخت‌ترین دشمنان مسلمانان هستند.*** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۰ یهود از نگاه قرآن الف) ویژگی‌های روحی و روانی: ۱. حق‌پوشی؛ همان‌طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با نشانه‌هایش می‌شناختند ولی انکار کردند (بقره، ۸۹ و ۱۴۶ و آل‌عمران، ۷۱)؛ ۲. تهمت‌زدن؛ همان‌طور که به مریم علیها السلام تهمت زدند (مریم، ۲۸ و نساء ۱۵۶)؛ ۳. دنیا دوستی شدید (بقره،

۹۶؛ ۴. خیانت کردن در امانت (آل عمران، ۲)؛ ۵. پیمان شکنی (مائده، ۱۳)؛ ۶. سخت دلی (مائده، ۱۳)؛ ۷. آمیختن حق و باطل (آل عمران، ۷۱)؛ ۸. بهانه‌جویی (بقره، ۵۵، ۶۱، ۶۷-۷۳)؛ ۹. دشمن درجه‌ی یک مسلمانان (مائده، ۸۲)؛ ب) کردارهای ناپسند یهود: ۱. رباخواری و باطل خواری (نساء، ۱۶)؛ ۲. قتل پیامبران الهی (مائده، ۷۰-۷۱؛ بقره، ۸۷ و نساء، ۱۵۵)؛ ۳. پیمان شکنی (مائده، ۱۳ و ...). ۴. تحریف گری (مائده، ۱۳ و بقره، ۷۹)؛ ۵. توطئه‌گری برای انحراف مسلمانان (آل عمران، ۷۲ و بقره، ۱۰۹)؛ ۶. ترجیح دادن مشرکان بر موحدان (نساء، ۵۱)؛ ۷. طعنه‌زدن به دین و ریشخند مؤمنان (نساء، ۴۶ و بقره، ۱۰۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۱. ۸. مخالفت با فرمان الهی و تجاوزکاری در مورد روز شنبه (بقره، ۶۵؛ نساء، ۱۵۴؛ اعراف، ۱۶۳ و نحل، ۱۲۴)؛ ج) عقاید نادرست: ۱. عذیر (عزرا) را فرزند خدا می‌دانند (توبه، ۲۰)؛ ۲. خود را فرزندان و دوستان خدا می‌دانند (مائده، ۱۸)؛ ۳. با جبرئیل (فرشته‌ی بزرگ الهی) دشمنی می‌کنند (مائده، ۶۲-۶۳ و بقره، ۹۷ و ۱۱۱)؛ ۴. بهشت را مخصوص یهود می‌دانند (بقره، ۹۴-۹۵ و جمعه، ۶-۷)؛ ۵. علما را تقدیس بی‌جا می‌کنند (توبه، ۳۱)؛ ۶. منکر نزول وحی بر انسان هستند (انعام، ۹۱)؛ ۷. گوساله می‌پرستیدند (بقره، ۵۴)؛ ۸. دست خدا را بسته می‌دانند (مائده، ۶۴). تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۲. قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و سوم سوره‌ی مائده به احساسات لطیف برخی مسیحیان در برابر آیات قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۳. وَإِذَا سَمِعُوا مِآءً أَنْزَلَ إِلَيْهِ الرَّسُولَ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَهَكَامِي كَهَ أَنْجَه رَا بَه سَوِي فَرَسْتَاة [خدا] فرود آمده، می‌شنونند، می‌بینی در اثر حقیقتی که شناخته‌اند، اشک (شوق) از دیدگان‌شان سرازیر می‌شود. می‌گویند: «ای پروردگار ما! ایمان آوردیم، پس ما را با گواهان بنویس. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کسانی که با شنیدن آیات قرآن اشک شوق ریختند، یا مسیحیانی بودند که در حبشه، همراه با نجاشی، آیات سوره‌ی مریم را از جعفر بن ابی طالب شنیدند و یا مسیحیانی بودند که همراه جعفر به مدینه آمدند و آیات سوره‌ی «یس» را شنیدند و اشک شوق ریختند. «۱» ۲. در آیه اشاره شده که اشک شوق مسیحیان همراه با معرفت و شناخت حق بود؛ از این رو نشانه‌ی کمال به شمار می‌آید. ۳. در این آیه به چهار مرحله اشاره شده است: شنیدن آیات خدا، شناختن حق، ایمان آوردن و اقرار کردن، و دعا و درخواست ملحق شدن به گواهان حق‌گو. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن بر دل‌های آماده تأثیر عمیقی دارد و اشک شوق انسان‌های با معرفت را سرازیر می‌کند. ۲. شنیدن آیات الهی را با شناخت حق و دعا همراه سازید. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۳. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و چهارم سوره‌ی مائده به سخنان برخی مسیحیان صدر اسلام و لزوم اقرار به حق اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۴. وَمَا لَنَا لَأَنزُومِنَ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ وَبِرَاي مَا چَه (عذری) است، که به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، و حال آنکه طمع داریم، پروردگارمان ما را در [زمره گروه شایستگان در آورد؟] نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نیکوکاران کسانی هستند که پس از توجه به حق، شجاعانه و صریح و صادقانه به آن اقرار می‌کنند و از جو زمان و هم‌کیشان خود نمی‌هراسند؛ آنان هم به خود نیکی می‌کنند و هدایت می‌یابند و هم با اقرارشان، راه حق‌پویی را برای دیگران می‌گشایند. ۲. آیه‌ی فوق سخن گروهی از مسیحیان تازه‌مسلمان است که قرآن آن را به عنوان وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بازگو کرده است؛ آری، برخی افراد چنان شایستگی پیدا می‌کنند که سخنانشان به صورت آیه‌ای از قرآن درمی‌آید و جاویدان می‌شود. این نتیجه‌ی حق‌پذیری و اخلاص آنان است. ۳. طمع به مقامات معنوی و امیدواری (به نجات و رستگاری)، وقتی مفید است که آثار آن به صورت باور و ایمان در انسان ظاهر شود؛ آری، بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس می‌خواهد به شایستگان ملحق شود، به خدا و حقایقی که از طرف او آمده، ایمان بیاورد. ۲. هر گاه حق به شما رسید، آن را باور کنید و ایمان آورید. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۴. ۳. امید به مقامات معنوی را با ایمان همراه سازید (تا نتیجه بگیرید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و پنجم سوره‌ی مائده به سرنوشت مسیحیان حق‌پذیر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۵. فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّتِ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ پس به پاس آنچه گفتند، خدا به آنان بوستان‌های (بهشتی) پاداش داد که از زیر [درختان] ش، نهرها

روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و این پاداش نیکوکاران است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بهشت، پاداش سخنان مسیحیان تازه‌مسلمان بود که شجاعانه به اسلام ایمان آوردند و اقرار کردند؛ گاهی سخن انسان آن قدر مهم و عزیز است که پاداش آن بهشت است. ۲. «۱» خداوند مسیحیان شجاع و مؤمن را نیکوکار معرفی کرد؛ پس روشن می‌شود که یکی از موارد و مصادیق نیکوکاری، گفتن سخن حق و اقرار به ایمان است. ۳. طبق این آیه زبان و گفتار سبب رستگاری صاحب سخن شد. اما زبان، شمشیرِ دو لب است و گاهی سخنان بیهوده و گناه‌آلود آن انسان را از حق دور و سرانجام گرفتار آتش می‌کند؛ پس باید مراقب آن باشیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۵. ۲. پاداش سخنان شجاعانه و نیکوکاری، بهشت برین است. ۳. اگر بهشت می‌خواهید، نیکوگفتار و نیکوکردار شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و ششم سوره‌ی مائده به فرجام عذاب‌آلود کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۶. وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ وَ كَسَانِي كَفَرٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ وَأَنَّهُمْ كَافِرُونَ. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «یاران دوزخ»، تعبیری کنایی به معنای همراهی و ماندگاری کافران در آتش است. ۲. مقصود از «آیات» در آیه‌ی فوق چیست؟ ممکن است منظور همان نشانه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات باشد که یهودیان تکذیب کردند، و یا مراد، معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله، مثل آیات قرآن باشد که مخالفان اسلام آنها را نپذیرفتند و تکذیب کردند. ۳. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت مؤمنان نیکوکار را در برابر کافران تکذیب‌گر به تصویر می‌کشد تا هر کس بتواند با مطالعه‌ی آنها، راه آینده‌ی خود را آگاهانه انتخاب کند. در این آیات نیز از همین شیوه‌ی تربیتی استفاده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کفرورزی و تکذیب‌گری، عذاب‌آلود است. ۲. فرجام عذاب‌آلود کافران (و پاداش نیکوکاران) را ببینید و راه خود را انتخاب کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۶ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۶ قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هفتم سوره‌ی مائده در مورد حرام کردن امور حلال و تجاوز از حدود الهی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۸۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتٍ مَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَمَّا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاک [نیکو] را که خدا برای شما حلال کرده است، ممنوع نسازید؛ و (از حدّ) تجاوز ننمایید؛ [چرا] که خدا متجاوزان را دوست نمی‌دارد. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد این گونه حکایت شده که روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد رستاخیز به مردم هشدار دادند. در اثر بیانات تکان‌دهنده‌ی ایشان، گروهی گریستند و گروهی از یاران آن حضرت تصمیم گرفتند که برخی از لذت‌ها را بر خود حرام کنند؛ از جمله علی علیه السلام سوگند یاد کرد که شب‌ها کم‌تر بخوابد و به عبادت مشغول شود و بلال سوگند یاد کرد که همه‌ی روزها روزه بدارد و عثمان بن مظعون قسم یاد کرد که از هم بستر شدن با همسر خویش دوری گزیند. همسر عثمان بن مظعون این خبر را به عایشه داد و در نتیجه، خبر به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. ایشان مردم را در مسجد جمع کردند و گفتند: سنت من بهره بردن از همسران و خوابیدن قسمتی از شب است و همه‌ی روزها را روزه نمی‌گیرم؛ و هر کس از سنت من روی بگرداند از من نیست. سپس فرمود: رهبانیت و گوشه‌نشینی در آیین من نیست و رهبانیت امت من جهاد است. بر خود سخت‌نگیرید؛ که گروهی از پیشینیان شما بر اثر سخت‌گیری بر خود هلاک شدند. پس از سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گروهی که سوگند یاد کرده بودند، گفتند: وظیفه‌ی ما در برابر قسم‌ها چه می‌شود؟ آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۷ بدین مناسبت فرود آمد و به آنان پاسخ داد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق، علاوه بر اشاره به جریان شأن نزول، ممکن است اشاره‌ای به آیات قبل داشته باشد که در آنها از رهبانان مسیحی تمجید شده بود؛ یعنی می‌گوید: اگر مسیحیان تارک دنیا را مدح کردیم، به خاطر انعطاف و تسلیم آنان در برابر حق بود، نه به خاطر برنامه‌ی ترک دنیا و ممنوعیت چیزهای پاکیزه که راهبان انجام می‌دهند. ۲. مسلمانان حق ندارند رهبانیت پیشه کنند و با ترک دنیا، چیزهای حلال را بر خود حرام کنند؛ «۲» همان طور که حق ندارند اسراف نمایند و از حد تجاوز کنند؛ اسلام با افراط و تفریط و اسراف و ترک دنیا مخالف است. ۳. «طیبات» چیزهای پاک و

پاکیزه‌ای است که موافق طبع و فطرت انسان است و اسلام مخالف استفاده از آن‌ها این است؛ هم چون غذاهای نیکو و پاک، همسر خوب، لباس مناسب و ... آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حرام و حلال کردن چیزها، از حوزه‌ی دخالت شما خارج است. ۲. در مسائل دینی افراط و تفریط نکنید. ۳. در قانون‌گذاری الهی دخالت نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی مائده مؤمنان را به استفاده از چیزهای حلال و پاکیزه فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۸۸. وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَلًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۸ و از آنچه خدا «روزی» شما نموده، در حالی که حلال و پاکیزه است، بخورید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی که شما به او ایمان دارید، حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا برای هر کس روزی حلال و پاک و پاکیزه در نظر گرفته است؛ پس به دنبال حرام و ناپاک نروید. در حدیثی آمده است: «خدا رزق مردم را از حلال معین کرده است و هر جا که به حرام روی آورند، از سهم حلال آنان کم می‌شود.» (۱) ۲. جمله‌ی آخر آیه‌ی فوق را دو گونه تفسیر کرده‌اند: الف) مقصود آن است که ایمان شما به خدا ایجاب می‌کند که همه‌ی دستورات او را در مورد بهره‌گیری از مواهب و رعایت اعتدال و تقوا محترم شمارید. ب) مقصود آن است که ممنوعیت امور پاک و حلال با درجه‌ی عالی تقوا ناسازگار است و تقوا ایجاب می‌کند که انسان از حد اعتدال خارج نشود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. چیزهای پاک و پاکیزه، روزی مؤمنان با تقواست؛ پس از آنها استفاده کنید. ۲. تقوا با ایمان انسان رابطه دارد (بلکه تقوا از ثمرات ایمان است). ۳. دقت کنید که تغذیه‌ی شما از مال حلال و پاک باشد و در استفاده از آن تقوا را رعایت کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۰۹ قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی مائده به اقسام سوگندها و کفاره‌ی مخالفت با سوگند اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۹. لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْهُ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَّةً يَوْمَ تَلْتَمِ الْأَيْمَانُ ذَلِكُمْ كَفْرٌ أَیْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ خدا شما را بخاطر سوگندهای بیهوده [بی توجه تان بازخواست نخواهد کرد؛ و لیکن به سبب سوگندهایی که (محکم) یاد کرده (و شکسته‌اید)، مؤاخذه می‌کند، و جریمه آن: غذا دادن به ده (نفر) بینواست، از غذای متوسطی که به خانواده‌هایتان می‌دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آنان؛ و یا آزاد سازی بنده‌ای؛ و هر کس که (هیچ کدام از اینها را) نیابد، پس سه روز روزه بدارد؛ این، جریمه سوگندهای شماست، به هنگامی که سوگند یاد می‌کنید (و مخالفت می‌نمایید). و سوگندهای خود را پاس دارید (و نشکنید). اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوگندهای «لغو» یا بیهوده، که کفاره و تاوان ندارند، عبارت‌اند از: الف) سوگندهایی که دارای هدفی مشخص و بر اساس اراده‌ی جدی نیست و بدون توجه، یا به عنوان تکیه کلام و از روی عادت، یا در حال هیجان و خشم، بدون اراده یاد می‌شود. ب) سوگندهایی که انسان بر اساس یقین به مطلبی یاد کند، سپس معلوم شود که اشتباه کرده است. ج) سوگند برای انجام کارهای نامشروع یا مکروه نیز، داخل مفهوم وسیع آیه‌ی فوق است؛ زیرا اگر محتوای قسم کار نامشروع یا مکروه باشد، آن قسم تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۰ بی‌ارزش است و وفای به آن لازم نیست. «۱» ۲. سوگندی معتبر است که اولاً، به نام خدا باشد؛ ثانیاً، محتوای آن چیزی نیکو یا جایز باشد و ثالثاً، سوگند لغو و بیهوده نباشد و محکم و جدی باشد. «۲» در این صورت عمل به آن واجب، و شکستن آن حرام است و در صورتی که کسی با سوگند خویش مخالفت کند، باید کفاره‌ی آن را بپردازد. ۳. کفاره‌ی سوگند یکی از سه چیز است: الف) تأمین غذای ده نفر؛ ب) تأمین پوشاک ده نفر؛ ج) آزاد کردن یک بنده. ۴. واژه‌ی «اوسط» به معنای حد متوسط است؛ یعنی غذایی که به ده نفر بینوا، برای کفاره‌ی سوگند داده می‌شود، باید از نظر کیفیت و کمیت، در حد معتدل و متوسط باشد؛ البته این حد وسط در شهرها و زمان‌های مختلف، متفاوت است. و ممکن است واژه‌ی «اوسط» به معنای خوب و عالی باشد، یعنی از بهترین غذای خانواده‌ی خویش کفاره‌ی سوگند را بپردازد. ۵. یکی از موارد کفاره‌ی سوگند، تأمین لباس ده نفر است که مقدار آن چیزی است که یک انسان را بپوشاند (حداقل یک قطعه برای مردان و دو قطعه برای زنان که بر طبق مناطق و زمان‌ها و فصل‌ها متفاوت است)، ولی از تفسیر قرآن مهر جلد پنجم،

ص: ۲۱۱ نظر کیفیت، ظاهراً، هر گونه لباسی می‌تواند باشد. «۱» ۶. آزاد کردن یک برده برای کفاره‌ی قسم، «۲» نوعی سیاست و برنامه‌ریزی اسلام برای مبارزه با برده‌داری است که در نهایت، منتهی به حذف برده‌داری از سرزمین‌های مسلمان‌نشین شد. ۷. در احکام اسلام جریمه‌های مالی نیز وجود دارد. جریمه‌ی مالی باید با وضع مالی و خانوادگی افراد متناسب باشد؛ از این رو فرمود: کفاره‌ی قسم را از حد متوسط غذای خانواده بپردازید. ۸. احکام اسلام آسان است؛ از این رو برای سوگندهای غیر جدی، کفاره قرار نداده و در سوگندهای کفاره‌دار نیز، به شخص کفاره دهنده حق انتخاب داده است. ۹. حفظ حریم سوگند، پاس حریم نام خداست و این امر موجب می‌شود که مردم در سوگندهای خود دقت بیش‌تری کنند و دیگران نیز به سوگند افراد اعتماد بیش‌تری نمایند. ۱۰. پرداخت جریمه و کفاره‌ی سوگند، نوعی خودسازی است؛ زیرا انسان جرأت سوگندشکنی خود را با جریمه دادن یا روزه گرفتن جبران می‌کند، از این رو لازم است که سپاس خدا را به جا آوریم که چنین قوانین نیکویی برای ما قرار داده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۲ *** ۱. باید توجه کنید که برای هر کاری قسم نخوریم. ۲. قسم برای کارهای حرام و مکروه جایز نیست. ۳. دیگر قسم یاد کردید باید به آن عمل کنید، در غیر این صورت باید کفاره‌ی شکستن قسم را بدهید. ۴. در واقع با پرداخت کفاره، نوعی خودسازی انجام می‌دهید. قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی مائده به ممنوعیت شراب، قمار، بت‌پرستی و بخت‌آزمایی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و چوب‌های شرطبندی فقط پلیدند [و] از کار شیطانند؛ پس، از آن [ها] دوری کنید، باشد که شما رستگار شوید. شأن نزول: حکایت شده که «سعد بن وقاص» مهمان مردی از انصار شد و پس از صرف غذا، شراب نوشیدند (و این قبل از ممنوعیت شراب در اسلام بود)؛ آن‌گاه با حالت مستی افتخارات خود را بیان می‌کردند و کم‌کم مشاجره‌ای در گرفت و سعد زخمی شد. او جریان را خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گزارش داد، و در این هنگام بود که آیه‌ی فوق فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شراب در جوامع قبل از اسلام، از نوشیدنی‌های رسمی به شمار می‌رفت و عرب‌ها نیز به شعر، شراب و جنگ علاقه‌ی وافری داشتند. در تورات و انجیل نیز شراب‌خواری منع نشده بلکه به نوعی تشویق شده «۲» و تنها تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۳ دینی که آن را حرام کرده اسلام است؛ از این رو ممنوعیت شراب با توجه به زیان‌های جسمی، روحی، روانی و اقتصادی آن، از شگفتی‌های علمی قرآن کریم شمرده شده است. «۱» ۲. خطاب «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!» در آیه‌ی فوق، نشان می‌دهد که شراب‌خواری و قماربازی با روح ایمان سازگار نیست. ۳. شراب و قمار در ردیف بت‌ها (و سنگ‌هایی که شکل مخصوصی نداشتند «۲») قرار داده شده‌اند، و این، خطر بزرگ شراب‌خواری و قماربازی را نشان می‌دهد. در حدیثی نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که: «شراب‌خوار همانند بت‌پرست است.» «۳» ۴. در این آیه، شراب و قمار و بت‌ها و وسایل بخت‌آزمایی «پلید» خوانده شده‌اند تا زشتی این کارها بیش‌تر روشن شود. در عصر ما پلیدی‌ها و ضررهای شراب‌خواری و قماربازی به خوبی روشن شده است؛ «۴» شراب عامل برخی بیماری‌های جسمی و روانی، مثل جنون است؛ بسیاری از جنایت‌ها و قتل‌ها در حال مستی و اعتیاد به الکل روی می‌دهد و ضررهای اقتصادی شراب و قمار طبق آمارهای جهانی به صورت مستدل بیان شده است و علاوه بر آن، فساد اخلاقی، طلاق، جرایم جنسی، ضرب و جرح‌ها و خودکشی‌های زیادی ثمره‌ی قماربازی و شراب‌خواری تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۴ است. «۱» ۵. در آیه‌ی فوق شراب‌خواری، قماربازی، بت‌پرستی و مسابقه‌ی بخت‌آزمایی از اعمال شیطانی «۲» معرفی شده‌اند؛ یعنی شیطان و شیطان‌صفتان از این وسایل استفاده می‌کنند تا انسان را از خدا جدا سازند. ۶. تعبیر «اجتناب کنید»، برای تأکید بر مطلب است؛ چون در آیه‌ی فوق فرمود «شراب ننوشید»، بلکه فرمود «از آن دوری کنید»، یعنی حتی به آن نزدیک هم نشوید. «۳» ۷. همه‌ی دستورات اسلام برای نجات و رشد و رستگاری و سعادت‌مندی انسان است؛ از این رو در پایان آیه اشاره شده است که اگر از این امور دوری کنید، زمینه‌ی رشد، رستگاری و سعادت خویش را فراهم ساخته‌اید. ۸. «ازلام» نوعی قرعه‌کشی با چوب بود «۴» که در

جاهلیت رواج داشت. این قرعه کشی شبیه بخت آزمایی «۵» بود و افراد را سرگرم می‌کرد و از هدف و رستگاری و سعادت و یاد خدا غافل می‌ساخت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جامعه‌ی انسانی با شراب‌خواری، قماربازی، بت‌پرستی و قرعه‌کشی غیرمشروع به سعادت نمی‌رسد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۵. ۲. اگر می‌خواهید به سعادت برسید، از کارهای شیطانی بپرهیزند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی مائده به زیان‌های اجتماعی و معنوی شراب‌خواری و قماربازی اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۱. *إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ* شیطان می‌خواهد به سبب شراب و قمار، در بین شما فقط دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما (به شراب‌خواری و قماربازی) پایان می‌دهید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به برخی پیامدهای زیانبار شراب‌خواری و قماربازی اشاره شده است، که در حقیقت حکمت و فلسفه‌ی ممنوعیت آنهاست: الف) زیان‌های اجتماعی: در اثر شراب‌خواری و قماربازی افراد جامعه، هم‌چون حیوانات درنده، کینه‌ورز و دشمن یکدیگر می‌شوند و یا در اثر مستی به جان هم‌دیگر می‌افتند. آمار جنایات در جامعه‌هایی که شراب‌خواری و قماربازی در آنها آزاد است، سرسام‌آور است و درصد زیادی از جرایم، ضرب و جرح‌ها، فسادهای اخلاقی و دیگر جنایات، در اثر شراب‌خواری و قماربازی است. ب) زیان‌های معنوی: انسان در اثر مستی خود را فراموش می‌کند و در نتیجه از یاد خدا نیز غافل می‌شود و نماز را ترک می‌کند و از رشد و تکامل روحی و معنوی باز می‌ماند. ۲. یاد خدا و نماز بسیار مهم است و کمر شیطان‌صفتان را می‌شکند؛ از این رو آنان به واسطه‌ی شراب و قمار، از یاد خدا و نماز جلوگیری می‌کنند. با این که نماز هم، نوعی ذکر خداست، آن را به صورت ویژه بیان کرد، تا بر تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۶ اهمیت نماز تأکید ورزد. «۱» ۳. هر چند شراب‌خواری، زیان‌های شخصی، جسمی و مادی فراوانی دارد، قرآن بر زیان‌های اجتماعی و روحی و معنوی آن تأکید کرد، تا اهمیت این گونه ضررها را نشان دهد؛ و در پایان آیه خواستار پایان دادن به شراب‌خواری و قمار بازی شد. «۲» ۴. شیطان درون و برون خود را بشناسید: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: باید شیطان‌ها را بشناسید. تا نشناسید، نمی‌توانید از خودتان دفاع کنید. شیطان خودتان را بشناسید، شیطان باطن خودتان را بشناسید، شیطان خارجی را هم بشناسید تا بتوانید با آنها جهاد کنید. شیطان باطنی انسان، خود آدم است، خود انسان، آن نفسیت انسان، آن هواهای انسان. «۳». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان و شیطان‌صفتان می‌خواهند شما را از یاد خدا و نماز دور کنند و بین شما کینه و دشمنی و تفرقه بیفکنند، (پس به هوش باشید). ۲. شراب‌خواری و قماربازی زیان‌های اجتماعی و معنوی دارد (پس از تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۷ آنها بپرهیزید). ۳. توطئه‌ها و آتش‌افروزی‌های دشمنان شیطان صفت و وسایل آنها را بشناسید (و مواظب باشید). ۴. شراب‌خواری و قماربازی نکنید، و گرنه گرفتار اختلافات اجتماعی و غفلت می‌شوید. ۵. با یاد خدا، نماز و روابط محبت‌آمیز و ترک شراب‌خواری و قماربازی، توطئه‌های شیطان را درهم شکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی مائده به وظایف متقابل پیامبر اسلام و مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۲. *وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاعْبُدُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ* و خدا را اطاعت کنید و فرستاده [او] را اطاعت نمایید؛ و (از مخالفت او) بيمناک باشید؛ و اگر روی برتایید، پس آگاه باشید که بر عهده فرستاده ما رساندن [پیام روشن‌گر و] آشکار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از تکرار جمله‌ی «اطاعت کنید.» استفاده می‌شود که ممکن است فرمان‌های خدا و پیامبر متفاوت باشد و مسلمانان موظف‌اند همان‌طور که از فرمان خدا اطاعت می‌کنند، از احکام حکومتی و دستورات شرعی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اطاعت کنند. ۲. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت روشن و رساندن پیام الهی و اتمام حجّت است، ولی او مردم را در پیمودن راه حق اجبار نمی‌کند؛ هر کس خواست اطاعت کند و به سعادت برسد و هر کس نخواست نپذیرد و به کژراهه رود و گرفتار عذاب گردد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۸. ۳. دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، موافق عقل و فطرت و به نفع انسان‌هاست؛ پس اگر کسی از این قوانین روی برتابد، فقط به خودش زیان می‌رساند و پیامبر صلی الله علیه و آله در این رابطه مسئولیتی ندارد؛ چون وظیفه‌اش را انجام داده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اطاعت دستورات

خدا و رهبران الهی لازم است. ۲. وظیفه‌ی رهبران و مبلغان دینی پیام‌رسانی و اتمام حجت است (نه مجبور کردن مردم). ۳. از مخالفت با دستورات الهی بپرهیزید (و گرنه به خودتان زیان می‌رسانید و مستحق کیفر می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی مائده به لغزش افراد ناآگاه قبل از ابلاغ قانون شراب‌خواری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۳. لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ بر کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، هیچ گناهی در مورد آنچه (قبلاً) خورده‌اند، نیست؛ در صورتی که (خود نگهداری و) پارسایی کنند، و ایمان بیاورند، و [کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس (خود نگهداری و) پارسایی کنند و ایمان بیاورند؛ سپس پارسایی (و خود نگهداری) پیشه کنند و نیکی نمایند؛ و خدا، نیکوکاران را دوست می‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۱۹ شأن نزول: حکایت شده که پس از نزول آیات قبل در مورد ممنوعیت شراب و قمار، برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: اگر این دو کار گناه است، پس تکلیف برادران مسلمان ما که این اعمال را ترک نکرده، از دنیا رفتند، چه می‌شود؟ این آیه بدین مناسبت فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بیان می‌کند که اگر کسی قبل از ابلاغ قانون ممنوعیت شراب‌خواری، شراب نوشیده است، اشکالی بر او نیست و کیفر نمی‌شود و به اصطلاح، قانون عطف به ما سبق نمی‌شود و گذشته را شامل نمی‌گردد؛ البته به شرط آن که مراتب ایمان، تقوا و عمل صالح را رعایت کرده باشد. ۲. مفسران قرآن در مورد تکرار «تقوا، ایمان و عمل صالح» چند احتمال داده‌اند: الف) مقصود از این تکرارهای سه‌گانه، تأکید بر موضوع است؛ تقوا و ایمان و عمل صالح، از موضوعات مهمی است که لازم است به طور جدی بر آن تأکید شود. ب) هر کدام از این سه جمله ناظر به یک مرحله از احساس مسئولیت و پارسایی است؛ یعنی مرحله‌ی ابتدایی، متوسط و نهایی تقوا. مرحله‌ی ابتدایی تقوا انسان را به سوی تحقیق و بررسی در باره‌ی دین می‌برد و نتیجه‌اش ایمان و عمل صالح است. مرحله‌ی متوسط تقوا، همان تقوای درونی و مستقر در جان انسان است. و مرحله‌ی نهایی تقوا، همان تقوای عالی است که انسان را به کارهای نیک غیر واجب نیز فرا می‌خواند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۰ ج) تکرار این جملات در قرآن برای استمرار ایمان و تقواست. «۱» ۳. از احادیث و سخنان مفسران استفاده می‌شود که ایمان و تقوا، درجات و مراحل دارد. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که ایمان حالات و درجات و طبقات و مراحل دارد که برخی کامل و به مرحله‌ی نهایی رسیده و برخی ناقص و برخی نیکوتر است. «۲» و در حدیث دیگر آمده است: تقوا بر سه صورت است: یکی تقوای عام که آن ترک حرام به خاطر ترس از آتش است و دوم، تقوای خاص و آن ترک شبهات و حرام‌هاست و سوم، تقوای خاص‌الخاص که آن ترک کارهای مباح و شبهات است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لغزش افراد ناآگاه، قبل از ابلاغ قانون، کیفری ندارد. ۲. بر ایمان، تقوا و نیکوکاری خود بیفزایید (و لغزش‌های گذشته را جبران نمایید). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی مائده به آزمایش مسلمانان به وسیله‌ی ممنوعیت شکار در حال احرام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيُتْلَىٰ عَلَيْكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۱ وَرِمَاحُكُمْ لِيُغْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً خدا شما را به چیزی از شکار، در حالی که آن در دسترس شما و نیزه‌هایتان است، می‌آزماید؛ تا خدا معلوم دارد، کسی را که در نهان از او می‌ترسد؛ و هر کس بعد از این تعدی کند، پس برایش عذابی درناک است. شأن نزول: حکایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به همراه مسلمانان، در سال صلح حدیبیه، با حال احرام برای عمره حرکت کردند؛ در بین راه با حیوانات وحشی فراوانی روبه‌رو شدند، به طوری که می‌توانستند آنها را با دست و نیزه شکار کنند. این آیه بدین مناسبت فرود آمد و مسلمانان را از شکار برحذر داشت و به آنان هشدار داد که این یک نوع امتحان الهی است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حالت احرام عمره یا حج، حاجیان، حق شکار ندارند؛ و آیه‌ی فوق این حالت را نوعی آزمایش الهی معرفی می‌کند. ۲. وجود شکار زیاد در دست‌رس مردم، در سرزمین مکه، امری بی‌سابقه بوده است و این، با توجه به نیاز شدید آنان به غذا، یک نوع آزمایش بزرگ الهی بود که آیه‌ی فوق آن را پیش‌بینی

نمود. ۳. مقصود از تعبیر «تا خدا بداند»، آن نیست که خدا بعضی چیزها را با آزمایش متوجه می‌شود و می‌فهمد، بلکه منظور آن است که می‌خواهیم به واقعیت علمی خود، جامه‌ی عمل و تحقق خارجی بپوشانیم و معلوم داریم؛ یعنی نیت‌ها کافی نیست، بلکه لازم است این امور به صورت افعال خارجی پیاده شوند تا با امتحانات الهی حجت بر مردم تمام شود و طبق اعمالشان کیفر و پاداش خود را دریافت کنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۲. ۴. ملا-ک پیروزی در امتحانات الهی، خوف درونی و پنهانی است؛ یعنی این که انسان در خلوت از خدا بهراسد و با دستورات الهی مخالفت نکند. ۵. قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای مؤمنان! شما در معرض آزمایش الهی هستید. ۲. در هنگام دست‌رسی به گناه و در نمان روشن می‌شود که چه کسی در امتحان الهی پیروز است. ۳. محرمات احرام حج نوعی آزمایش است. ۴. پس از ابلاغ قوانین الهی تخلف نکنید که گرفتار عذاب می‌شوید.

مسائل مکه

مسائل مکه قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی مائده به ممنوعیت شکار در حال احرام و توان مخالفت با این قانون اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هِدْيًا بَلِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفْرَهُ طَعَامٌ مَّسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكُمْ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که شما مُحْرِم هستید صید را مکشید؛ و هر کس از شما عمداً آن را بکشد پس کیفری نظیر آنچه کشته است، از چهار پایان (بر او واجب است)؛ که دو [نفر] عادل از شما، (معادل بودن) آن را داوری کنند؛ در حالی که به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا جریمه‌ای که (همان) غذا دادن به بینویان است؛ یا معادل آن، روزه‌ای (واجب است)؛ تا سنگینی (کیفر) کارش را بچشد. خدا تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۳ آنچه را در گذشته واقع شده بخشیده است، و [لی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد؛ و خدا شکست‌ناپذیری صاحب انتقام است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممنوعیت شکار در حال احرام، تمام انواع حیوانات صحرائی، اعم از حلال گوشت و حرام گوشت را شامل می‌شود و روایاتی از اهل بیت علیهم السلام نیز این مطلب را تأیید می‌کند، «۱» اما شامل حیوانات اهلی نمی‌شود؛ چون به آنها شکار گفته نمی‌شود. ۲. طبق احادیث اسلامی، نه تنها شکار کردن حیوانات در حال احرام، بلکه کمک به شکار کردن و نشان دادن شکار نیز ممنوع است. «۲» ۳. ممکن است فلسفه و حکمت حرام شدن «شکار در حال احرام» چند چیز باشد: الف) حج و عمره، عبادت و عملی معنوی است که انسان را از جهان ماده جدا می‌کند و به سوی یک نوع ریاضت مشروع الهی سوق می‌دهد؛ ممنوعیت شکار نیز در همین راستا و برای رسیدن به این حالت معنوی است. ب) هر سال، میلیون‌ها نفر برای اعمال حج و عمره به مکه می‌روند و اگر بنا شود که هر کدام از آنها یک حیوان را شکار کنند، پس از چند سال، نسل بسیاری از حیوانات آن منطقه منقرض خواهد شد؛ پس اسلام برای حفظ محیط زیست و بقای نسل حیوانات آن منطقه، شکار کردن در آنجا و حتی کندن درختان و گیاهان آنجا را ممنوع کرده است. این مطلب، با توجه به خشک و داغ بودن منطقه‌ی جزیره‌ی العرب اهمیت بیش‌تری می‌یابد و دقت اسلام را در قانون‌گذاری نشان می‌دهد. «۳» ج) به خاطر اهمیت حفظ امنیت حرم الهی و سرزمین مکه، هر گونه تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۴ تعرض به جان دیگران و حتی حیوانات در آنجا ممنوع است. ۴. در این آیه به کفاره و توان شکار در حال احرام اشاره شده که یکی از موارد زیر است و انتخاب آن به عهده‌ی شکارچی است: الف) به اندازه‌ی شکار، چهارپایی را قربانی کند. ب) به جای قربانی، پول آن را برای غذای بینویان مصرف کند. ج) به جای قربانی، روزه بگیرد. ۵. در کفاره‌ی شکار، مقصود از همانند بودن «قربانی» با «شکار» چیست؟ مفسران و فقها در این مورد دو احتمال داده‌اند: برخی آن را همانندی در شکل و اندازه‌ی حیوان، و برخی دیگر همانندی در قیمت و ارزش حیوان دانسته‌اند. «۱» اما معنای اول مشهور است و با ظاهر آیه نیز سازگارتر است. ۶. در مورد مقدار

کفاره‌ی شکار، که به صورت غذا به بینوایان داده می‌شود، در آیه‌ی مطلبی نیامده است، ولی از سیاق آیه استفاده می‌شود که لازم است به اندازه‌ی قیمت حیوان قربانی، غذا به بینوایان داده شود. ۷. در مورد روزه‌ای که کفاره‌ی شکار است، از برخی احادیث استفاده می‌شود که معادل هر یک یا دو مُد غذا (که هر مُد حدود ۷۵۰ گرم گندم و مانند آن است) یک روز روزه بگیرد. «۲» ۸. از ظاهر آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که با تکرار شکار، کفاره تکرار نمی‌شود و برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز همین مطلب را تأیید می‌کند، «۳» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۵ اما تکرار این گناه عقوبت سخت الهی و انتقام خدا را در پی دارد. ۹. قانون اسلامی کفاره‌ی شکار در حال احرام، شامل خطاهای گذشته نمی‌شود؛ چرا که قانون «عطف به ماسبق» نمی‌گردد. ۱۰. اجرای قوانین الهی و پرداخت جریمه‌ی آن، «۱» جنبه‌ی تربیتی دارد و به خاطر کیفر کار خلاف و جلوگیری از تکرار آن است. ۱۱. در برخی احادیث آمده است که «مقصود از عادل در آیه‌ی فوق، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام بعد از اوست.» «۲» روشن است که این گونه روایات نوعی تعیین مصداق عادل کامل است. ۱۲. «انتقام» انسان‌ها برای کینه‌ورزی و جبران شکست است، ولی انتقام الهی در حقیقت نتیجه‌ی بدکاری خود انسان است، و گر نه خدای کریم و مهربان نیازی به انتقام ندارد و اگر کسی را تهدید به عذاب می‌کند، برای جلوگیری از کارهای خلاف اوست که مانع رشد و تکامل خودش و دیگران می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با حرمت‌شکنان و حریم‌شکنان الهی برخورد کنید. ۲. احترام حالت احرام را نگاه دارید. ۳. در جریمه‌های مالی، تنوع و جای‌گزین قرار دهید (تا مردم گرفتار مشکل نشوند). ۴. قانون عطف به ماسبق نمی‌شود و کفرهای الهی شامل خطاهای تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۶ گذشته نمی‌گردد. ۵. با تکرار قانون‌شکنی به شدت برخورد کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی مائده به حلال بودن صید دریا برای شخص در حال احرام اشاره می‌کند و با تأکید بر تقوا می‌فرماید: ۹۶. *أَحَلَّ لَكُم مَّا فِي الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَعَا لَكُم وَ لِلسَّيَارَةِ وَ حَرَّمَ عَلَيْكُم صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ* صید دریا و غذای آن برای شما حلال شده است؛ تا بهره‌ای برای شما و برای مسافران (در حال احرام) باشد. ولی تا وقتی که مُحَرَّم هستید، شکار صحرا برای شما حرام شده است؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی حفظ کنید، که فقط به سوی او گردآوری می‌شوید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود آیه این است که به مُحَرَّم اجازه دهد از صیدهای دریایی که قبل از احرام برای او حلال بوده، در حال احرام نیز استفاده کند. «۱» این مطلب از سیاق آیه استفاده می‌شود. ۲. مقصود از «طعام» در این آیه همان خوراکی‌هایی است که از ماهیان صید شده ترتیب داده می‌شود؛ زیرا آیه می‌خواهد دو چیز را مجاز کند: یکی صید کردن و دیگری خوردن غذای صید شده. ۳. فرآورده‌های دریایی مخصوص ساحل‌نشینان نیست، بلکه مسافران نیز می‌توانند به روش‌های خاص، مثل بسته‌بندی کردن، از این غذا در مناطق دیگر نیز استفاده کنند. ۴. حاجیان مکه می‌توانند از ذخایر عظیم دریایی صید کنند، اما حق ندارند با شکار در خشکی، محیط زیست و امنیت حرم مکه را به خطر اندازند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در حال احرام، برای شکار خشکی و دریایی قوانین خاصی وجود دارد (آنها را بشناسید و بدان‌ها عمل کنید). ۲. معادباوری، زمینه‌ی خودنگهداری و پارسایی است. ۳. از فرآورده‌های دریایی (حلال) در هر حال بهره ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی مائده به اهمیت و نقش کعبه و ماه‌های حرام و قربانی‌ها در زندگی مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. *جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ الْهُدَى وَ الْقَلْبَةَ ذَلِكُمْ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* خدا، کعبه، خانه محترم، و ماه حرام، و قربانی‌های بی‌نشان، و قربانی‌های نشاندار را، [وسیله به پا داشتن (مصلحت‌ها) برای مردم قرار داد؛ این (امور) بخاطر آن است که بدانید در واقع خدا، آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، می‌داند؛ و اینکه خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کعبه «۱» تاریخچه‌ای بسیار طولانی و پرحادثه دارد. این خانه قدیمی‌ترین مرکز توحید و پرستش خداست. «۲» در احادیث اسلامی، ویران تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۸ کردن کعبه را در ردیف کشتن پیامبر و امام قرار داده‌اند و نگاه کردن به آن عبادت، و طواف بر گرد آن از بهترین اعمال است. «۱» ۲. «۲» قیام «۲» مردم به کعبه و اهمیت آن به خاطر بنای ساختمان آن

نیست بلکه به خاطر آن است که باستانی‌ترین مرکز توحید و نقطه‌ی تمرکز توجه ملت‌هاست. این خانه‌ی مقدس رمز وحدت مردم و مرکزی برای اجتماع دل‌ها و کنگره‌ی عظیم برای استحکام پیوندهای گوناگون است و در پرتو این خانه‌ی مقدس و مرکزیت معنوی آن، مردم می‌توانند به نابسامانی‌های زندگی خویش سامان بخشند و کاخ سعادت خود را بر پایه‌ی آن استوار سازند و از این روست که کعبه قیام برای مردم است. ۳. قیام بخشیدن و پایدار کردن جامعه به چند چیز است: الف) مرکزیت معنوی؛ ب) سازمان و قدرت اجتماعی؛ ج) امنیت؛ د) فراهم آوردن غذا و تأمین اقتصادی. در کعبه همه‌ی این امور جمع است؛ هم مرکز معنوی دل‌هاست و هم مراسم حج آن سمبل عزت و قدرت مسلمانان است و هم نزاع و کشتار و اذیت دیگران در آن جا ممنوع است و هم قربانی‌ها و درآمدهای اقتصادی آن وسیله‌ی تغذیه و سامان دهی مسائل اقتصادی مسلمانان است. ۴. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که به کعبه «بیت الحرام» گویند؛ چرا که ورود کافران به آن جا حرام تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۲۹ است. «۱» ۵. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: «رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم». در این چهار ماه، جنگ و خون‌ریزی ممنوع است؛ یعنی مسلمانان و جهانیان باید در این چهار ماه امنیت داشته باشند تا ببیندیشند و با هم دیگر ارتباط برقرار کنند و اختلافات را بر طرف و جامعه‌ی اسلامی و انسانی را پایدار سازند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کعبه برای همه‌ی مردم جهان مفید و مایه‌ی پایداری و قیام آنهاست. ۲. از فرصت ماه‌های حرام و قربانی‌ها و امنیت و حرمت کعبه برای پایداری جامعه‌ی بشری استفاده کنید. ۳. با مطالعه در قوانین اسلامی، به علم بی‌کران الهی پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشتم سوره‌ی مائده به سخت‌گیری و بخشش خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۸. اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ بدانید که خدا سخت‌گیر، و اینکه خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شیوه‌ی تربیتی قرآن کریم آن است که از تهدید و تشویق و ترس و امید، در کنار هم استفاده می‌کند. در این آیه نیز از همین شیوه استفاده شده تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۰ است؛ یعنی از طرفی خدا را دارای عذاب شدید معرفی می‌کند و از طرف دیگر مردم را به رحمت و آمرزش الهی امیدوار می‌سازد. ۲. خدا صفات متضاد دارد؛ هم سخت‌گیر و هم آمرزنده است؛ یعنی در همان حال که گناهکار را مجازات می‌کند، نسبت به بندگان خویش مهربان است و حتی نسبت به یک نفر، در همان حالی که او را تهدید می‌کند و کیفر می‌دهد، محبت و مهر دارد. او هم چون پدری است که به خاطر محبت به فرزند و تربیتش، او را تنبیه می‌کند. ۳. در آیه‌ی فوق «شدید العقاب» قبل از «غفور رحیم» آمده است؛ شاید اشاره به آن باشد که مجازات خدا را، با تمام شدتی که دارد، می‌توان با آب توبه شست و مشمول آمرزش و بخشایش و رحمت خدا گشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را با دو صفت متضاد، سخت‌گیری و آمرزشگری، بشناسید. ۲. هم از کیفر الهی بهراسید و هم به آمرزش و رحمت او امیدوار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و نهم سوره‌ی مائده مسئولیت پیامبر را رساندن پیام خدا معرفی می‌کند و با هشدار می‌فرماید: ۹۹. مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ بر فرستاده [خدا و وظیفه‌ای جز رساندن (پیام الهی) نیست؛ و خدا آنچه را آشکار می‌نماید، و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وظیفه‌ی پیامبران الهی پیام‌رسانی به مردم است. آنان نیامده‌اند تا مردم را مجبور سازند، بلکه وحی را به مردم ارائه می‌کنند و هر کس در پذیرش و عدم پذیرش آن آزاد است. من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال (سعدی) ۲. حصر در آیه‌ی فوق نسبی است؛ یعنی پیامبران در مقام تبلیغ جز تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۱ وظیفه‌ی پیام‌رسانی، وظیفه‌ی دیگری ندارند، هر چند پیامبران وظایف دیگری هم چون داوری، دفاع و سیاست نیز به عهده دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان دینی در مورد پیام‌رسانی به مردم مسئول‌اند. ۲. خدا امور پنهان و آشکار شما را تحت نظر دارد (پس مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صدم سوره‌ی مائده به بی‌اعتباری اکثریت، در داوری بین پاکی و ناپاکی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۰. قُلْ لَأَيِّسَتَوَى الْحَبِيبِ وَالطَّيِّبِ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْحَبِيبِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ بگو: «پلید و پاک [نیکو] مساوی نیستند، هر چند که فزونی پلید [ها]، تو را به شگفتی اندازد؛ پس ای خردمندان، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. «اکثریت» دو قسم است، گاهی «کمی و تعدادی» است و گاهی «کیفی و محتوایی». این آیه بیان می‌کند که اکثریت کمی برای شناسایی خوب از بد و حق از باطل کارساز نیست، بلکه در این گونه موارد اکثریت کیفی، یعنی افکار قوی‌تر، عالی‌تر و پاک‌تر لازم است تا خوب را از بد تشخیص دهد؛ به عبارت دیگر، اگر چیزی موافق میل اکثریت بود، دلیل حق بودن و پاک بودن آن نیست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۲. ۲. آیه‌ی فوق پاسخی است به برخی افراد که در محیط‌های فاسد و آلوده زندگی می‌کنند و گناهکار بودن اکثریت را دستاویز قرار می‌دهند و از قوانین الهی سرپیچی می‌کنند، بدین بهانه که اکثریت مردم این گونه‌اند و «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو». این طرز تفکر که در جهان امروز رایج است، سبب بسیاری از انحرافات و گرفتاری‌های بشر شده است. آیه‌ی فوق این طرز تفکر را ردّ می‌کند و کمیت و تعداد را معیار داوری بین خوب و بد و حق و باطل نمی‌داند. ۳. نکته‌ی جالب آن است که قرآن می‌فرماید: ناپاک و پاک مساوی نیستند، اگر چه اکثریت ناپاک باشند؛ یعنی نه تنها ناپاک بر پاک برتری ندارد، بلکه حتی مساوی آن هم قرار نمی‌گیرد و فقط یک فرض باقی می‌ماند و آن برتری پاک بر ناپاک است که صحیح است. ۴. دو واژه‌ی «طیب» و «خیث» (۱) شامل چیزها، انسان‌ها، روش‌ها، درآمدها، غذاها و مانند آن می‌شود؛ «۲» در همه جا و همه وقت پاکی بهتر از ناپاکی است و این مورد قبول عقل و فطرت بشر است. ۵. صاحبان خرد، به دنبال اکثریت ناپاک نمی‌روند و با تقوا می‌مانند؛ زیرا این امر سبب رشد و رستگاری آنان می‌شود؛ آری، بین خردورزی، خود نگه‌داری (تقوا) و رستگاری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۳. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اقلیت و اکثریت، ملاک خوبی و بدی نیست. ۲. کثرت ناپاکان شما را به شگفت نیورد تا آنها را حق بیندارید. ۳. از راه خردورزی و خود نگه‌داری به رستگاری برسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یکم سوره‌ی مائده به مسلمانان هشدار می‌دهد که پرسش‌های بی‌جا نکنند و می‌فرماید: ۱۰۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوَأٌ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی پرسش نکنید، که اگر برای شما آشکار گردد، شما را اندوهگین می‌کند؛ و اگر به هنگامی که قرآن فرو فرستاده می‌شود، از آنها پرسش کنید، برای شما آشکار می‌شود؛ خدا آن (پرسش‌های بی‌جا) را بخشید؛ و خدا، بسیار آمرزنده‌ای بردبار است. شأن نزول: از امام علی علیه السلام حکایت شده که روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سخنرانی نمودند و دستورات حج را بیان کردند. شخصی به نام عکاشه گفت: آیا این دستور حج برای هر سال است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به پرسش او پاسخ ندادند، ولی او اصرار کرد و پرسش خود را تکرار نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وای بر تو! چرا این همه اصرار می‌کنی؟! اگر در جواب تو بگویم آری، حج در همه سال بر همه‌ی شما واجب می‌شود...؛ بنابراین مادامی که چیزی به شما نگفته‌ام، بر آن اصرار نورزید... (و) هنگامی که به شما دستوری می‌دهم به اندازه توانایی خود آن را انجام دهید. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۴. آیه بدین مناسبت فرود آمد و مسلمانان را از این کار بازداشت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پرسش، کلید فهم حقایق است و کسانی که کم‌تر می‌پرسند، کم‌تر می‌دانند. در احادیث اسلامی نیز به مسلمانان دستور داده شده که هر چه را نمی‌دانند، پرسند. ولی این قانون تربیتی استثنا دارد؛ یعنی گاهی، پنهان ماندن برخی مسائل بهتر است و پرسش و اصرار در آن موارد ناپسند است؛ برای مثال: اکثر پزشکان صلاح می‌دانند که بیماری‌های سخت را به بیماران نگویند، تا وحشت نکنند و بهبودی‌شان به تأخیر نیفتد؛ و یا گاهی برای حفظ آبرو و شخصیت، صلاح نیست که نسب خانوادگی شخصی روشن شود و پدر حقیقی‌اش معلوم گردد؛ و یا در مسائل جنگی و نظامی و سیاسی، افشای همه‌ی اسرار برای همگان، زیان‌آور و گاهی فاجعه‌آفرین است؛ پس نباید رهبران اجتماع را تحت فشار گذاشت تا همه‌ی حقایق را بگویند. ۲. مقصود قرآن کریم آن نیست که راه پرسش و فراگیری مطلب را به روی مردم ببندد؛ زیرا قرآن خود دستور می‌دهد که مردم هر چه را نمی‌دانند از اهل اطلاع پرسند. «۲» پس مقصود آیه پرسش‌های نا به‌جا و بهانه‌گیری و اصرار بی‌مورد است که تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۵ غالباً سبب تشویش اذهان و مزاحمت برای گوینده و پراکنده شدن رشته‌ی سخن و در هم ریختن برنامه‌ها و ضرر به شخصیت و آبروی افراد یا زیان

اجتماعی می‌شود. ۳. آیه‌ی فوق راه پرسش را برای افراد روشن می‌سازد، ولی پاسخ‌گویی به آنان را محدود به زمان نزول قرآن می‌کند؛ زیرا پرسش‌های آنان مربوط به مسائلی بود که می‌بایست از طریق وحی روشن می‌شد. ۴. اطلاعات در جامعه‌ی اسلامی و بلکه در کل هستی رده‌بندی شده و همه‌ی اخبار و اطلاعات در اختیار همگان قرار داده نشده است؛ البته خود مردم باید این رده‌بندی را رعایت کنند و به دنبال اطلاعات محرمانه و مضر نروند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رده‌بندی اطلاعات را رعایت کنید و از هر چیزی پرسش ننمایید. ۲. در هنگام نزول وحی، درهای اطلاعات به روی شما باز است. ۳. به دنبال علمی بروید که به حال شما مفید باشد و در پی مطالبی که شما را ناراحت می‌کند، نروید. ۴. از پرسش‌های بی‌جا در گذرید، که خدا نیز این گونه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی مائده به سرنوشت بهانه‌جویان اقوام گذشته اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۲. قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ بیقین گروهی از پیشینیان شما، آن (پرسش‌های بی‌جا را) پرسیدند، سپس (مخالفت کردند و) بدانها کافر گردیدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی امت‌های گذشته «۱» به خاطر پرسش‌های نابه‌جا و بهانه‌جویی‌ها تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۶ راه کفر و عصیان را پیمودند؛ یعنی اسراری را پرسیدند که به صلاح آنان نبود و هنگامی که بر ایشان روشن شد، به آن عمل نکردند و انکارش کردند. «۱» ۲. مقصود از کفر «کافرین» در آیه‌ی فوق، ممکن است، همان نافرمانی، یعنی کفر عملی، و یا مخالفت نظری و عقیدتی، یعنی همان کفر مصطلح باشد؛ برخی در اثر شنیدن حقایق طاقت نمی‌آورند؛ یا نافرمانی می‌کنند و یا از اصل و اساس منکر سخنان گوینده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت اقوام پیشین عبرت بگیرید. ۲. به دنبال چیزهایی نروید که نمی‌توانید بدان‌ها عمل کنید. ۳. فرجام پرسش‌های نابه‌جا، کفر و انکار است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی مائده چهار بدعت خرافی عرب جاهلی را رد می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۳. مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِيَةٍ وَلَا وَصِيَّةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۷ خدا هیچ (ممنوعیتی، در مورد) حیوان گوش شکافته بارور، و شتر آزاد بارور، و گوسفند بارور، و حیوان نرینه حمایت شده‌ای، قرار نداده است؛ و لیکن کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می‌بندند؛ و اکثر آنان خردورزی نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به چهار نوع حیوان و چهار عادت خرافی عرب جاهلی در مورد آنها اشاره شده است: الف) «بحیره» از ماده‌ی «بحر»، به معنای وسعت و گسترش است و به حیوانی گفته می‌شد که پنج بار زاییده بود؛ گوشش را شکاف وسیعی داده، و به حال خود رهایش می‌کردند و او را نمی‌کشتند. ب) «سائیه» در اصل به معنای جریان آب و آزادی در راه رفتن است و به شتری گفته می‌شد که دوازده بار بچه آورده بود؛ او را رها می‌کردند و هیچ کس سوارش نمی‌شد و از هر کجا می‌خواست آب و غذا می‌خورد. ج) «وصیله» در اصل به معنای به هم پیوستگی است و به گوسفندی می‌گفتند که هفت بار بچه آورده و یا دو قلو زاییده بود و کشتن آن را حرام می‌دانستند. د) «حام» در اصل به معنای حمایت کننده است و به حیوان نری گفته می‌شد که حداقل ده بار برای تلقیح حیوانات ماده از آن استفاده شده بود و هر بار فرزندی آورده بود. کسی حق سواری بر آن را نداشت؛ چون پشت خود را حمایت کرده بود. «۱» ۲. ممنوعیت و حرمت گوشت این حیوانات نوعی خرافات بود؛ همان‌طور که معطل گذاشتن و استفاده نکردن از آنها نیز نوعی اسراف و هدر دادن سرمایه بود. از برخی احادیث استفاده می‌شود که بعضی از این برنامه‌ها به تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۸ نحوی همراه با بت‌پرستی انجام می‌گرفت و حتی گاهی این حیوانات دچار محرومیت و مرگ دردآوری می‌شدند. «۱» اسلام با همه‌ی این موهومات و ستم‌ها به مبارزه برخاست و این بدعت‌های خرافی را مردود و نوعی تهمت به ساحت قدس الهی معرفی کرد. ۳. قرآن نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جاهلی عرب قرار نگرفت، بلکه با خرافات و بدعت‌های جاهلی عرب مبارزه کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خرافات، بدعت و تهمت زدن به خدا، ریشه در کم‌خردی دارد. ۲. قرآن با فرهنگ جاهلی زمانه‌ی خویش مبارزه کرد. ۳. خرافات را بشناسید و با آنها مبارزه کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی مائده پیروی کورکورانه از نیاکان را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۴. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و هنگامی که به آنان گفته شود: «به سوی آنچه خدا فرود آورده، و به سوی فرستاده [اش بیاید.» می‌گویند: «آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است.» و آیا اگر (بر فرض) پدرانشان هیچ چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می‌کنند)؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عقاید، اعمال و فرهنگ نیاکان ممکن است به چند صورت باشد: الف) عناصر مثبت فرهنگ، عقاید و اعمال آنان، که مبنایی عقلی یا دینی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۳۹ و فطری دارد و پیروی از آنها اشکال ندارد؛ از این رو قرآن مردم را به پیروی از آیین ابراهیم دعوت می‌کند و او را اسوه معرفی می‌نماید. «۱» ب) عناصر منفی فرهنگ، عقاید و اعمال نیاکان، که ریشه در خرافات، اوهام و جهل دارد؛ یعنی مطالبی که ضد عقل، وحی و یا فطرت است، که پیروی از آن صحیح نیست و قرآن این تقلید کورکورانه از پدران را نفی و سرزنش می‌کند. ۲. تقلید و پیروی چند صورت دارد: الف) تقلید عالم از عالم، که صحیح نیست (بلکه هر متخصصی باید به نظر خودش عمل کند). ب) تقلید عالم از جاهل، که صحیح نیست. ج) تقلید جاهل از جاهل، که صحیح نیست. د) تقلید جاهل از عالم، که صحیح است؛ همان‌طور که همه‌ی خردمندان، در هر زمینه‌ای، به دانشمند و متخصص آن رجوع می‌کنند. قرآن کریم در آیه‌ی فوق نوع دوم و سوم را مطرح می‌کند؛ چون انسان یا عالم است و یا جاهل و در هر دو صورت حق ندارد از نیاکان جاهل و هدایت نیافته‌ی خود پیروی کند. ۳. احترام بی‌قید و شرط به افکار و اعمال نیاکان و افتخار به آنها، یک عمل جاهلی است که گاهی در حد نوعی بت‌پرستی رشد می‌کند؛ به طوری که آنان را معصوم از خطا و اشتباه می‌پندارند و راه هر گونه انتقاد به آنان را می‌بندند و نسل بعدی، در حالی که داناتر و باهوش‌تر است، محکوم است که از عادات و رسوم گذشتگان (مثل پریدن از روی آتش در روزی خاص)، پیروی کند. این تقلید کورکورانه و بی‌منطق از نیاکان، نوعی ارتجاع و بازگشت به سنت‌های جاهلی است، که از نظر عقل و قرآن شایسته‌ی نکوهش است. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۰. ۴. قرآن، وجدان انسانیت را به قضاوت می‌طلبد و از او می‌پرسد که آیا صرف انتساب کاری به نیاکان، دلیل صحت و درستی آن می‌شود؟ به ویژه نیاکانی که در جاهلیت زندگی می‌کردند و افرادی جاهل و گمراه بودند و پیروی از آنها، از نوع تقلید عالم از جاهل یا جاهل از جاهل است! ۵. از منظر قرآن، معیار صحت عقاید، فرهنگ، عادات و اعمال، علم و هدایت است، نه باستانی بودن آنها؛ هر چه بر اساس علم و وحی باشد صحیح، وگرنه کژراهه است. از نظر اسلام، احترام به پدران، عملی نیک و لازم است، اما پیروی کورکورانه از آنها صحیح نیست. ۶. آیه‌ی فوق انسان‌ها را به فرهنگ الهی که از طریق پیامبران ترویج می‌شود راه‌نمایی می‌کند؛ آری وحی الهی منبع مطمئن هدایت بشر است و پیروی از رهبران الهی، انسان را به این منبع الهی وصل می‌کند و به سوی سعادت ره‌نمون می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروی و تقلید کورکورانه از نیاکان نکوهیده است (زیرا تقلید جاهل از جاهل یا عالم از جاهل به شمار می‌آید). ۲. معیار صحت فرهنگ گذشتگان، علم و وحی است. ۳. از عقاید و فرهنگ باستانی خود، بی‌دلیل، دفاع و پیروی نکنید. ۳. از عقاید و فرهنگ باستانی خود، بی‌دلیل، دفاع و پیروی نکنید. ۳. از عقاید و فرهنگ باستانی خود، بی‌دلیل، دفاع و پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجم سوره‌ی مائده به خودشناسی، خودسازی و مسئولیت هر کس در مورد خویشتن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَيْغُزُوكُمْ مِّنْ ضَلَالٍ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شماست که به خودتان [بپردازید.] هرگاه شما هدایت یافتید، کسی که گمراه شده است، به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما فقط به سوی خداست؛ و شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به زمانی اشاره می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر مؤثر نباشد، که در این صورت برخی افراد ناراحت می‌شوند و تکلیف خود را نمی‌دانند. قرآن می‌گوید که شما وظیفه‌ی خود را انجام دادید؛ پس به اصلاح خود بپردازید و بدانید که زیانی از این ناحیه به شما نخواهد رسید. ۲. در حدیثی آمده که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آیه‌ی فوق پرسیدند؛ حضرت فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر کنید، اما هنگامی که می‌بینید مردم، دنیا را مقدم می‌دارند و بخل و هوس بر آنها حکومت می‌کند و هر کس تنها نظر خود را می‌پسندد (و گوش به سخن دیگران نمی‌دهد)، پس به خویشتن

بپردازید و عوام را رها کنید. «۱» ۳. این آیه در مورد پرداختن به خویشتن سفارش شده و مسئولیت افراد در مورد خودشان یادآوری شده است؛ آری، لازم است انسان، قبل از هر چیز، به خودشناسی بپردازد، که راه خداشناسی است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۲. شناخت نفس نردبان حقایق و کلید کلیدها: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: نردبان همه‌ی حقایق از برای عارف سالک، همانا معرفت نفس است؛ پس بر تو باد که این معرفت را به دست آوری که شناخت نفس کلید همه‌ی کلیدها و چراغ همه‌ی چراغ‌هاست و هر کس که خود را شناخت پروردگار خود را شناخته است. «۱» ۵. شناخت نفس مانع غرور: امام خمینی در این باره می‌فرماید: این که می‌بینید آدم این قدر داد «لَمَنْ الْمَلِكُ؟» (این پادشاهی از آن کیست؟) می‌زند، این قدر غرور پیدا می‌کند، برای این است که خودش را نمی‌شناسد؛ «من عرف نفسه عرف ربه»؛ نمی‌داند که خودش هیچ است؛ اگر باورش بیاید که هیچ است و هر چه هست اوست، «عرف ربه»، پروردگارش را هم می‌شناسد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حساب هر کس جداست و گمراهی دیگران ضروری به هدایت افراد ره‌یافته نمی‌زند. ۲. از تنها شدن در راه حق نهراسید، بلکه در آن صورت نیز خویشتن را حفظ کنید و به راه حق خود ادامه دهید. ۳. (ریشه‌ی شکست شما از درون نفس خودتان است.) اگر درون اصلاح و هدایت شود از بیرون کسی نمی‌تواند به شما ضرری برساند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۳

شناخت نفس

شناخت نفس الف) اهمیت شناخت نفس: ۱. شناخت نفس خود، با فضیلت‌ترین شناخت‌هاست (علی علیه السلام). «۱» ۲. کسی که خود را نشناسد، از راه‌های نجات دور می‌شود و در گمراهی و جهالت‌ها در می‌گردد (علی علیه السلام). «۲» ۳. خدای متعال به نفس انسان سوگند یاد می‌کند (شمس، ۷). ب) مراحل و مراتب نفس: اول: مراتب نزولی: ۱. نفس بدخواه و بدفرما (اماره) (یوسف، ۵۳)؛ ۲. نفس غفلت‌زده (مغفوله) (کهف، ۲۸)؛ ۳. نفس آمیخته با پلیدی (مدسوسه) (شمس، ۱۰)؛ ۴. نفس آفت‌زده و بیمار (مريضه) (احزاب، ۱۲ و توبه، ۱۲۵)؛ ۵. نفس سخت و نفوذناپذیر (قاسیه)، که تحت تأثیر یاد خدا قرار نمی‌گیرد (حج، ۵۳ و زمر، ۲۲)؛ ۶. نفس مُهر زده شده (مطبوعه)، که حقایق را درک نمی‌کند (بقره، ۷ و محمد، ۱۶)؛ ۷. نفس واژگونه (مقلوبه) (انعام، ۱۱۰)؛ تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۴ دوم: مراتب صعودی: ۱. نفس سرزنشگر (لؤامه) (قیامت، ۱-۲)؛ ۲. نفس رجوع‌کننده به سوی پروردگار (منیبه) (ق، ۳۳)؛ ۳. نفس سالم (سلیمه) (شعراء، ۸۸-۸۹). ۴. نفس رشدیافته و پاک (زکیه) (شمس، ۹ و اعلیٰ، ۱۴-۱۵)؛ ۵. نفس خشنود از پروردگار (راضیه) (فجر، ۲۸)؛ ۶. نفس پسندیده و مورد رضایت الهی (مرضیه) (فجر، ۲۸)؛ ۷. نفس آرامش‌یافته (مطمئنه) (فجر، ۲۸)؛ ج) تعلیم و تربیت و تزکیه‌ی نفس: ۱. هر کس نفسش را پاک کند و رشد دهد رستگار می‌شود (شمس، ۹). ۲. معلم نفس خود و ادب‌کننده‌ی آن باشید (علی علیه السلام). «۱» ۳. اصلاح نفس به وسیله‌ی مبارزه با هوای نفس تحقق می‌یابد (علی علیه السلام). «۲» ۴. وسیله‌ی اصلاح نفس، پرهیزگاری است (علی علیه السلام). «۳» ۵. هر کس نفس خود را گرامی بدارد با گناه آن را خوار نمی‌کند و شهوات بر او آسان می‌شود و دنیا در نظرش کوچک می‌گردد (علی علیه السلام). «۴» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۵ یادآوری: در قرآن و احادیث و فرهنگ اسلامی موارد زیر برای خودسازی و تزکیه‌ی نفس پیشنهاد شده و یا به آن مرتبط است: تفکر، محاسبه، معرفت، خوف و رجاء، یاد خدا و بیم از داوری عادلانه‌ی او، توجه به زودگذر بودن لذات دنیا، معاد باوری و بیم از آن، یاد گناه و توبه، تقوا، زهد، لغو‌گریزی، عفت، امانت‌داری، شکر، صبر، توکل، توسل، دعا، نماز و خشوع در آن، روزه، تلاوت قرآن و عمل بدان، انفاق، محبت، ازدواج، انتخاب دوست نیکو، غلبه بر خشم، غلبه بر شادی و غم شدید، و اخلاص. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۶ قرآن کریم در آیه‌ی صد و ششم سوره‌ی مائده به لزوم گواه گرفتن دو نفر عادل بر وصیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ

ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْأَثِمِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در هنگام وصیت [باید] از بین شما، دو (نفر) عادل را به گواهی دادن میان خود [فراخوانید]؛ یا اگر شما در زمین مسافرت کردید، و مُصِیبت مرگ، شما را فرا رسید، (و گواه مسلمان نیافتید)، دو (نفر) دیگر از غیر (همکیشان خود) تان را [به گواهی بطلبید]. و اگر (در راستگویی گواهان) شک کردید، آن دو را بعد از نماز نگاه می‌دارید، پس آن دو به خدا سوگند یاد کنند که: «این (گواهی به حق) را به هیچ بهایی نمی‌فروشیم، و اگر چه (به سود) نزدیکان باشد؛ و گواهی الهی را پنهان نمی‌کنیم، که (اگر چنین کنیم) در این هنگام حتماً ما از گناهکارانیم.» شأن نزول: حکایت شده که یک مسلمان با دو مسیحی به قصد تجارت از مدینه خارج شدند. در بین راه، فرد مسلمان بیمار شد و وصیت‌نامه‌ای نوشت و در بین اموال خود مخفی ساخت و آن اموال را به دست هم‌سفران خود سپرد و از آنان خواست که آن را به خانواده‌اش برسانند. هنگامی که آن فرد مسلمان از دنیا رفت، آن دو نفر مسیحی اموال گران‌قیمت را برای خود برداشتند و بقیه را به وارثان او بازگرداندند، ولی در نهایت، وصیت‌نامه به دست وارثان فرد مسلمان افتاد که صورت اموال در آن ثبت شده بود. آن دو مسیحی انکار تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۷ کردند و در نهایت دعوا را نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آوردند و از آن‌جا که دلیل محکمی بر ضد آن دو نفر وجود نداشت، پیامبر از آنان خواست که سوگند یاد کنند؛ و آزاد شدند. پس از مدتی، برخی از اموال دزدیده شده، نزد آن دو مسیحی پیدا شد و دروغ آنان فاش گردید. جریان را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند و ایشان صبر کردند تا آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد آن فرود آمد؛ سپس دستور دادند که طبق دستور قرآن، وارثان فرد مسلمان سوگند یاد کنند؛ پس از آن، اموالشان را از آن دو مسیحی گرفتند و به آنها تحویل دادند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اسلام به مسائل حقوقی اهمیت می‌دهد؛ از این رو به آداب «وصیت کردن» پرداخته است تا حقوق وارثان تأمین گردد و از اختلافات احتمالی جلوگیری شود. آیه‌ی فوق نیز یکی از آیات وصیت است که بر لزوم گواهی کردن بر وصیت تأکید می‌کند. ۲. مقصود از واژه‌ی «عدل» در این‌جا ممکن است همان معنای اصطلاحی عدالت، یعنی پرهیز از گناهان کبیره و کارهای خلاف مرّوت، و یا «امانت در امور مالی» و عدم خیانت در آن باشد. ۳. منظور از گواهی در آیه‌ی فوق، شهادت همراه با وصیت است؛ یعنی شخص شاهد، وصی نیز باشد. این مطلب با شأن نزول آیه نیز سازگارتر است. ۴. انتخاب دو شاهد غیر مسلمان، در هنگامی است که دسترسی به شاهد مسلمان نباشد؛ و ذکر قید مسافرت نیز به همین منظور است. حتی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۸ برخی مفسران گفته‌اند مقصود از غیر مسلمانان فقط اهل کتاب هستند. «۱» ۵. هنگام نماز، معنویت و تقوا بیش‌تر می‌شود؛ از این رو گفته شده که گواهی شاهدان، بعد از نماز باشد. ۶. ادای سوگند بعد از هر نمازی می‌تواند باشد، ولی در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام، خصوص نماز عصر تعیین شده است که جنبه‌ی استجابی دارد؛ چون در صدر اسلام، در نماز عصر، عده‌ی بیش‌تری شرکت می‌کردند و غالباً وقت قضاوت بود. «۲» ۷. قسم خوردن بعد نماز، برای هنگامی است که در راست‌گویی شاهدان شک و تردید باشد و در این آداب تفاوتی بین مسلمانان و غیر مسلمانان نیست. اما چنانچه شک نباشد، شهادت دو نفر عادل، بدون سوگند هم پذیرفته می‌شود؛ پس حکم آیه‌ی فوق نسخ نشده و اختصاص به غیر مسلمانان نیز ندارد. ۸. سوگند یکی از راه‌های رفع شک است و زمانی معتبر است که به نام «الله» باشد. ۹. تنها موردی که متن سوگندنامه در قرآن دیکته شده است، همین مورد است که مسأله‌ی «حق الناس» مطرح است و این اهمیت مطلب را نزد خدا نشان می‌دهد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۴۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به وصیت اهمیت دهید و بر آن گواه بگیرید و دقت کنید (تا حقوق افراد تأمین شود). ۲. پنهان کردن گواهی، گناه است. ۳. تا می‌توانید گواهان عادل انتخاب کنید. ۴. افراد را در زمان‌های معنوی (مثل بعد از نماز) سوگند دهید (تا اطمینان بیش‌تری حاصل شود). ۵. علاقه به پول و خویشاوندان موجب انحراف در گواهی می‌شود (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی مائده به روش گواهی دادن شاهدان وصیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۷. فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أُنْهَمَا سِئْتًا حَقًّا إِنَّمَا فِتَاخِرَانِ يُقِيمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتَيْهِمَا وَمَا

اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمَنَ الظَّالِمِينَ و اگر اطلاعی حاصل شد، که آن دو (شاهد)، مستحق (کیفر) گناهی شده‌اند، پس دو (نفر) دیگر (نزدیکان میت) از کسانی که آن دو (شاهد) نخستین بر آنان ستم کردند، به جای آن دو قرار می‌گیرند، و آن دو به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «قطعاً گواهی ما، از گواهی آن دو، سزاوارتر است؛ و تجاوزی نکرده‌ایم؛ که (اگر چنین کنیم) در این هنگام حتماً ما از ستمگرانیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز به اهمیت حق‌الناس اشاره دارد و حتی روش و متن قسم‌نامه‌ی شاهدان را دیکته می‌کند تا حق کسی پای مال نشود. ۲. افراد حق جست و جو در مورد شاهدان را ندارند، ولی اگر قرآینی پیدا تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۰ شد بر دروغ گفتن آنان، وظیفه عوض می‌شود «۱» و وارثان می‌توانند در صحنه حاضر شوند و سوگند یاد کنند و حق را باز پس گیرند. ۳. گواهی دو شاهد جدید، یعنی خویشاوندان وصیت کننده، بر اساس آگاهی آنان از اموال میت است؛ پس شهادت آنان جنبه‌ی حسی دارد، نه حدسی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معیار در گواهی‌ها، حقانیت است. ۲. اگر در مسیر دادگاه تشخیص دادید که حق کسی پای مال شده، مسیر دادگاه را تغییر دهید. ۳. تجاوز از حد در گواهی دادن، نوعی ستمکاری است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی مائده به فلسفه و حکمت گواهی بر وصیت و قسم خوردن گواهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۸. ذَلِكْ أَذْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعِيدٌ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ این [روش سوگند]، نزدیک‌تر است، به اینکه گواهی را به صورت (صحیح) آن ادا کنند، یا بترسند از اینکه بعد از سوگند خوردنشان، سوگندهایی (به وارثان میت) برگردانده شود؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و گوش فرا دهید؛ و خدا، گروه نافرمان‌برداران را راهنمایی نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه فلسفه و حکمت احکام را بیان می‌کند و می‌گوید: «روش‌های قسم خوردن که در آیه‌ی قبل بیان شد (مثل این که شاهد‌ها را بعد از نماز قسم دهند)، راهی نزدیک‌تر برای رسیدن به گواهی صحیح و حق است.» و شاید بتوان از این آیه استفاده کرد که هرگاه راهی مشروع و نزدیک‌تر برای کسب حقیقت وجود داشته باشد، باید از همان طریق از شاهدان گواهی بخواهیم تا زودتر به حق دست یابیم. ۲. کسانی که گواهی دروغ می‌دهند، در جامعه رسوا می‌گردند و گواهی‌شان به وارثان بازگردانده می‌شود و مردم در موارد مشابه دیگر گواهی آنان را نمی‌پذیرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نگرانی از رسوایی، یکی از عوامل بازدارنده از گناه است. ۲. آداب سوگند گواهان که مانع تضییق حقوق مردم می‌شود، ارزشمند است. «۱» ۳. پارسایی و حق‌شنوی، زمینه‌ساز هدایت؛ و عصیانگری، زمینه‌ساز محرومیت از آن است. ۴. با انجام مراسم رسمی سوگند، تلاش کنید که به گواهی حق نزدیک‌تر شوید. ۵. فرمان بردار و با تقوا باشید تا هدایت شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نهم سوره‌ی مائده به رستاخیز و پرسش خدا از پیامبران، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۲ ۱۰۹. يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَأُجِبْتُمْ قَالُوا لَاعِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عِلْمُ الْغُيُوبِ [یاد کن روزی را که خدا، فرستادگان (ش) را جمع می‌کند، پس می‌گوید: «(در برابر دعوت)، چه پاسخی به شما داده شد؟» می‌گویند: «برای ما هیچ دانشی نیست؛ که تنها تو، از همه (اسرار) نهان، بسیار آگاهی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی در این آیه علم را از خود نفی می‌کنند و می‌گویند: «ما نمی‌دانیم.» البته این نفی نسبی است؛ یعنی علم ما در برابر علم بی‌پایان الهی چیزی نیست؛ به عبارت دیگر، این مطلب نوعی ادب در برابر پروردگار است، و گر نه پیامبران خدا از راه‌های عادی، به برخی از حقایق مربوط به امت‌های خویش پی می‌برند و حتی از برخی حقایق پنهان از طریق وحی الهی آگاهی می‌یابند. در آیات قرآن به این مطلب اشاره شده است. «۱» و نیز پیامبران، شاهد و گواه امت خویش هستند؛ «۲» پس از اعمال آنان اطلاع دارند. ۲. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که پرسش آیه‌ی فوق در مورد اوصیا و جانشینان پیامبران است؛ یعنی از آنان می‌پرسند: «بعد از شما جانشینان چه کردند؟» و آنان می‌گویند: «بعد از خود، از اعمال آنان آگاهی نداریم.» «۳» روشن است که این گونه روایات تعیین مورد و مصداق آیه است، و گر نه پرسش در آیه عام است و همه‌ی واکنش‌های امت‌های پیامبران را شامل می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۳ ۳. آیه‌ی فوق در حقیقت هشدار می‌دهد که در قیامت شما با خدایی سر و

کار دارید که پنهان‌ها را می‌داند و با نمایندگان خویش و رهبران الهی این‌گونه برخورد می‌کند؛ پس شما مراقب کردار خود باشید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان دینی برای روزی آماده شوند که مورد بازپرسی خدا قرار می‌گیرند. ۲. خدا دانای نهان (و آشکار) است و علم شما در برابر او ناچیز است. ۳. شیوه‌ی پاسخ‌گویی و عملکرد شما در برابر رهبران الهی مورد بازپرسی قرار می‌گیرد (پس دقت کنید که چگونه عمل می‌کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دهم سوره‌ی مائده نعمت‌های الهی را بر عیسی علیه السلام و مادرش یادآوری می‌کند و با اشاره به معجزات مسیح و واکنش منفی مخالفان می‌فرماید: ۱۱۰. إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَاٰلِهِٓ وَسَلَّمَ اِذْ اٰتٰتُكَ بِرُوْحِ الْقُدْسِ تَكَلَّمُ النَّاسُ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰتِةَ وَاِلٰنَجِيْلَ وَاِذْ تَخَلَقُ مِنَ الطِّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًا بِاِذْنِي وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَاَلْبُرْصَ بِاِذْنِي وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِي وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرٰءِيْلَ عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ [یاد کن هنگامی را که خدا گفت: «ای عیسی پسر مریم! نعمت مرا بر خودت و بر مادرت بیاد آور؛ آنگاه که تو را با «روح پاک» تأیید کردم؛ در حالی که در گهواره و در میان‌سالی، با مردم سخن می‌گفتی؛ و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی که به رخصت من، از گل [چیزی همانند شکل پرند می‌ساختی، و در آن تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۴ می‌دیدم، و به رخصت من، پرند می‌شد؛ و ناینای مادرزاد، و (مبتلیان به) پرسی را به رخصت من، بهبود می‌بخشیدی؛ و هنگامی که مردگان را به رخصت من (زننده از قبر) بیرون می‌آوردی؛ و هنگامی که بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) را از (آسیب رساندن به) تو، بازداشتی؛ در آن موقع که دلیل‌های [معجزه آسا] برای آنان آوردی، و [لی کسانی از آنان که کفر ورزیدند، گفتند: «این [ها] جز سحر است آشکار نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران احتمال داده‌اند که این آیه مربوط به قیامت و سخنان خدا با پیامبران باشد، اما ظاهر آیه نشان می‌دهد که سخنان خدا با عیسی علیه السلام در همین دنیا است که نعمت‌های خود را به او یادآوری می‌کند تا روح شکرگزاری را در او تقویت نماید و آموزه‌ای تربیتی برای مسلمانان باشد. ۲. مقصود از «روح القدس» چیست؟ روح القدس فرشته‌ی وحی الهی، یعنی جبرئیل و یا نیرویی غیبی و الهی است که عیسی را در انجام کارهایش تقویت می‌کرد؛ البته این نیرو در وجود غیر پیامبران نیز به صورت ضعیف‌تری وجود دارد. (۱) ۳. سخنان عیسی علیه السلام در گهواره کودکانه نبود، بلکه همانند سخنان دوره‌ی میان‌سالی‌اش، دقیق و حساب شده بود؛ آن حضرت، معجزه وار، در گهواره سخنان حکیمانه می‌گفت. ۴. واژه‌ی «با رخصت خدا»، چهار بار در آیه‌ی فوق تکرار شده است تا اشاره کند که همه‌ی کارهای اعجاز‌آمیز عیسی علیه السلام با اجازه‌ی قبلی خدا بود و جایی برای ادعای غلوآمیز در مورد مسیح وجود ندارد و او خدا نیست. ۵. آیه‌ی فوق از دلایل روشن ولایت تکوینی اولیای الهی است؛ یعنی ممکن است خداوند قدرتی به پیامبران، امامان و اولیای خود دهد که با تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۵ رخصت او می‌تواند کارهای معجزه‌آمیزی مثل «خلق پرند» یا «شفای بیماران» را انجام دهند. (۱) ۶. در این آیه بیان شده که عیسی علیه السلام پرند می‌ساخت و در آن می‌دید و به فرمان الهی آن پرند زنده می‌شد. آری، در کنار اراده‌ی الهی، نفس پیامبر هم در وقوع معجزه تأثیر دارد. (۲) ۷. در این آیه هفت نعمت الهی برای عیسی علیه السلام شمرده شده، ولی گفته شد که این مواهب مربوط به «مسیح و مادرش» است؛ زیرا هر موهبتی که به فرزند برسد، در حقیقت به مادر او هم رسیده است. ۸. عیسی علیه السلام، به عنوان یک پیامبر، هم علم کتاب داشت و هم بینش و حکمت، هم از گفته‌های پیشینیان و تورات با خبر بود و هم پیام جدیدی به نام انجیل داشت. (۳) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد نعمت‌های الهی باشید (و سپاس‌گزاری کنید). ۲. خدا به عیسی علیه السلام نعمت‌های آموزشی و معنوی و اعجاز‌آمیز عطا کرد. ۳. رهبران الهی منتظر واکنش منفی مخالفان و تهمت‌های آنان باشند. ۴. یکی از نعمت‌های الهی برای رهبران دینی، دفع مخالفان است.

معجزات عیسی (ع) قرآن کریم در آیهی صد و یازدهم سورهی مائده به یاران عیسی علیه السلام و گواهی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۶ ۱۱۱. وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا ءَامَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنا مُشْرِكُونَ (یاد کن) هنگامی را که به حواریون وحی کردم که: «به من و فرستاده من، ایمان آورید.» گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما تسلیم هستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژهی «وحی» در اصل به معنای «اشاره‌ی سریع و مخفیانه» است و در اصطلاح به «پیام الهی گفته می‌شود که به سوی پیامبران خدا فرستاده می‌شود.» و گاهی نیز به معنای «الهام» به کار می‌رود. «۱» اما «وحی» در آیهی فوق، به معنای الهامی است که به قلب یاران عیسی علیه السلام وارد شد. «۲» ۲. از آیهی فوق و آیات مشابه آن که «وحی» در آنها به معنای «الهام به غیر پیامبران» به کار رفته است، استفاده می‌شود که خدا گاهی به دل‌های آماده الهاماتی می‌کند؛ همان‌طور که شیطان نیز به دوستان خود الهاماتی می‌کند. «۳» ۳. خدای کریم حواریون را به «ایمان به خدا و فرستاده‌اش» فرا خواند. این مطلب اشاره دارد که ایمان به پیامبران در طول ایمان به خدا لازم است. ۴. پاسخ حواریون به ندا و الهام الهی که آنان را به ایمان فرا می‌خواند، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۷ بسیار مؤدبانه و کامل بود؛ زیرا اولاً، پاسخ مثبت دادند و گفتند ایمان آوردیم و ثانیاً، گفتند ما تسلیم محض هستیم و هر چه خدا و رسولش دستور دهند اطاعت می‌کنیم. ۵. «حواریون» یاران نزدیک حضرت مسیح علیه السلام و ملازمان و شاگردان ایشان بودند؛ «۱» انسان‌هایی بلند مرتبه که به آنان الهاماتی می‌شد و در عین حال تسلیم حق بودند (پس سزاوار است کسانی که ادعای یاری پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام را دارند نیز این گونه باشند). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا رهبران الهی را، با یاران پاک، یاری می‌نماید. ۲. یاران رهبران الهی به خدا و رهبر الهی ایمان داشته باشند. ۳. هم‌چون یاران عیسی علیه السلام، با ایمان و تسلیم حق باشید. *** قرآن کریم در آیهی صد و دوازدهم سورهی مائده به درخواست یاران مسیح علیه السلام در مورد غذای آسمانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۲. إِذْ قَالُ الْخَوَارِجُ يَعْجِسُ ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ [یاد کن هنگامی را که حواریون گفتند: «ای عیسی پسر مریم! آیا پروردگارت می‌تواند غذایی از آسمان بر ما فرود آورد؟» [عیسی گفت: «اگر مؤمن هستید [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید!]]» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نام‌گذاری این سوره به «مائده»، به خاطر این آیه و آیات بعد از آن است تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۸ که در بارهی «مائده»، یعنی غذای آسمانی، سخن گفته‌اند. «۱» ۲. واژهی «سَمَاء» در اصل به معنای «جهت بالا» است؛ البته این واژه در قرآن به معنای جوّ اطراف زمین و جایگاه ستارگان و سیارات و مقام قرب الهی (یعنی آسمان معنوی) نیز می‌آید. «۲» در این جا ممکن است مقصود آسمان معمولی یا جوّ اطراف زمین باشد؛ یعنی «معجزه‌وار، غذایی از آسمان فرود آور.» و یا مقام قرب الهی مراد باشد؛ یعنی «غذایی از نزد خدا برای ما بیاور.» ۴. از طرفی، پرسش حواریون با تعبیر «آیا پروردگارت می‌تواند؟» «۳» بود، در حالی که می‌توانستند مؤدبانه‌تر بگویند: «آیا خدا لطف می‌کند؟» از طرف دیگر، پرسش آنان بوی تردید داشت؛ از این رو حضرت عیسی به آنان هشدار داد که تقوا را رعایت کنند و حریم الهی را نشکنند. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۵۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام گفت‌وگو در بارهی خدا، حریم او را نگاه دارید و مؤدبانه سخن بگویید. ۲. خواسته‌های خود از خدا را، با رهبران الهی در میان بگذارید. *** قرآن کریم در آیهی صد و سیزدهم سورهی مائده به توضیح حواریون در بارهی درخواست غذای آسمانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۳. قَالُوا تُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَّقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (حواریون گفتند: «می‌خواهیم از آن بخوریم، و دل‌های ما آرامش یابد؛ و بدانیم که بی‌یقین به ما راست گفته‌ای؛ و از شاهدان بر آن باشیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه آثار و فواید غذای آسمانی شمرده شده است: الف) غذایی است که انسان آن را مثل غذاهای دیگر مصرف می‌کند؛ ب) سبب اطمینان و آرامش قلب می‌شود؛ ج) دلیل و گواه صدق پیامبر است؛ د) مؤمنان با مشاهدهی آن غذای آسمانی به مقام شهود می‌رسند و بر آن گواهی می‌دهند. ۲. یاران راستین پیامبران الهی اگر معجزه‌ای درخواست می‌کردند، دلایلی حکمت‌آمیز داشت و از روی لجاجت نبود؛ پس این گونه درخواست‌های معجزه‌آسا از اولیای الهی نکوهیده نیست. آموزه‌ها

و پیام‌ها: ۱. معجزه، دلیل صدق پیامبر است و موجب اطمینان خاطر مردم می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۰. حکمت درخواست‌های خود را بیان کنید تا اهداف شما روشن شود. ۳. در غذاها، اهداف مادی و معنوی را با هم دنبال کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی مائده به غذای آسمانی مسیح علیه السلام و مراسم عید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۴. قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَآزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ عِيسَى پسر مریم گفت: «خدایا! (ای) پروردگار ما! از آسمان غذایی بر ما فرو فرست؛ که عیدی برای اول ما و آخر ما، و نشانه‌ای از تو باشد؛ و ما را «روزی» ده؛ و تو بهترین «روزی» دهنده گانی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. درخواست عیسی علیه السلام از خدا بسیار مؤدبانه و محترمانه بود؛ یعنی او درخواست ساده‌ی حواریون و یاران خویش را در قالب زیبای دعا در آورد و بیان کرد، تا حاکی از ادب و روح حق‌طلبی و ملاحظه‌ی مصالح عمومی باشد. ۲. عیسی علیه السلام درخواست حواریون را اصلاح کرد؛ یعنی حواریون در درخواست خود، نخست خوردن را مطرح کرده بودند و سپس فواید معنوی، مثل اطمینان را، ولی حضرت عیسی علیه السلام اول نکات معنوی، مثل عید بودن و نشانه بودن را مطرح کرد، سپس به رزق اشاره نمود. ۳. وقتی حضرت عیسی علیه السلام از خدا درخواست می‌کند، دو بار نام خدا را می‌برد- در حالی که معمولاً در دعاها قرآن یک بار «رَبَّنَا» وجود دارد- و در آخر دعا نیز صفتی مناسب با درخواست خویش می‌آورد. این آموزه‌ای برای دعاگویان جهان است. ۴. حضرت عیسی علیه السلام فقط برای خود و یاران حاضر خود دعا نمی‌کند تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۱ بلکه برای اول تا آخر، یعنی همه‌ی مردم و نسل‌ها دعا می‌کند. «۱» ۵. واژه‌ی «عید» در اصل به معنای بازگشت است؛ از این رو به روزهایی که مشکلات رفع می‌شود و پیروزی و راحتی بازمی‌گردد عید گفته می‌شود؛ و به عیدهای اسلامی، مثل فطر نیز عید گفته می‌شود، چون آلودگی‌های انسان برطرف می‌شود و صفا و پاکی فطری روح و جان باز می‌گردد. «۲» از امام علی علیه السلام حکایت شده که هر روز که در آن نافرمانی خدا نشود، آن روز عید است. «۳» ۶. عید گرفتن و برگزار کردن جشن همراه با غذای نیکو، مورد توجه پیامبران الهی بود و قرآن هم آن را حکایت و در واقع تأیید می‌کند. ۷. در احادیث اسلامی آمده است که نزول غذای آسمانی بر یاران عیسی علیه السلام، در روز یکشنبه اتفاق افتاد؛ «۴» و شاید یکی از علل احترام مسیحیان برای روز یکشنبه همین باشد. ۸. در مورد نوع غذای آسمانی، در قرآن کریم سخنی گفته نشده است، اما در احادیث اسلامی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که «غذای مذکور، چند قرص نان و چند ماهی بود.» «۵» آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۲. ۱. در ادیان الهی، عید و جشن وجود دارد. ۲. رهبران الهی، برای مردم عید به ارمغان بیاورند. ۳. دعاها خود را مؤدبانه از خدا بخواهید. ۴. در دعاها خود، اول به جنبه‌های معنوی و معرفتی و سپس به جنبه‌های مادی توجه نمایید. ۵. رهبران دینی به خواسته‌های مردم توجه کنند و برای تحقق آنها دعا کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پانزدهم سوره‌ی مائده به استجابت دعای عیسی علیه السلام و نزول غذای آسمانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۵. قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مَنكُم فَأِنِّي أَغَدُّهُ عَذَابًا لَّا أَعْدُّهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ خدا فرمود: «حتماً من آن را بر شما فرود فرستم؛ و [لی بعد از آن، هر کس از شما کفر ورزد، پس مسلماً من با عذابی او را عذاب می‌کنم که هیچ یک از جهانیان را بدان عذاب نکرده باشم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از ظاهر این آیه و احادیث اسلامی «۱» به دست می‌آید که غذای آسمانی برای عیسی علیه السلام و یارانش فرود آمد و این مطابق وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی بود. «۲» ۲. اگر ایمان انسان به مرحله‌ی شهود و یقین برسد و معجزات را با چشم خود ببیند، مسئولیت او سنگین‌تر می‌شود و کم‌ترین تقصیر و غفلت او سبب مجازات شدیدی خواهد شد؛ از این رو پس از نزول غذای آسمانی، وعده‌ی مجازات منکران و کافران مطرح می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کسانی که توقع بیش‌تری دارند، تعهد بیش‌تری نیز خواهند داشت. ۲. بعد از اتمام حجت، با منکران لجوج برخورد کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شانزدهم سوره‌ی مائده به گفت و گوی خدا و مسیح و حق‌گویی پیامبران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۶. وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ء أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُونُ

لی أن أقول ما ليس لي بحقٍ إن كنتُ قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي ولما أعلم ما في نفسي إنك أنت علم الغيوب و [یاد کن هنگامی را که خدا فرماید: «ای عیسی پسر مریم! آیا تو، به مردم گفتی که من و مادرم را، دو معبود غیر از خدا، اتخاذ کنید؟!» عیسی گوید: «منزهی تو! برای من (سزاوار) نیست که چیزی را که برای من حق نیست، بگویم! اگر آن را گفته بودم پس حتماً تو آن را می‌دانستی؛ آنچه در جان من است، (تو) می‌دانی؛ و آنچه در ذاتِ توست، (من) نمی‌دانم؛ که تنها تو، از همه (اسرار) نهان بسیار آگاهی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گفت و گوی خدا با مسیح از آیه‌ی فوق شروع شد و در دو آیه‌ی دیگر ادامه دارد. در آیه‌ی بعدی خدا به روز رستاخیز اشاره می‌کند؛ و مفسران از همین قرینه استفاده کرده‌اند که این گفت و گو مربوط به روز قیامت است. «۱» ۲. مسیح علیه السلام مردم را به توحید دعوت می‌کرد و هیچ‌گاه مردم را به پرستش خود یا مادرش دعوت نکرد، اما پرسش خدا در آیه‌ی فوق برای اقرار تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۴ گرفتن از مسیح و محکومیت امت اوست. ۳. مسیح علیه السلام در آیه‌ی فوق هم دعوت به شرک را از خود نفی می‌کند و هم تأکید می‌کند که اساساً من چنین حقی ندارم و چنین گفتاری با موقعیت نبوت من سازگار نیست. ۴. مسیحیان در عقیده‌ی تثلیث، «خدا و مسیح و روح القدس» را خدایان سه‌گانه معرفی می‌کنند. در آیه فوق «مادر عیسی» نیز معبود مسیحیان معرفی شده است؛ زیرا در گذشته بعضی از فرقه‌های مسیحیت که بعدها منقرض شدند، مریم را نیز جزء خدایان خویش قرار می‌دادند و قرآن در آیه‌ی فوق از آنها خبر می‌دهد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا (در قیامت) از پیامبران به عنوان شاهد امت خویش پرسش می‌کند (پس مراقب کردار خویش باشید). ۲. ساحت عیسی علیه السلام از شرک و اولوهِیت پاک است. ۳. رهبران و مبلغان دینی حق‌گو باشند و فراتر از مسئولیت خویش سخن نگویند. ۴. خدا را شاهد و ناظر گفتار خود بدانید که او از همه‌ی امور پنهان آگاه است. ۵. رهبران و مبلغان دینی آماده‌ی بازپرسی در محضر الهی باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۵ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم سوره‌ی مائده به بخش دیگری از گفت و گوی خدا با مسیح علیه السلام و شیوه‌ی توحیدی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۷. مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مِآ أَمْرَتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ جَزَآءَ مَا كَفَرْتُمْ بِهِ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِنْ أَنْتُمْ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (به آنان گفتم) که: خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست پرستید. و تا هنگامی که در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم؛ و [لی هنگامی که مرا به صورت کامل برگرفتی، تنها تو نگهدارنده‌ی آنان بودی؛ و تو بر هر چیزی، گواهی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه نشان داده شده که عقیده و خط مسیح، همان خط توحید است و شرک و انحراف تثلیث بعدها در مسیحیت پیدا شده است. ۲. آیه‌ی فوق خدا را «رب» و پروردگار مسیح و مردم معرفی می‌کند؛ یعنی بر پروردگار مسیح بودن، به صورت جداگانه تأکید می‌کند، تا احتمال خدا بودن مسیح را کاملاً دفع کند. ۳. مسیح علیه السلام (هم‌چون دیگر پیامبران) شاهد و ناظر و گواه اعمال و عقاید امت خویش بود. ۴. مسیح علیه السلام معصوم بود و جز فرمان خدا را انجام نمی‌داد. ۵. مسیح علیه السلام عروج کرد؛ بنابراین او نمرده است، «۱» همان‌طور که در آیات دیگر قرآن نیز به این مطلب اشاره شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خط مسیح علیه السلام، همان خط توحید است (نه تثلیث). ۲. رهبران و مبلغان دینی تا هنگامی که در میان مردم هستند، شاهد و ناظر آنها باشند. ۳. رهبران الهی، فقط به دستورات الهی عمل کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هیجدهم سوره‌ی مائده به بخش پایانی گفت و گوی خدا با مسیح و تلاش او برای جلب رحمت الهی نسبت به مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۸. إِنْ تَعُدُّهُمْ فَأِنتُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنْ عَذَابُكَ كُنِي، پس برستی که آنان بندگان تواند؛ و اگر آنان را بیامری، پس برستی که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسیح علیه السلام با آوردن تعبیر «عبادك» (: بندگان تو)، دریای رحمت الهی را به خروش درمی‌آورد و محبت او را به گناهکاران (توبه‌کار) جلب می‌کند و با اشاره به عفو و بخشش الهی، به نوعی، آن را برای مردم طلب می‌کند. ۲. هدف عیسی علیه السلام از طرح مسأله‌ی بخشش، شفاعت در باره‌ی مشرکان نیست، و گرنه صفات مناسب دیگری، مثل «غفور و رحیم» را به جای «عزیز و حکیم» می‌آورد؛ پس هدف

حضرت مسیح از این جمله آن است که بگوید: «همه‌ی کارها به دست خداست و من اختیاری ندارم.» البته این احتمال نیز هست که در میان مسیحیان گروهی به اشتباه خود پی برده و توبه کنند و این جمله‌ی حضرت مسیح برای جلب رحمت الهی نسبت به آن گروه باشد. ۳. آیه‌ی فوق به قدرت خدا اشاره می‌کند تا نشان دهد که اختیار نهایی و تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۷ انتخاب عذاب و عفو با خداست؛ و به حکمت و فرزاندگی او اشاره می‌کند تا نشان دهد که مجازات و عفو الهی، بدون حساب و حکمت نیست. ۴. ابوذر غفاری حکایت می‌کند که شبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا صبح این آیه را تکرار می‌کرد و در رکوع و سجود تلاوت می‌نمود و دستان خود را بلند می‌کرد و می‌گریست و به امت خویش دعا می‌کرد و از خدا آن قدر طلب شفاعت کرد، تا به او عطا شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران، تسلیم محض خدایند. ۲. مبلغان و رهبران دینی تسلیم خدا باشند، اما در همان حال رحمت الهی را نسبت به مردم جلب کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نوزدهم سوره‌ی مائده به رستگاری راست گویان و عظمت رضایت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۹. قَالِ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ خدا فرمود: «این، روزی است که راستی راستگویان، به آنان سود می‌بخشد؛ برای آنان بوستان‌های (بهشتی) است که از زیر [درختان]ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند. خدا از آنان خشنود است، و آنان (نیز) از او خشنودند؛ این کامیابی بزرگ است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به راست گویی راست گویان در دنیا اشاره دارد که در جهان دیگر برای آنان مفید است، و گر نه آخرت محل تکلیف نیست و در آن جا هر تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۸ کسی راست می‌گوید و حتی گناهکاران به اعمال خویش اعتراف می‌کنند. ۲. مقصود از راست گویان در آیه‌ی فوق، مسیح و پیامبران و یاران راستین آنها هستند که رسالت خود را انجام داده و جز راه صدق و راستی نپیموده‌اند. در برخی احادیث، آیه‌ی فوق بر محمد صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تطبیق شده است؛ «۱» یعنی بالاترین مصداق راست گویان، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام هستند. ۳. صدق و راستی، عنوان جامعی است که شامل راستی در گفتار و کردار، هر دو می‌شود و این تنها توشه‌ای است که در آخرت به کار می‌آید. ۴. رضایت دوجانبه‌ی بنده و خدا، آن قدر مهم است که در آیه‌ی فوق از آن با عنوان «رستگاری بزرگ» یاد شده است؛ زیرا ممکن است انسان غرق عالی‌ترین نعمت‌ها باشد اما احساس کند که محبوبش از او ناراضی است؛ در این جاست که تمام نعمت‌ها در کام او تلخ می‌شود؛ و یا ممکن است انسان همه چیز داشته باشد، ولی از وضع خود راضی نباشد که در این صورت هم خوش‌بخت نخواهد بود. پس رستگاری بزرگ آن است که خدا از انسان راضی و بنده هم از او خشنود باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در قیامت راستی می‌خرند (نه ریاکاری). ۲. بزرگ‌ترین رستگاری و پیروزی، رضایت خداست. ۳. اگر رستگاری و بهشت می‌خواهید، راستی پیشه سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۶۹ قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی مائده به حکومت و قدرت مطلق خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۰. لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست، فقط از آن خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این جمله ممکن است دلیل رضایت بندگان از خدا باشد که در آیه‌ی قبل مطرح شد؛ زیرا کسی که بر همه چیز توانا و حاکم است، هر چه بندگانش بخواهند به آنان می‌بخشد؛ پس بندگان از او خشنود می‌گردند. و نیز ممکن است این جمله اشاره به نادرستی اعمال مسیحیان در پرستش مسیح علیه السلام و مادرش باشد؛ زیرا عبادت و پرستش، تنها شایسته‌ی کسی است که بر سراسر جهان آفرینش حکومت می‌کند، نه کسانی که مخلوقی بیش نیستند. «۱» ۲. مضمون این آیه، در آیات متعددی آمده است. این تکرار یا به خاطر اهمیت آن است و یا به خاطر نتایج تربیتی یادآوری آن. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرمانروایی مطلق و قدرت بی‌کران الهی را بشناسید. ۲. بالاتر از حکومت و قدرت الهی، چیزی نیست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۱

- منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲.
- آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۲. ۱۵.
- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است).
۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، مؤسسه التمهید، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، مؤسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسرون، دکتر محمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۳.
۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳.
- الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مكتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی نو، بی تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه

(السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفه السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهدی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی استحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۴ المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعه الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوه، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، مؤسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه العظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۵ تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبري، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبري، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

- بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمآلهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۶ ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۷ ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجّه بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن

سوم تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۸ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد مبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۷۹ ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیة، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیة، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۸۰ چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه

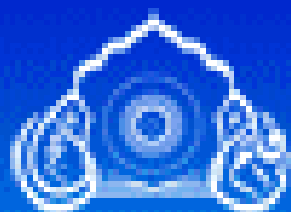
فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المكتبة العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیدالله قضی، تحقیق: محمداقبر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۸۱، ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدۀ الداعی، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد کتاب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیۀ الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیکی نوین، دکتر اریک اوبلا-کر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۸۲ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمۀ فی معرفۀ الأئمة علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنز الفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم

انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد پنجم، ص: ۲۸۳ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطره.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب

بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

